

نفوذ

فرهنگ و تمدن ایران و اسلام

در سرزمین هند و پاکستان

بقلم

مجید یکتائی



شماره ثبت کتابخانه ملی ۱۸۰۶
۵۳/۶/۲۶

نفوذ فرهنگ و تمدن ایران و اسلام در سرزمین هند و پاکستان

هندو
افغانستان
۱
۵
۱۸



اسکن شد

نقو و

فرهنگ و تمدن ایران و اسلام

سرزمین هندو پاکستان

۱۱۵/۱۸

بقلم :

مجید یکتا

چاپ نخست - تهران ۱۳۵۳

از انتشارات



شرکت نبی اقبال و شرکا

حق چاپ محفوظ

پیشگفتار

همبستگی تاریخی و فرهنگی میان دولت ایران و هند بروزگاران پیش از تاریخ می‌رسد و هیچ دولتی در جهان تا این اندازه دیرینگی تاریخی و بستگی نداشته‌اند.

باید گفت وقتی از گذشته تاریخی روابط ایران و هند سخن می‌گوئیم غرض از هند سرزمین بزرگ و شبه قاره هند و پاکستان است بویژه آنکه آثار باستانی پاکستان کهن‌ترین آثار پیدا شده در آن سرزمین است و روابط ایران با سرزمین هند از راه هند غربی یا پاکستان بوده است.

بررسی بستگی‌های فرهنگی ایران و هند خود بخش مهمی از تاریخ تمدن و فرهنگ جهان قدیم است که پژوهش در آن ما را به کهن‌ترین بستگی‌های تاریخی رهنمون می‌شود.

روابط کهن مردم ایران و هند از روزگاری پیش از تاریخ شناخته شده و از آنجا که تاریخ هند آغاز می‌شود این بستگی‌های فرهنگی در همه شئون تمدن هند از زبان و دین و فلسفه و عرفان و تصوف و شعر و هنر و ساختمان دیده می‌شود.

تاریخ همزیستی مردم ایران و هند آغاز تمدن آریائی است و جدائی آنها خود بزرگ‌ترین رویداد اجتماعی تاریخ جهان کهن است که هنوز بدرستی درباره آن پژوهش نشده است.

مورخان اتفاق دارند که باشندگان آریائی هند از سرزمین ایران سوی آندیار کوچ کرده‌اند و مردم اروپا شاخه‌ای از مردم آن سامان بوده‌اند که سوی غرب رو آورده‌اند ازینرو مردم ایران و هند تبار و نیای مردم اروپا بوده و ریشه‌های تمدن و فرهنگ اروپائی درین سرزمین بوده است منتهی بآپیدایش مسیحیت در اروپا توجه مردم غرب به‌دین بیش از مفاخر نژادی و زبانی خویش شده است.

از پژوهش در سرزمین هند دیده میشود گذشته از بستگی‌هایی که میان دولت‌ها وجود داشته همواره کشتی مردم سرزمین ایران را سوی آن دیار کشانده است :

ز شوق هند زانسان چشم حسرت برقفا دارم
که روهم گر براه آرم نمی‌بینم مقابل را
رفتن آریائیها، سکاها، پهلوها، مسلمانها و پارسیان به سرزمین هند نشانه
و نمونه این بستگی‌هاست که در شئون گوناگون مردم آن سرزمین آثار بسیار از
خود برجای گذاشته است .

آشکارترین نمونه این بستگی و نزدیکی میان دولت نفوذ زبان فارسی در زبانهای هند و پاکستان است که با همه گسترش زبان انگلیسی هنوز همچنان برجاست . گذشته از نفوذ تمدن و فرهنگ ایران نفوذ دین اسلام در هند و پاکستان مانند بسیاری از دینهای دیگر از راه ایران و وسیله ایرانیان بوده است زبال فقه اسلامی در هند نیز هنوز زبان فارسی است و کشور هند در دوران حکومت‌های اسلامی درخشان‌ترین دوران خود را گذرانده و زبان فارسی در آن دوران در سرزمین هند و پاکستان شکوفان بوده است .

از چند سال پیش دوست دانشمند استاد محمد محمدی رئیس دانشکده الهیات باهمیت این بخش از تمدن و فرهنگ مشترك ایران و هند و پاکستان توجه پیدا کرده در سال چهارم لیسانس آن دانشکده به نفوذ تمدن و فرهنگ

ایران و اسلام در شبه قاره هند و پاکستان درسی اختصاص داده‌اند و از سال ۱۳۴۹ در آن دانشکده تدریس نمودم و چون از مدتی پیش روی دلبستگی‌های دیرین سفری بسرزمین هند و پاکستان نمودم در آن دیار نیز در کتابخانه‌ها و دانشگاه‌ها و موزه‌ها از نزدیک بررسی و پژوهش پرداختم .

آنچه در کلاس درس گفته و تقریر داشته‌ام آقای هوشنگ امامی یکی از دانشجویان آنسال برشته تحریر آورده‌اند که پس از امعان نظر از نظر خوانندگان میگذرد و گمان می‌رود نمونه کوچکی است از آنچه در آینده در این زمینه وسیله دانشمندان پژوهش گردد و امید است بیش از پیش بر همبستگی‌های فرهنگی و دینی ایران با دواولت بزرگ پاکستان و هند بیفزاید.

مجید یکتائی



موقعیت جغرافیائی هند و پاکستان

شبه جزیره هند یکی از سه شبه جزیره جنوبی آسیاست دوشبه جزیره دیگر یکی عربستان است در مغرب و دیگری هندوچین در مشرق .

وسعت خاک هند و پاکستان باندازه ایست که آنرا شبه قاره گفته اند . شبه جزیره هند همچون مثلی است که کوه های هیمالیا در شمال در قاعده مثلث قرار دارد و رأس آن دماغه کماری^۱ در اقیانوس هند پیش رفته است و از سه طرف آنرا آب گرفته است .

مدار راس السرطان از میان شبه جزیره هند میگذرد و از اینجهت نیمی از شبه جزیره در منطقه معتدله شمالی و نیمی در منطقه حاره قرار دارد و هند یکی از کشورهای گرمسیری جهانست . باید گفت غرب پاکستان بیشتر در بخش بلوچستان و حوزه رود سند قرار دارد که نام قدیم این رود رود مهران بوده و بآن جلگه سند گفته و مرکز آن بهمن آباد (منصوره) بوده . طول شبه جزیره هند از شمال بجنوب در حدود دوهزار میل و از شمال غربی بایران هزار و دویست میل است شبه قاره هند تا برمه ادامه دارد و از غرب بفلات ایران منتهی میشود که در شمال غربی از تنگه خیبر میگذرد و در جنوب آن از راه شترزارهای بلوچستان

۱ - کماری نام هندی دماغه ایست نام انگلیسی آن Comarin است یا

بفلات می‌پیوندد. قله اورست بلندترین قله جهانست که در رشته کوههای هیمالیا واقعست و این کوهها شبه قاره هند را از شمال محصور کرده است. میتوان سرزمین کشمیر را که در شمال واقعست از نظر جغرافیائی جزو فلات پامیر^۱ دانست. در شبه قاره هند دو حوزه رود گنگا و جمنا دو حوزه مقدس است که هندیان از دیرباز در کناره های این دو رود زیسته اند؛ شهرهای مذهبی ساخته و اعمال دینی خود را در کناره های آن دو رود بجا آورده اند شهرهای مهم بنارس، کلکته، داکا و غیره در کنار گنگ است و دهلی و اسدآباد و آگرا در در کنار جمناست همچنین دو رشته کوه از غرب بشرق شبه قاره کشیده شده که فلات دکن را از دشت رسوبی هند جدا نموده این دو رشته ارتفاعات در تاریخ هند اهمیت بسیار دارد زیرا چون يك سد طبیعی در برابر پیشرفت مردم آریائی و اقوام دیگر بوده است. در جنوب این رشته کوه است که مردم بومی قدیم هند دراوها زیست می کنند و غارهای معروف آجانتا و آلورا که در آن آثار دینی بودائی و هندو دیده می شود در دامنه جنوبی همین رشته کوههاست.

و اما در دامنه کوههای شمالی است که خردمندان و دانشوران هند باندیشه و ریاضت پرداخته و در زمینه دین داری از چند خدائی و بت پرستی به سه گانه پرستی دو گانه پرستی و وحدت وجودی و یگانه پرستی راه برده اند.

آئین هندو

آئین هندو را خاورشناسان^۲ سه دوره جداگانه تقسیم میکنند:

۱ - ودائی .

۲ - برهمنائی .

۱ - ریشه پامیر را پای مهر یا پامهر یا بام مهر دانسته اند و فلات پامیر را بام جهان نام نهاده اند .

2 - Jean Herbert, Spritualité Hindoue Paris 1947 P. 23

کیش وداها و بیدها

کیش وداها از کهن‌ترین کیشهای جهانست . ودا مظهر نخستین قوم هندوست^۱ و ریشه اصلی عقاید برهمنائی و هندوست و رسوم ودائی باقربانی و نثار سوما برای خدای آتش آگنی آغاز گشته. آثار ودائی مانند آثار اوستائی شامل علوم و دانش و آگاهی‌های بشری بوده در صورتی که کتابهای بنی اسرائیل بیشتر شامل قصص و امثال و تعلیمات دینی است. کتابهای ریگ ودا، یاجورودا، یاتهرودا و ساماودا از کتابهای دینی کهن وداها یا بیدهاست که در دست مانده و کهن‌ترین، ادبیات این جهانست ریگ ودا پس از گذشت سه هزار سال آن با دقت بما رسیده است گذشته از بیدها حماسه راماین یا رامایانا و مهابهارت از آثار کهن است . براهماناها ، اوپانیشادها ، ماترا (سرودها) تفسیر وداهاست که محتوی عقاید دینی و فلسفی هندیان است . دوره برهمنائی دوره تکامل فلسفه و دین ودائی است در دوره ودائی نظام اندیشه ودائی برقرار شد. دوره هندوئی دوره انحطاطی است که بصورت پرستش ارباب انواع و خرافات جلوه گر شده است .

نام هند

بسرزمین هند هندیان بهارت^۲ گفته‌اند و به بخش شمالی آن که آریاها مسکن داشته‌اند آیاورتا یا اری ورت چون هندوها مانند ایرانیان خود را « اری » نامیده‌اند یعنی سرزمین آریاها و به بخش جنوبی دکشینا^۳ که بزبان

۱ - ودا پس سکریت یعنی دانش ووداها چهار کتاب است: ریگ ودا، ساماودا، یاجورودا ، اتهروودا و مجموعه این نوشته‌های دینی چهار قسمت است: ۱ - سمهیتا ۲ - براهمانا ۳ - ارنیاگا ۴ - اوپانیشاد .

سنسکریت یعنی جنوب و امروز بآن ناحیه دکن گویند که شامل ایالت اندراپرادیش^۱ بوده و مرکز آن حیدرآباد دکن است. اما نام هند یک نامی است که مسلمانان از سده چهارم هجری به بعد باین سرزمین داده اند و پیش از آن سرزمینهای دیگری در فلات ایران هند نامیده میشد مانند بخشی از خوزستان و بخشی از قندهار که هند سفید میگفتند.

نژادها

در سرزمین هند نژادهای گوناگون و بسیار زیست میکنند و گذشته از آن از بیشتر نژادهای جهان نمونه هایی در این سرزمین دیده میشود. نژادشناسان نژادهای ساکن هند را به پنج گروه بزرگ تقسیم میکنند:

۱ - نژاد آریائی^۲ دارای جمجمه و چهره کشیده و رنگ پوست روشنتر با موهای سیاه و از نژادهای دیگر بیشتر هستند و بیشتر ساکنان شمال هند می باشند.

۲ - نژاد دراویدها دارای قد متوسط پیشانی بلند بینی قلمی چانه پیش آمده لبهای کلفت موهای سیاه و پر پشت و پیچیده، چهره تیره گون ساکنان قدیم سرزمین هند هستند و آنها را از نژاد مردم مدیترانه ای دانسته اند اما با آنان از حیث رنگ چهره و مو فرق دارند.

۳ - نژاد سیاه^۳ دارای قد کوتاه چهره تیره صورت پهن جمجمه گرد ولی بارنگهای آفریقا اختلاف دارند (دراوها) هستند.

۴ - نژاد ویدید^۴ دارای قد کوتاه بدن قوی چهره گرد و کوچک و بینی های پهن بیشتر در مرکز و جنوب هند هستند.

۵ - مغولها که دارای اندام کوتاه چهره پهن استخوانهای گونه برآمده چشمها باریک پوست زرد رنگ.

1 - Indra Pradisha 2 - Indids 3 - Negritos 4 - Veddids

از آمیختگی این نژادهای دیگر نیز پدید آمده اند اما میتوان گفت نژادهای آریائی آمیختگی کمتری دارند .

نفوس هند و پاکستان

اکنون هندوستان بیش از ۵۵۰ میلیون جمعیت دارد و میتوان گفت در جهان از هر پنج نفر يك تن هندی است . پاکستان نیز دارای ۵۵ میلیون جمعیت است و بنگلادش یا بنگال دارای ۷۵ میلیون جمعیت است پاکستان پس از اندونزی روزی دومین کشور پر جمعیت اسلامی جهان بود در هند نیز حدود یکصد میلیون مسلمان هست و میتوان هند را از نظر کثرت نفوس مسلمان دارای اهمیت دانست .

زبانهای هند

در سرزمین هند و پاکستان در حدود ۱۵۶۲ زبان و گویش تشخیص داده اند طبق تحقیقات يك انگلیسی بنام «گریسن»^۱ در حدود سیصد زبان اصلی در شبه قاره وجود دارد و ازین جهت یکی از سرزمینهای شگفت آور جهان است در میان اینهمه زبان و گویش های گوناگون در هند شانزده زبان رسمی شناخته شده است. در هندوستان و پاکستان سه گروه زبان تشخیص داده اند:

۱ - دراوری (باستانی) .

۲ - هند و آریائی باستانی (میانه ای) .

۳ - چینی تبتی که امروز در شمال خاوری شبه جزیره رایج است.

اگر بخواهیم درباره این زبانها سخن بگوئیم کتابها باید نگاشت اما لازم است چند زبان را اندکی بشناسیم .

زبان سنسکریت زبانی است ریشه دار و نیرومند از گروه زبانهای هند

1 - Crerson.

و آریائی که امروز زبانی نیم مرده است و مایه دار اگرچه متکلماتی دارد ولی زبان مادری کسی نیست زبان سنسکریت مانند زبان فارسی باستان و زبان اوستائی که ریشه زبان فارسی میانه و فارسی امروز است ریشه زبانهای گروه هند و آریائی هند است و سی و پنج درصد واژه های فارسی را می توان با واژه های سنسکریت سنجید و از زبانهای پرمایه است برای تفکیک زبان سنسکریت از زبانهای ایرانی آنرا زبان هند و آریائی گفته اند . زبانهای هند و آریائی را چنین تقسیم میکنند :

۱ - زبانهای هند و آریائی میانه .

۲ - زبانهای هند و آریائی باستان .

الف : زبان سنسکریت وداها .

ب : زبان سنسکریت باستان .

زبانهای هند و آریائی میانه را بزبانهای زیر تقسیم میکنند :

۱ - زبان پالی^۱ که متن کتابهای بودائی بآن زبان نوشته شده .

۲ - پراکریت^۲ که دارای گویشهایی است .

۳ - آپابهرامشا^۳ .

۴ - اوهمگدهمی که کتابهای کیش جین^۴ باین زبان است .

۵ - زبان سنگ نبشته های آشوکا که نزدیک به پالی است .

زبانهای هند و آریائی نوین را چنین تقسیم میکنند :

۱ - زبان بنگالی .

۲ - زبان هندی .

۳ - زبان گجراتی .

۴ - زبان مراتی^۵ .

۱ - پالی بمعنی متن کتاب .

2 - Prakrits 3 - Apabharamsha 4 - Jain 5 - Maratti.

۵ - زبان بهاری^۱.

۶ - زبان کشمیری :

۷ - زبان پنجابی .

۸ - اردو .

۹ - پشتو .

۱۰ - راجستانی .

رابطه هريك از اين زبانها با زبان فارمی خود تاريخچه‌ای دارد چنانكه زبان سندی در روزگار گذشته از آميختگی زبان سنسکريت و پراكريت پديد آمد و سپس فارسی و عربی در آن راه يافت.

در دوران اسلامی زبان رابط مردم هند فارسی و اردو بود حتی پيمانهایی كه انگلیسها با نواب هندی بسته‌اند همه بزبان فارسی بوده سپس بانگلیسی ترجمه شده است و امروز زبان رابط نیز اردو و انگلیسی است. پایه زبان اردو از سده يازدهم میلادی گذاشته شده كه سلسله‌ها و خانواده‌های پادشاهان اسلامی در هند حكومت كردند. اردو از آميختگی زبان فارسی و زبانهای هندی مانند پنجابی بتدریج درست شده دستور زبان اردو از زبان «سورسینی»^۲ گرفته شده و زبان برج بهاشا^۳ نیز در آن اثر داشته و واژه‌هایی از زبانهای دیگر هندی وسیله مأموران دولتی و مبلغان مسلمان كه از دهلی به نقاط دیگر میرفته‌اند در آن راه یافته با این وجود زبان فارسی نسبت به اردو مانند زبان مادر است چنانكه شصت درصد واژه‌های اردو از فارسی است. تازمان سر سید احمد خان اردو دشوار و پیچیده بود اما از آن پس تا با امروز رو بسادگی می‌رود . زبان اردو بتدریج در قرنهای بعد کمال یافته دارای ادبیات غنی از نثر و نظم گشته است. كهنترین نثر بزبان اردو كتاب معراج العاشقین است كه در سال ۱۴۰۳ میلادی

1 - Behari

۲ - زبان دهلی و پیرامون آن .

۳ - زبان محلی آگرا و متھرا.

آنها خواجه بنده نواز گیسو دراز که بسال ۱۴۲۴ درگذشت و مزار او در گل برگه نزدیک حیدرآباد دکن است نوشته است. نخستین کسی که بزبان اردو شعر گفت خسرو دهلوی است که در سال (۱۲۵۳ تا ۱۳۲۵) میلادی میزیست پس از آن دیوان شعر از پادشاهان قطب شاهیان مانند محمد قلی قطب شاه باقی مانده است. قطب شاهیان پس از پادشاهان بهمنی دکن سلطنت کردند. قطب شاهیان پادشاهان شیعی بودند که در گل کنده در دکن حکومت داشتند و تاورنیه (در سال ۱۶۴۵ میلادی) جهانگرد که بدان شهر رفته از الماسهای گران بها و جواهرات آنان سخن گفته . الماس میز بزرگ ، الماس اورلیو ، الماس نظام و الماس کوه نور همه از آنجا بود . عبدالله قطب شاه در هند از همه بیشتر جواهر داشت .

در زمان سلطان علاءالدین خلجی در قرن سیزدهم میلادی دکن زیر نفوذ مسلمانان درآمد و مسلمانان از دهلی بدان دیار رو آوردند و در نتیجه زبان اردو در آن سرزمین نیز انتشار یافت در زمان پادشاهان تیموری نیز زبان اردو در سراسر هند گسترش یافت زبانی که امروز زبان رابط صدها میلیون مردم مسلمان و هندوست .

در زمان پادشاهان تیموری زبان فارسی زبان رسمی و درباری بود زبان اردو نیز در دربار و حرم سرا رایج بود. شاهجهان زبان اردو را اردوی معلی نامید در زمان اورنگ زیب (۱۶۵۸ - ۱۷۰۷ میلادی) که سرزمین هند و پاکستان بصورت یک کشور بود اردو پیشرفت شایان نمود و عده ای از شاهزادگان بزبان اردو شعر گفته اند . بهادر شاه ظفر آخرین پادشاه دودمان تیموریان نیز بار دو شعر سروده است شاعرانی که بفارسی و اردو شعر سروده اند در هند و پاکستان بسیار بوده اند که تذکره هایی درباره احوال آنان چاپ شده شماره شاعران فارسی گو در تذکره ها نگنجد و چنین است کسانی که به اردو شعر گفته اند . پس از تسخیر استان بنگال و دکن و دهلی

سخندانان و سخنسرایان اردوزبان به شهر لکهنو که در شمال هند مرکز شاهان آود بود رو آوردند و آنجا مرکز تازه‌ای برای شعر و زبان اردو گشت .

بر اثر علاقه مسلمانان و هندوان بزبان فارسی در سده نوزدهم و بیستم در برابر زبان انگلیسی مقاومت بسیار شد و مسلمانان و هندوان نمیخواستند زبان انگلیسی را بپذیرند و چون پس از برافتادن حکومت‌های اسلامی زبان فارسی اعتبار درباری خود را از دست داد و با آن مبارزه شد کم فارسی متروک گشته و زبان انگلیسی جای آن را گرفت اما زبان اردو همچنان اشاعه داشت و بپیدایش شاعران و نویسندگان بزرگ، زبان اردو یک زبان غنی و عمومی شد. اسدالله غالب و محمد اقبال دو شاعر بزرگ و نامدار فارسی‌گوی هند و پاکستان هستند که بزبان اردو نیز شعر سروده‌اند و آنها شعر فارسی را بر شعر اردو ترجیح داده غالب گوید :

فارسی بین تا به بینی نقشهای رنگ رنگ

بگذر از مجموعه اردو که بیرنگ منست

واقبال شاعر نامدار فارسی را بر شعر هندی برتر دانسته و گوید:

گرچه هندی در عذوبت شکر است

طرز گفتار دری شیرینتر است

در دوران اسلامی در هندوستان گذشته از زبان اردو زبان فارسی رواج بسیار یافت از آغاز سده یازدهم میلادی فارسی زبانان در لاهور فرمانروائی یافتند و زبان فارسی زبان رسمی شد. و شاعران فارسی‌گوی چون مسعود سعد سلمان، ابوالفرج رونی، معزالدین غزنوی و عطای رازی در آسمان ادب هند درخشیدند .

گذشته ازین بسیاری از هندوان بوده‌اند که بفارسی شعر سروده‌اند مانند برهمن که شماره آنها بسیار است .

در آغاز سده هشتم هجری (سیزدهم میلادی) دهلی زیر نگین فارسی

زبانان در آمد و زبان فارسی در آندیار نیز زبان رسمی کشوری گشت و شاعران فارسی زبان مانند خسرو دهلوی ، حسن سنجرى ، فیضی فیاض (ملك الشعرای دربار اکبر شاه) ظفرخان احسن ، سلیم تهرانی ، غنی ، فیاضی لاهیجی ، سالک قزوینی ، فانی و اصیل بسرا ئیدن شعر فارسی پرداختند در سال ۹۳۲ هجری که با بریان فرمانروائی یافتند شعر فارسی در دهلی رونق بیشتر یافت و پس از رفتن همایون^۱ از خدمت شاه طهماسب صفوی قزلباشها در هند مقام و منصبهای عالی یافتند و همراه آنان گروهی از شاعران نیز به هند رو آوردند در این زمان از قرن چهاردهم میلادی دهلی ، لاهور ، لکهنو ، آگرا ، گولکنده ، گل برکه بیجاپور ، احمدنگر ، تته ، جونپور ، احمد آباد ، بنگال و پنجاب و کشمیر و نقاط دیگر مرکز شکوفان شعر و ادب فارسی شد .

شاعران بزرگ نامداری چون عرفی شیرازی ، نظیری نیشابوری ، ظهوری ترشیزی ، طالب آملى ، کلیم همدانی ، صائب تبریزی و جویا تبریزی به هندوستان رو آوردند ، بطور کلی می توان شعر و شاعری را در هندوستان به سه دوره تقسیم کرد :

۱ - پیش از غدر^۲ که شامل زمان حکومت فارسی زبانان از ابتدا تا انقراض سلطنت تیموریان میباشد .

۲ - پس از غدر .

۳ - پس از استقلال هند و پاکستان که در سال ۱۱۴۷ م صورت گرفت شعر در دوره حکومت شیعی اوده^۳ و پادشاهان بهمنی دکن و قطب

۱ - همایون در سال ۹۳۷ تا ۹۶۳ هجری پادشاهی کرد .

۲ - غدر بر وزن کمر بمعنی شورش است این شورش در سال ۱۸۵۷ م بر علیه استعمار انگلیسییان در هندوستان برپا شد .

۳ - در شمال هند .

شاهیان که شیعی و فارسی زبان بودند و بابریان بدو زبان فارسی و اردو بود و آنان بیشتر بزبان فارسی شعر میسرودند و به اردو از راه تفنن شعر می گفتند شعر فارسی در دهلی و لاهور و دکن همگام با اصفهان و شیراز و تبریز بود . بیشتر شاعران پیش از غدر به زبان فارسی شعر می سرودند . در زمان حکومت اود مرثیه گوئی در هند رواج یافت و شاعرانی چون میرخلیق میرمونس دبیر و انیس بمرثیه گوئی پرداختند .

در هند چندین تذکره مهم از شعرای فارسی انتشار یافته . در دوران نفوذ زبان انگلیسی پس از غدر در هند شاعرانی به دو زبان فارسی و اردو شعر گفتند اسدالله خان غالب و عبدالقادر گرامی و شبلی و اقبال و غیره از این گونه سراینده گان بشمار میروند .

اما در دوران رواج زبان انگلیسی جز تا گور و چند تن شاعر از هندی ها نمی بینم با انگلیسی شعر سروده باشند^۱ .

تأیید از استقلال هند و پاکستان با همه مبارزه ای که بازبان فارسی و اردو میشد باز ایندو زبان در هند نفوذ داشت بویژه زبان اردو زبان عمومی بود اما جواهر لال نهرو باستانها خود مختاری و اجازه داد که در هر استان هند زبان محلی عمومی باشد و زبان هندی زبان دویم و زبان انگلیسی زبان سوم شد بنابراین برای زبان اردو و زبان فارسی دیگر محلی نماند که نسل جوان هند بدان زبانها پردازند معینا باز امروز زبان اردو مانند زبان انگلیسی در سراسر هند زبان متداول و رابط است و اما تعیین زبان رسمی برای کشور پاکستان دچار اشکال شده بود بدین معنی که زبان پاکستان شرقی بنگالی بود و زبان پاکستان غربی اردو و چون مرکز حکومت در پاکستان غربی بود دولت نظر

۱ - کتاب نوپردازی در نقد شعر و سخن سنجی اثر نگارنده گفتار ششم در شعر فارسی در شبه قاره هند و پاکستان دیده شود .

داشت زبان اردو را زبان رسمی اعلام نماید ولی مردم پاکستان شرقی که ثروت و جمعیت آن بیش از پاکستان غربی بود بر اثر آنکه زبان اردو زبان پاکستان غربی است این امر را تحمیل میدانستند و حاضر شدند زبان رسمی حتی فارسی باشد وارد نباشد ازین جهت بیشتر مکاتبات بزبان انگلیسی است و وسیله ای شده که زبان انگلیسی بعنوان زبان رابط موقعیت ممتازی پیدا کند در فلاتی که در آن امروز اسلام آباد و راولپندی هست بجز زبان اردو زبان پوتوهاری رایج است که فارسی در آن زبان نیز نفوذ بسیار دارد. زبانهایی در جنوب هند نیز رایج است مانند: کناری تلگو، تامیل و ملیالم که بآنها کار نداریم.



دین در سرزمین هند و پاکستان

همانطور که از نظر زبان و نژادها هند و پاکستان سرزمین عجایب است و قابل مطالعه از نظر دین شناسی نیز سرزمینی است که مطالعه بسیار لازم دارد.

دین قدیم آریائیهای هند دین ودائی است که پیش از این اشاره مختصری بدان شد. این دین از کهنترین کیشهای جهان است که کتابها و سرودها و حماسه های پرارجی از آن برجا مانده است.

اقوام آریائی که از راه فلات ایران بهند رو آوردند در حدود هزاره دویم پس از میلاد بآن سرزمین رو آورده اند و هنگام کوچ کردن سرودهای دینی بیدها را میخواندند و سرودخوانان به سرزمین هند وارد شده اند. سرودهای ریگ ودا در نهایت لطافت در ستایش آفریننده و آفرینش و نیایش او و ستایش مظاهر طبیعت است.

در باره زمان وداها اختلاف نظر هست در اوستاد و کتابهای وداها هردو آمده که آریائیهای اولیه ساکنان سرزمین ایران و یچ بوده اند و از آنجا ب سرزمین هند کوچ کرده اند^۱ و مردم آن سرزمین را بجنوب رانده اند این مردم دراوها بوده اند که بیشتر مورخان آنها را از نژاد غیر آریائی و وحشی و بی

۱ - تاریخ تمدن و فرهنگ از تفریرات در سال سوم دانشسرای عالی که جداگانه چاپ شده.

دفاع و بی قانون دانسته‌اند که کارشان دام‌پروری و گله‌داری بوده است ولی پژوهشهای ما نشان می‌دهد که آنها نیز شاخه‌ای از آریائی‌ها بوده‌اند که پیش از رفتن آریائیهای کنونی آنها نیز از راه قندهار و بلوچستان به هند رفته‌اند^۱.

از نامهای جنگجویان و دشمنان آریائیها و نام قهرمانان که در اوستا و وداها آمده چنان فهمیده میشود که زمان ادبیات ودائی و اوستائی فاصله‌ای با هم نداشته‌اند و از نظر زبان‌شناسی دو زبان بسیار بیکدیگر نزدیک هستند. سرودهای گاهانی اوستائی با سرودهای بیدها نیز همزمان می‌نماید این قراین بما نشان می‌دهد که مردم هندوایران از دیرباز باهم بستگی‌های زبان و فرهنگ و دین و تمدن داشته‌اند.

آثاری از ادبیات وداها و اوپانیشادها در هند یافت شده که تاهشت قرن پیش از میلاد میرسد اما قدمت ریگ وداها از همه آثار بیدها قدیمتر است و محدود هزاره دوم پیش از میلاد میرسد قدمت مهابهارتا^۲ و رامایانا^۳ نیز در

۱ - تاریخ تمدن و فرهنگ از تقریرات درسال سوم دانشسرای عالی .

۲ - مهابهارتا یا مهابهارت یعنی بهارت بزرگ رزمنامه بزرگ حماسی است منسوب به ویاس یا بیاس Vyas که میگویند بیدها را او گردآوری کرده است این اثر کهن ۱۰۷۰۰۰ دوبیتی است و بتدریج کامل شده . بهاراتا شامل داستانهای عشقی بسیار جالبی مانند شکنتلا و نل دمنتی بالغ بر صد هزار بیت میباشد که قسمتی از آنها بفارسی ترجمه شده است . مهابهارتا دارای هجده باب است و موضوع آن جنگ میان دو خاندان کورو و پاندو است .

اثر دیگر ویداس هری و مشا Hari Vamsha است که هرینس یا اچارج پوراناهم گفته میشود شامل زندگینامه شری کرشنا است که در زمان اکبرشاه وسیله مولانا شیری یا بنوخته نویسنده خلاصه التواریخ مولانا تبریزی) از زبان سنسکریت بفارسی برگردانده شده هری و مشا شجره‌نامه پادشاهان ویزرگان هند باستان را دربر دارد .

۳ - رامایانا یا راماین کتاب مذهبی هندوهاست که دارای ۲۵ هزار اشلوک (هاشلوک ۶۵ حرف) است بدستور اکبرشاه این کتاب کهن را عبدالقادر بدایوانی بفارسی ترجمه کرد . علاوه بر او در حدود بیست نفر دیگر هم رامایانا را بفارسی برگردانیده‌اند.

این حدود است .

ادیات وداها از ریگوداها ، یاجورودا و ساماودا تشکیل میشود که ودانت برگزیده آنها در یک دفتر گرد آمده و اوپانیشادها تفسیرهای آنهاست برخی از سرورهای ودا در دست نیست و برخی از آنها بشکل دیگری در آمده است .

تحقیق درباره ادیات اوستائی مربوط بزمان زرتشت است و ما میدانیم طبق آخرین حسابها زرتشت نیز در قرن هجدهم پیش از میلاد یا هزاره دوم پیش از میلاد زاده شده .

مهابهارتا و رامایانا و پورانها و ویدانت از کتابهای مقدس هندوها است .

در ریگودا که کهنترین وداهاست خدایان به کثرت در آسمان و زمین دیده میشوند .

این خدایان بچند گروه تقسیم میشوند: خدایان آسمان خدایان فضا (جو) خدایان زمین - خدایان بزرگتر - خدایان کوچکتر - خدایان دسته جمعی . ورونا خدای خدایان است و ورونا و ایندرا مهمترین خدایان بوده و آگنی نیز از خدایان بزرگ می باشد .

در ریگودا بذات واحدباری بندرت بر میخوریم با اینهمه عقیده هندیان درباره خدا آنست که او ازلی وابدی است آغاز و انجامی ندارد و در کار خود توانا و حکیم و حی و ممحی و متقی و مدبر است و در ملکوت اعلی فرد و یگانه بوده و چیزی باو همانند نیست^۱ در این کتاب از خدایانی مانند ورونا، ایندرا، آگنی و گاروت مت^۲، اندرا^۳، رودرا، میترا، مروت، سورج (خورشید)، شودیوها ،

۱ - تحقیق مالهند ابوریحان بیرونی ترجمه آقای داناسرشت .

2 - Garutmat

3 - Indra

توشتی^۴، اشوین^۵ها، باوایز^۶، سرسوتی^۱، بهرتی^۲، برهسپت^۳ پوشان^۴، سویتری^۵، پرجاپت^۶، بهگ^۷، وجات ویداس^۸ و غیره نام برده شده که برخی از آنها مهمتر و برخی کوچکتر، برخی مرد و برخی زن هستند بطور کلی در آئین هند و خدایان نیکی بر بدی پیروزی می یابند.

خدایان دوره ودائی را سه دسته تقسیم میکنند که ایندرا و آگنی و سورج در راس هر دسته قرار دارند. گاهی ایندرا و آگنی را در رأس قرار میدهند.

بطور کلی آگنی را خدای زمین ایندرا خدای فضا و سورج را خدای آسمان میدانند و آن سه خدا هم شأن و برابرند.

آگنی نماینده عنصر آتش است و سه جنبه دارد، زوال ناپذیر است و توانا و بخشنده است. اندرا خداوند رعد و برق و روابط جنسی است باران را او فرستد و با ابرها نبرد میکند در ریگ ودا بیشتر از آگنی و اندرا سخن رفته است.

این نکته شایان توجه است که در اوستا صدویک نام برای اهورامزدا می آورد که برخی از آن نامها با نام خدایان هندی قابل تطبیق است مانند اهورامزدا با آسورا یا میثرا با میترا و وارونا و غیره.

کیش هندو

کیش هندو با فرهنگ هند آمیخته است و سایر ادیان و عقایدی که در هند هست در این کیش اثر گذاشته و بیشتر هندوان به بیدها کتابهای مقدس ودا عقیده دارند و گرچه در کیش هندو خدایان به کثرت است اما یک هندو میتواند به خدای یگانه یا چند خدا عقیده داشته باشد یا به خدایی عقیده نداشته باشد

۱ - Sarasvati زن برهما الهه دانش و موسیقی است و کتابی در دست دارد.

2 - Bharati 3 - Barhuspat 4 - Pushan 5 - Savitri

6 - Parjapat 7 - Bhaga 8 - Jatvidas.

کیش هندو باندازه‌ای پیچیده است که گاه درك آن برای هندوان هم خالی از اشکال نیست .

گاه در کیش هندو تضادهایی نیز دیده می‌شود مثلاً با آنکه بی‌آزاری و اصل عدم تشدد از اصول اخلاقی و دین هندوان است و جنگ و کشتار در آئین آنان منع شده دیده می‌شود که برای پرستشگاه هندو «مندر» قربانی‌های بسیاری می‌کنند کیش هندو از يك عقیده همه خدائی و وحدت وجودی برخوردار است بسا اینهمه از معتقدات وادیان واقوام مختلف نیز متأثر است .

نظام طبقاتی - امروز نظام طبقاتی جزو کیش و قوانین هندوان گشته بطوریکه اگر امروز کسی عقیده به يك خدا یا چندخدای هندو نداشته باشد آنقدر مهم نیست که رعایت نظام طبقاتی را ننماید. جامعه هندو بچهار طبقه تقسیم می‌شود این چهار طبقه باین شرح است :

۱ - برهمنان ، پیشوایان دین و روحانیان .

۲ - کشتریا^۱ فرمانروایان و سپاهیان که برهمنان مانند وزیران این طبقه هستند .

۳ - ویشا^۲ بازرگانان و پیشه‌وران و کشاورزان .

۴ - شودرا^۳ عامه مردم و خدمتگزاران .

طبقه دیگری زیر این چهار طبقه است که آنها را نجس‌ها گویند و امکان ترقی و تغییر طبقه برای آنها نیست. این طبقه از بسیاری از حقوق اجتماعی محرومند و جز کارهای پست و سنگین بکارهای دیگر دست نمی‌زنند .

در اوستا نیز از سه یا چهار طبقه نام برده می‌شود و این امر می‌رساند که از دیرباز نظام طبقاتی یکی از پایه‌های اجتماعات آریائی بوده است چهار طبقه قدیم ایرانی :

۱ - کشتریا چهتریاکهتر Kshatriyas بمعنی فرمانروا یا سپاهی

2 - Valsyas 3 - Sudras

۱ - مؤبدان (کاتوزیان) .

۲ - سپاهیان (نيساريان) .

۳ - دیران و دهقانان (نجیبزادگان) .

۴ - کشاورزان و پیشه‌وران .

بوده‌اند که در اوستا و شاهنامه^۱ آمده و طبری و ثعالبی و ابن‌اثیر نیز بدانها اشاره کرده‌اند. در کتابهای پهلوی اتورنان ، اره‌تیشتران و استریوشان و هوتخشان آمده است .

گذشته از هندوان اقوام و قبایل و ادیان دیگر که بهند آمده‌اند نیز کم‌وبیش به این نظام صنفی و طبقاتی عقیده پیدا کرده‌اند حتی مسلمانان .

عقیده به نظام طبقاتی در هند بسیار پیچیده و کهن است و اهمیت این طبقه‌بندی مافوق نظام اجتماعی و صنفی است .

تاریخ پیدایش طبقات در هند روشن نیست گروهی از مورخان شالده نظام طبقاتی هند را مربوط به زمانی میدانند که اقوام هند و ایرانی از یکدیگر جدا نشده بودند و هنوز آریائیها در فلات ایران بودند که دارای چنین عقایدی گشتند زیرا اساس عقیده به چهار پیشه^۲ در ایران کهن و چهار ورن^۳ یا چهار رنگ در کیش هند و از يك ریشه است .

گود (شاخه‌هایی) در هند به دسته‌هایی تقسیم میشود یا شاخه‌هایی پیدا کرده‌است چنانکه اکنون تا ۱۸۰۰ شعبه جزء طبقه براهمن است و طبقه‌های دیگر نیز هریک چندین هزار شعبه دارد .

بعقیده هندوان برهمنان از سر برهما (خدای آفریننده کائنات) آفریده شده و این امر نشانه قدرت فکری آنهاست طبقه کشتیرا از بازوان برهما پیدا

۱ - در شاهنامه فردوسی آمده است که جمشید نخستین پادشاهی بود که مردم

را به چهار طبقه تقسیم نمود و حدود وظایف هریک را تعیین کرد .

۲ - پیشترا Pishtra ۳ - Varna

شده و همپایه طبقه برهمن است طبقه بازرگانان و پیشه‌وران و طبقه کشاورزان از دست و پای برهما پدید آمده‌اند که توانا هستند .

طبقه براهمن در هند احترام و موقعیتی ممتاز دارند و بنا بر سنن و شعائر مذهبی تنها آنها هستند که کتابهای مقدس را درك میکنند و میتوانند توجه و لطف خداوند را بمردم جلب نمایند .

هر برهمن روحانی نیست اما هر روحانی باید از برهمنان باشد يك هندو از هر طبقه بایك طبقه پائین‌تر از خویش حشر و نشر نمیکند .

خارج از این طبقات طبقه نجس‌ها هستند که از بیشتر حقوق اجتماعی محرومند اما اگرچه امروز قانون اساسی هند را ابتکا^۸ یکی از طبقه نجس‌ها که تحصیلاتی عالی داشته نوشته و مجسمه او در شهر بمبئی برپاست نجس‌ها از حقوق متساوی عملاً برخوردار نیستند و بهمین جهت آنکه قانون اساسی هند را نوشت دريك روز بانطقى سیزده ملیون و نیم افراد نجس را بدین نثوبودائی درآورد و گفت مذهبی که ما را نپذیرد ما از آن خواهیم برید .

اما بنا بعقیده کیش هند و هر برهمنی باید چهار مرحله را بگذراند که شرح هريك از حوصله درس ما بیرون است علاوه بر آن هر برهمنی برای دانستن و فهم کتاب های بیدها باید علوم ودانگ^۹ بداند این علم شش است از این قرار :

- ۱ - علوم تجوید برای درست خواندن کتابهای دینی .
- ۲ - علم عروض و اوزان برای آهنگین خواندن سرودهای دینی .
- ۳ - دستور زبان برای درست خواندن نوشته‌های دینی .
- ۴ - شرح و تفسیر لغات مشکل بیدها .
- ۵ - علم ستاره شناسی و تقویم برای شناسائی زمان اجرای تکالیف دینی .

۶ - علم رسوم و آداب بیدها .

درباره کیش هندوان میتوان گفت هر هندو میتواند در میان خدایان بی شمار یکی را بردیگری برتری دهد. هندوان حیوانات و جانوران رانمی کشند و بویژه گاو را تقدیس میکنند و اگر از گرسنگی بمیرند گاو و گوشت حیوانات را نمی خورند ازینرو یک سوم حیوایات اهلی جهان درهند است . برخی مذهب های هندو مانند جین از خوردن چغندر و پیاز و سیب زمینی که زیر خاک است و آنها که رنگ قرمز دارد نیز پرهیز میکنند و حشرات رانمی کشند درعین حال کیش هند و کیشی است فلسفی و منطقی که دارای فلسفه عمیق است اما از نظر عوام کیشی است پراز خرافه و موهوم پرستی .

بااینهمه هندیان عقیده دارند خداوند یکتا فنا ناپذیر بوده و او را آغاز و انجامی نیست و خداوند دانا و توانا و شنوا و بیناست و متره و مبرا از گناه و عیب و نقص است و کسی همانند او نیست . در معابد هند و مجسمه های بسیار از خدایان که بشکل انسانها درآمده اند و حیواناتی چون فیل و میمون و غیره دیده میشود .

درهند ۱۴۰ میلیون گاو سرگردان وجود دارد و با کمی آب گاه میمونها که بطور آزاد زندگی میکنند شیرهای آب را باز میکنند و باز میگذارند و کسی آنها را آزار نمیرساند . روشنی یافتن و اظهار عقاید دیگر مطلبی نگفت و از آن پس بانطباق عقاید خویش درعمل پرداخت .

ظهور آئین بودا

ظهور آئین بودا ۱ وسیله گوتاما ساساکیامونی یا شاهزاده سیدارتا

۱ - بودا Boudha یا بنوشته شهرستانی درملل والنحل بده بزبانهای ایرانی یعنی روشنی یافته و بیدار شده و هر کس که بمقام فنای نفس رسد او را بودا گویند در کتابهای شرقی بود اسب و یوزاسف نیز آمده .

خردمندی که فلسفه عمیق و نوینی آورد در سده پنجم پیش از میلاد تأثیر عمیقی در حیات فلسفی و مذهبی و اجتماعی و سیاسی هند بخشید .

بودا شاهزاده‌ای از خاندان سکاها بود که در شمال هند در دامنه‌های هیمالیا فرمانروایی داشتند . نیاکان بودا از شاکیاهای کاپیلاواستو بودند بودا در بیست و نه سالگی بزرنگانی پشت پا زد و پنج سال در عزلت و انزوا بسر برد و در جنگل و کوهستانها باندیشه و تفکر پرداخت تاشبی روشنی یافت و از آن پس تا چهل سال براهنمایی پرداخت و در شمال شرق هند سفر کرده و براهنمایی مردم همت گماشت . بودا هشتاد سال زندگانی کرد

گرچه کیش هندو در آن زمان بیش از هزار سال در هندوستان ریشه و پیشینه داشت ظهور آئین بودا تأثیر عمیقی در کیش هندو بخشید . رقابت میان کیش هندو و آئین بودا پس از پادشاهی هارشا^۱ بقوت رسید با آنکه این فرمانروا خود بودایی بود ولی دلبستگی بسیار به دین و دائی داشت در زمان او شخصی بنام بانا^۲ بود که داستان قهرمانی او را در زندگینامه هاریشچاریتا بنظم آورده که از ادبیات برجسته و کهن هند است . و گرچه آئین بودائی نتوانست با کیش هندو رقابت کند و کیش هند و بر آن تفوق یافت ولی از نفوذ عمیق آن بی بهره نماند چنانکه بسیاری ازخدایان هندو از مقام خود پائین آمدند و برخی خدایان تازه پیدا شد که معتقدان بسیار یافتند پس از این آمیختگی مهمترین خدایان هندو سه است :

۱ - برهما آفریدگار جهان .

۲ - ویشنو نگهبان و نگهدارنده جهان .

۳ - شیوا خداوند نابود کننده و خراب کننده .

ازینرو مجسمه های سه چهره در بیشتر پرستشگاههای هند مظهر این سه است .

باید گفت در سراسر هندوستان تنها دو معبد برهما وجود دارد و بیشتر معابد مخصوص ویشنو (بشن) و شیواست.

این خدایان مانند آدمیان دارای زن و فرزند هستند و گاه همسر آنها بصورت الهه‌ای پرستش میشود.

همسر برهما زنی است بنام سرسوتی^۱ که الهه دانش و موسیقی است و پدید آورنده خط شکل او را همچون زن زیبایی که کتابی در دست دارد و آلات موسیقی در کنار او ریخته است و پیرامش گل‌های سوسن آبی رنگ و مرغابی است تجسم میدهند.

اما همسر و یشنولکشمی الهه زیبایی و خوشبختی و ثروت است و او را همچون زنی با چهره زرین جواهرات و تزئین بسیار نشسته بر روی گل نشان میدهند.

زن شیوا نامهای مختلف دارد او الهه خرابی و خون آشام است که با قربانی بزم پرستش او را بجا می‌آورند یکی از نامهای او دورگاست^۲ که دارای چهار یا شش دست است و در هر دستی حربه‌ای داشته و بر شیر یا ببری سوار است و دیوی زیر پای او جا دارد. شکل‌های مختلف از او نیز می‌سازند.

برخی خدایان دیگر هندو هست که آنها مانند رام و گرشن پادشاهانی نیکوکار بوده‌اند و رفته رفته بصورت خدایان درآمده‌اند.

در آئین بودا رنج بصورتی فلسفی و زیبا توصیف شده. بودا با قربانی برای پرستشگاهها مخالف بود امروز آئین بودا در هند چندان پیروانی ندارد اما در شمال هند در نپال و بتان و تبت و هند و چین و برمه و در چین و ژاپن و کشورهای دیگر از آسیا و اروپا پیروان بسیار دارد.

امروز در هندوستان از آئین بودائی آمیخته با هند و آثار گرانبهائی

برجا مانده که در غارها و پرستشگاهها دیده میشود. آثار عظیم غارهای اجنتا^۱ الورا^۲ والفاتا^۳ که بدست برهمنان و هندوها در کوهها کنده شده نشانه هنر و صنعت در قرنهای پنجم و ششم و هفتم میلادی است که همه جا خدایان هندو مانند ویشنو و شیوا و کریشنا در غارها از سنگ کنده شده و گاه مظهر لنگاکه اوهم نماینده آفرینش است حجاری شده است. در آغاز این غارها به ظاهر عزلتگاه راهبان بودایی بوده تاریخ احداث آنها بدرستی معلوم نیست و حتی سالیان دراز در آن صخره ها سنگتراشی شده است و در دل کوههای سنگی پرستشگاهها و تالارهای بزرگ برای پرستش خدایان در آورده اند. در سنگتراشیها زندگانی آدمی را از ولادت تا دوران زندگی می نمایند در غار شماره يك آجانتا مجلس پولکسنى دویم^۴ مهاراجه دکن را نشان میدهد که سفیر ایران را با همراهان می پذیرد این سفیر از جانب خسرو پرویز ساسانی در سال ۶۲۵ میلادی بهند فرستاده شده بود. در مجلس دیگری همان سفیر و همراهان در بزم شاهانه نشسته اند که پوشاك آنها و جنگ افزار و وسایل آنها همه ایرانی است.

در غارهای الورا نزدیک خلد آباد دکن والفاتا در جزیره مهارا پوری نزدیک بمبئی مجسمه های سنگی ویشنو و شیوا و لنگا دیده میشود این غارها از آثار مهم دیدنی جهان است و نماینده اعتقاد دینی کسانی است که در دل کوه این صخره های عظیم را کنده و با ظرافت حجاری کرده اند.

در غارهایی که نزدیک بمبئی در دل کوه کنده شده بنام کارلا^۵ آثار هنری ایرانی دیده میشود. میتوان گفت دین هشتاد درصد مردم هند برهمنائی یا هندو است و پس از آن در هند شصت میلیون مسلمان هستند بیش از پاکستان و بعد

۱ - غار Ajanta در شصت میلی شهر اورنگ آباد دکن در دره مصفائی است.

۲ - Ellora نزدیک خلد آباد دکن.

۳ - Eléphantا در جزیره ای بنام مهارا پوری نزدیک بمبئی در اقیانوس

هند است. ۴ - Pulakesi ۵ - Karla.

سیکها هستند که آئین آنها تجدید نظری در کیش برهمنائی است و میتوان گفت دین آنها فلسفه‌ای ندارد و از دیانت اسلام نیز متأثرست. پیشوای آنها گرونانک است گرونانک در سال ۱۴۶۹ میلادی در نانکانا بجهان آمد و او را هندوان و مسلمانان و فارسی زبانان دوست میداشتند بفارسی هم شعر سروده است جانشینان او وه گرو بودند یعنی آموزگار کتاب آنها بعدها بنام «گرو گرنته» نامیده شد جهانگیر با او در افتاد و بازار پیروان او پرداخت ازین زمان با مسلمانان سر ناسازگاری گذاشتند و بهنگام استقلال هند بر علیه مسلمانان کارهای انتقام جویانه کردند سیکها در اواخر سده هجدهم حکومتی در هند تشکیل دادند که زبان رسمی آنان فارسی بود. پیروان آنرا پسانترسیک^۱ نامند و پرستشگاه سیکها را گرو دوارا یا گرو دواره گویند.

سیکها از مردم دیگر هند فعال تر هستند و با مسلمانان دشمنی دیرین دارند پس از آن پیروان مذهب جین هستند که پیرو مها ویرجییا هستند کیش جین مانند آئین بودائی از پانصد تا صد سال پیش از میلاد در هند پدید آمده و دوره پیدایش این دو آئین را عصر فلسفی گویند و ایندو آئین در کیش هندو هر دو اثر گذاشته است. کیش جین میان کیش هندو و بودائی است. پیروان کیش جین از کشتن گوشت و خوردن جانوران پرهیز دارند حتی حشرات را نمی کشند بزرگان مذهبی آنها لخت مادرزاد هستند و مرکز آنها در گجرات، کاتیاوار و سوداشترا بیشتر است. پس از این پیروان دین عیسی مسیح هستند که از دوران نفوذ پرتغالیها و انگلیسیها در هند پیدا شده پس از کیش ها و آئین های گفته شده میتوان پیروان دین زرتشت را نام برد که بیشتر آنها از پارسیان هستند که بیشتر از زمان ساسانیان به بعد به هند رفته اند و در شهرهای هند چندین آدریان دارند و مرکز آنها شهر نوساری و بمبئی و پونه و در شهرهای دیگر پراکنده هستند، شیواجی یکی از

۱ - سکه بمعنی شاگرد است.

سرداران اورنگ زیب بودند که پدرش سردار قطب شاهیان بود او با اورنگ زیب جنگید و استان بمبئی را از قلمرو او منتزع کرد نیاکان او از شاهزادگان ساسانی بودند که از چنگ شیرویه پسر خسرو پرویز گریخته و به هند رفتند پارتیان در شهرهای هند در تأسیس دانشگاه و دادگستری و کتابخانه‌ها و کارخانه‌ها و صنایع و غیره کمک بسیار کرده‌اند گذشته از دین زرتشتی در هند مذاهب بودائی و بودائی نو و قبیله‌ای و یهود و حتی ارمنی و فرقه‌های مختلف بسیار هستند که بیان همه آنها به تفصیل می‌کشد.

با اینهمه باید گفت مذاهب در هند بدو دسته تقسیم می‌شوند یکی خدائی^۱ که عقیده بوجود خدا دارند و دیگری بی‌خدائی^۲ که گذشته از عقاید مذهبی بسیاری از مشرب‌های فلسفی در میان این مذاهب دیده می‌شود که نمی‌خواهیم وارد آن مباحث شویم.



هند باستان

اقوام و فاتحانی که در گذشته سرزمین هند و پاکستان رو آورده‌اند

پیش از این گفته شد قدیمترین ساکنان هند دراوها بوده‌اند . تا چندی پیش گمان میرفت آنها از نژاد سیاه و غیر آریائی و فاقد تمدن بوده‌اند اما پژوهشهای تازه در زمینه تمدن و فرهنگ و نژاد و زبان شناسی نشان میدهد که آنها نیز از راه فلات ایران و کناره‌های خلیج فارس و دریای پارس یا مکران روزگاری پیش که آن زمان هنوز معلوم نیست سرزمین پاکستان و هند رو آورده‌اند. گذشته تاریخی بما نشان میدهد که پیوسته مانند جریان آب که از فراز بسوی نشیب می‌گراید جریان اندیشه و افکار و جریانهای تاریخی همیشه از جانب فلات ایران بسوی شبه قاره هند جریان داشته است . چنانکه گذشته از دراوها و آریائیها و نژادی از مردم قفقاز و مدیترانه‌ای که بدانها کشور قافی نیز میگویند سکاه ، جاتها ، سطها همه از فلات ایران سوی هند رفته‌اند و شاید گروهی از نژاد زرد یا مغولها نیز از شمال یا از راه فلات بآن سرزمین رو آورده باشند .

از وقتی که کیش و داهها و برهمنائی در هند راه یافت هندوها از کناره دو رود گنگا و جمنا دور نشده‌اند زیرا مطابق قانون مانو^۱ که قدیمترین قوانین

Manu ۱

هندوست و عقاید دینی هندوها مسافرت از سرزمین هند بخارج منع شده است و جنگ در کیش و آئین هندو حرام است علاوه بر این بعلت فراوانی نعمت در آن سرزمین مردم آن دیار نیازی بکوچ کردن بجاهای دیگر را نداشتند از این رو بیشتر فاتحان به سوی فلات هند رو آورده اند . هخامنشیان ، اشکانیان ، غزنویان ، بابریان ، غوریان ، تیمور ، افشار همه از سوی فلات ایران به هند رفته اند و هر يك مدت زمانی بر پاکستان غربی و بخشی از هند فرمانروایی داشته اند .

سلطان شهاب الدین محمد بن سام غوری در سده ششم هجری (دوازدهم میلادی) به هند رفت و پس از سلطان محمود غزنوی تیمور در آغاز سده نهم هجری (پانزدهم میلادی) به هند تاخت . باید گفت پس از مسلمانان که از راه دریا به هند رفتند در سال ۱۴۹۸ میلادی واسکودو گاما^۱ پرتغالی با عده ای به بندر کلی کوت^۲ وارد شدند از آن پس نخستین بار بازرگانان انگلیسی در سورت - گجرات پایگاهی یافتند و بر پرتغالیها پیروز شدند. پرتغالیها، هلندیها، فرانسویها، انگلیسیها نیز از راه دریا به هند راه یافتند .

سرزمین آریائیها :

درباره سرزمین اولیه آریائیها که از آنجا به هند رو آورده اند میان مورخان اختلاف است برخی این سرزمین را کناره های رود دانوب و مجارستان و کناره های دریای سیاه دانسته اند .

دکتر اشپیگل در دیباچه اوستا^۳ گوید سرزمین نخستین نژاد هند و ایران را در منتهای شرقی ایران در بخشی باید جست که از آنجا دو رود آمودریا و سیر دریا سرچشمه میگیرد برخی عقیده دارند شاخه ایرانی و هندی در اروپا جدا شده اند و شاخه هندی از گذرگاه قفقاز و ایران به هند رسیده اند اما

۱ - Vasco de Gama ۲ - Calicut

۳ - اوستا دفتر دوم صفحه ۱۰۶ .

لوکمانیاتیلک^۱ نخستین مهد آریائیها را سرزمین قطب شمال دانسته است و عقیده دارد آریائیها از آنجا رو به ایران و هند آورده اند .

در اوستا و بیدها آمده است که نخستین ساکنان فلات ایران مردم آریائی بوده اند که بسرزمین خود ایران ویج میگفتند و این مردم در کناره دریاچه خوارزم (اورال) و سرزمینهای خارجی دریای مازندران یا خاوران بدامداری و کشاورزی اشتغال داشته اند و از آن حدود بجنوب سرازیر گشته و از راه خراسان و سیستان و بلوچستان بسرزمین هند کوچ کرده اند. این مردم که با طبیعت سروکار داشته اند عوامل طبیعت را چون آفتاب و آسمان و آب و آتش و باران و رعد و برق ستایش میکردند چنانکه سرودهای گاهانی وریگ- ودا نشان دهنده آن است. درودها و اپانیشادها و پورانها اشاره هایی بسرزمین های آریاها دیده میشود. پس از آمدن آریائیها در هند اندیشه های فلسفی در دوره اپانیشادها پدید آمد و افکار فلسفی براساس معتقدات بودائی و جین و مهری و مانوی و اسلامی با عقاید برهمنائی و هندو آمیخته شد.

از مطالعه کتابهای هندی چنین برمی آید گویا بودا در کاپیلا و ستو (در شمال هند) متولد گردیده و در شهر «گیا»^۲ زیر درختی بکشف رموز زندگی توفیق یافته وی اول در بنارس به تبلیغ دین خویش پرداخته است و پس از تقریباً سه قرن آشوکا پادشاه هندوستان دین بودائی را پذیرفت و در تبلیغ آن کوشید و سپس آئین بودائی در نواحی مختلف گسترش یافت .

اما میتوان گفت آئین بودائی نیز از کناره شرقی فلات از ناحیه قندهار به هند راه یافته است.

تمدن در سند

پیش از ورود آریاها به کرانه های سند ناگهان^۳ بر بخش شمالی این

Nagas_۳

Gaya_۲

Lokmanya Tilak_۱

سرزمین فرمانروائی داشتند .

برخی از تاریخ نگاران عقیده دارند نام هنداز رود سند گرفته شده که بسنسکریت سیند و گفته می شده است ، مامیدانیم که نام قدیم رود سند رود مهران^۱ بوده است و تا پیش از استقلال پاکستان سرزمین سند نیز جزو بلوچستان^۲ بوده است و مرکز بلوچستان کوئته بوده که اکنون در پاکستان است و امروز در پاکستان غربی است و با کشمیر هم مرز است ؟ آثاری که چند سال است در دره مهران پیدا شده بنام تمدن سند^۳ کهن ترین تمدن سرزمین هند شناخته شده است .

کاوشهای باستانشناس انگلیسی سر جان مارشال^۴ در سند و پنجاب و در تاکسیلا و کاوشهای دکتر اسپونر در پاتالی پوترا پرده از روی گذشته تاریخی هند برداشت .

آثار باستانی که در کوت دیجی^۵ موهنجودارو^۶ و هاراپا^۷ و آنچه

۱ - در کتابهای جغرافیای قدیم رود مهران را در بخش بلوچستان ذکر کرده اند ابن خرداد به در الممالك و الممالك چاپ بریل سال ۱۸۸۹ صفحه ۱۷۳ و تقویم البلدان ابی الفداء دیده شود.

۲ - در نقشه های قدیم گذشته بلوچستان ایران و بلوچستان انگلیس دیده می شود.

۳ - Indus Valley - ۴ - Sir John Marshall

۵ - Kot - Diji در کرانه شرقی رود مهران روبروی موهنجودارو در ۱۵ کیلومتری جنوب شهر خیرپور در نوامبر ۱۹۵۵ خاك برداری آغاز شد مجسمه های گلی و سنگی نیز در آن قلعه پیدا شد .

۶ - موئن جودارو Mohenjo - Daro یعنی شهر مردگان چون در آنجا گورهای بسیاری یافتند در کناره غربی رود مهران در بلوچستان است و نخستین بار سر مور تیمارویار در سال ۱۹۲۲ میلادی در موهنجودارو کاوش کرد .

۷ - Harappa در پنجاب پاکستان غربی است .

در پنجاب و سوداشترا پیدا شده از تمدنی کهن حکایت میکند این تمدن را تمدن وادی هند نیز گفته اند. در این محل بیش از چهل شهر و قصبه و دهکده از زیر خاک پیدا شده که زندگانی شهرنشینی پیشرفته و تمدنی مرقی داشته اند. سنگ نبشته‌هایی که در موهنجودارو پیدا شده هنوز همه خوانده نشده است.

در سرزمین هند تمدنی کهن‌تر از این تمدن پیدا نشده و باید گفت این تمدن شباهت بسیار به تمدنهای آریائی فلات داشته و رابطه‌های نزدیک میان آنها پیدا کرده اند.

صنعت کوزه‌گری و سفال سازی در کت دیجی با آنکه قدیم‌تر بوده تکامل یافته اند که شباهتی با آثار موهنجودارو و هاراپا دارد و بیشتر به آثار پیدا شده در فلات ایران شباهت دارد سفال کت دیجی با چرخ ساخته می‌شده و لعاب خوب دارد.

با کاشتهایی که وسیله سرارل اشتاین و کارلووسکی^۱ شده لوحه‌های گلی و سفالهای زردی یافته اند که با آنچه در سیلک کاشان و شوش یافت شده است شباهت و رابطه دارد و نشانه‌هایی از خط روی این لوحه‌ها دیده میشود گاوهای سفالی با دوشاخ و مهر و لولهایی که نقش آتشدان و حیوانات روی آنهاست شباهت با آثار سیلک و شوش دارد و گمان رفته است شاید مهر و لول‌ها تقلیدی از مهر و لولهایی باشد که از شوش از راه دریا با آنجا راه یافته باشد.

در بهبهان سفالهایی همانند شوش از هزاره پنجم و ششم پیش از میلاد پیدا شده که آثار موهنجودارو و دره پنجاب با آنها شباهت دارد و رابطه این تمدنها را می‌رساند.

سفالهای سرخ که در دره مهران پیدا شده نشان دهنده رابطه تمدن این سرزمین با تمدن طبرستان در کناره‌های دریای مازندران است و همچنین

تمدن شهر سوخته زابل و تپه یحیی در کرمان و تمدن دشت لوت و آنچه بنام سومر^۱ و شوش در خوزستان نامیده میشود نشان دهنده این رابطه دیرین است. بااینهمه برخی از باستان شناسان گفته‌اند این آثار آریائی نیست و نظرهای دیگری نیز ابراز شده است که بیان آن موردی ندارد.

آثار دیگری از تمدن هند و آریائی در میسور و راجستان هند یافت شده که گویند از هزاره چهارم پیش از میلاد است ولی نتیجه این کاوشها هنوز منتشر نشده است.

دیگر تمدنهای هند :

سرزمین هند از لحاظ نژادها و زبانها و دینهای گوناگون قابل مطالعه است بلکه از نظر نفوذ تمدنهای مختلف نیز شایان دقت است.

آثار برهمنائی و بودائی و تمدن اسلامی در هند بسیار است که همه از تمدنهای گفته شده متأخر است. کهن ترین آثاری که از نوع تمدنهای گفته شده در سرزمین هند یافت شده است. ستونها و سنگ نبشته‌هاییست از زمان آشوکا پادشاه بزرگ هند از ۲۵۰ سال پیش از میلاد که بزبان پالی و زبان خروشتی^۲ و خط دیوناگری نوشته شده است. شباهت بسیار میان این سنگ نبشته‌ها با سنگ نبشته‌های پادشاهان هخامنشی دیده میشود که غالب مورخان نوشته‌اند آشوکا از آنها پیروی کرده است.

بستگی تمدن و فرهنگ ایران و هند :

مورخان نوشته‌اند که کوروش کبیر در کنار رود مهران شهر بزرگی با

- - بعقیده Wolley شباهت تمدن موهنجودارو و سومر بسیار است.

۲ - Kharoshti از زبانهای کهن ایرانی که آنرا هندیان از ایرانیان پیش از میلاد گرفته و در آن تغییراتی داده‌اند.

برج و باروی استوار بناکرد و گروهی از مردم را در آن مسکن داد تا نگهبان مرزهای خاوری ایران زمین باشند .

داریوش بزرگ در سال ۵۱۸ پیش از میلاد بهند رفت اما سایکس نوشته است که داریوش در ۵۱۲ از رود سندگذشت و بخشی از پنجاب را بشاهنشاهی ایران افزود. اهمیت ورود ایرانیان برای هند باندازه‌ای بود که آنرا مانند بعثت بودا مبداء تاریخ قرار دادند^۱ شاهنشاه در سده پنجم پیش از میلاد فرمان اکتشاف در رود مهران را صادر کرد تا ببیند آن رود بکدام دریا می‌پیوندد قرائن بسیار در تاکسیلا^۲، پیشاور^۳ لاهور، ملتان و غیره از دوران حکومت هخامنشی دیده شده. شهر تاکسیلا خود مرکز بزرگ یک استان هخامنشی بوده. نوشته‌اند پادشاهان خاندان موریای (گپتا) پیروی از شاهنشاهان هخامنشی در زادروز خود سرخویش را برسم شاهی می‌شستند و در تالار صد ستون جشن برپا میکردند و بمران و بزرگان کشور خلعت میدادند^۴.

در کاوشهائی که در بلمبت پاکستان شده است آثار هخامنشی پیدا شده است وینسنت اسمیت در تاریخ هند مینویسد امپراتوران کوپته بسیاری از رسوم

۱ - تاریخ ایران دفتر ۱ صفحه ۱۶۹ چاپ ۱۹۲۱.

۲ - Taxila تاکشنه چیلو در ادبیات سنسکریت تاکشاسیلا Takshasila

از مراکز مهم علمی و ادبی هند باستان تا چند قرن در امتیلائی ایرانیان بوده و بعد تغییر رنگ ایرانی داده است. در تاکسیلا خرابه‌های یک آتشکده کهن پیدا شده . در چهل کیلومتری راولپندی است و معبد جهان دیاله که آتشکده ایست از بناهای مهم در آنجاست .

۳ - نام فارسی میانه آن Puruschapura .

۴ - نقل از روابط فرهنگی هند با ایران ساسانی نوشته دکتر هادی حسن دفتر چهارم صفحه ۴۳ .

و آئین هخامنشیان را پیروی میکردند.^۱

نفوذ ایران نه تنها در رسوم درباری و تشریفات پادشاهی بلکه در همه مظاهر تمدن هند موریائی آشکار است معماری و هنر مردم موریائی نیز تقلیدی از معماری و هنر هخامنشی است برای آنکه در جهان قدیم تمدن ایران يك تمدن محدود منطقه ای نبوده است بلکه يك تمدن جهانی بوده^۲.

دکتر ا. اسپونر کارشناس باستانشناسی هند پس از کاوش در آثار برجا مانده کاخ های خاندان موریا در پاتالی پوترا نزدیک پتنه همانندی بسیار میان آن آثار با کاخ های تخت جمشید یافته و نظرات خویش را در این باره در مجله آسیائی پادشاهی انگلستان بچاپ رساند و ثابت کرد که نفوذ تمدن ایران در پیدایش خاندان موریا و بلکه کیش بودا يك نفوذ عمیق و سازنده بوده.

برخی از خاورشناسان مانند وادل موریایا را از شاکاها یا سکاها دانسته اند و برخی از دانشمندان چون اشیگل عقیده دارند که پیش از آن بآئین زرتشتی یا مغان بوده اند.

در زمان اشکانیان نیز کشمیر و پنجاب و حوزه رود مهران قلمرو اشکانی بود و فرمانروایان بلوچستان و مهران و کاتیاوار که شهرت نام داشتند از پادشاهان ایرانی فرمان میبردند مهرداد یکم تا رود هیداسپ (جیلیم) را در هند گشود در کاتیاوار و گجرات و مالوه آثار اشکانی و ساسانی پیدا شده است گرچه بسیاری از آثار اشکانی و ساسانی در هند از میان رفته است یا آنها را مسکوت میگذارند. در کاوشهای بهنپور نزدیک بندر کراچی سکه های اشکانی و ظرفهایی از آن زمان پیدا شده در نقاط مختلف هند شمالی آثار مهری و گامای آمیخته با بودائی دیده میشود. منانی در سده سوم میلادی از راه پاکستان

۱ - Vincent A. Smith; The Early of India' Oxford 1904 P 129

۲ - پرنسور اسمیت، آشوکا صفحه ۱۴۱.

امروز یا بلوچستان به ثبت وچین رفت او و پیروانش در آن حدود آثاری
برجا گذاشته‌اند و دین مانی را اشاعه دادند . تعدادی سنگ نبشته در جنوب
هندوستان بزبان فارسی میانه پیدا شده که نفوذ زبان و فرهنگ اشکانی و
ساسانی را تاجنوب هند می‌رساند^۱ .

در سنگ نبشته پایکولی در مرز ایران و عراق هر تسفلد خاور شناس آلمانی
استنباط کرده که در تاجگذاری نرسی (۳۵۳-۲۹۳ میلادی) شتر بهای (شهرب) سکائی
کاتیوار شرکت داشته‌اند .

در برخی از سکه‌ها که در هندوستان یافت شده از سده هفتم تا دوازدهم
میلادی پوشاک راجگال هند همانند پوشاک اشکانی و ساسانی است پس از آن
مدتها بخشهای پنجاب و کشمیر و بلوچستان ضمیمه ایران بوده است و رابطه
نزدیک میان ایران و هند از دیرباز برقرار بود .

هیچ دو ملتی مانند ایران و مردم پاک و هند رابطه نزدیک و دیرین
نداشته‌اند . جواهر لال نهرو در کتابی که بعنوان کشف هند^۲ نوشته
می نویسد :

« در میان نژادها و ملت‌های بسیار که با هندوستان رابطه داشته‌اند
و در تمدن و فرهنگ هند نفوذ داشته‌اند قدیمتر و مداوم‌تر از همه ایرانی‌ها
بوده‌اند » .

از روزگاری پیش از زمان کورش بزرگ تا با امروز میتوانیم این رابطه
نزدیک را میان دو ملت به بینیم این رابطه نزدیک میان نژاد دو ملت و میان زبان

۱ - کتاب ا . س . برنل درباره سنگ نبشته‌های بهلوی در جنوب هند که در

سال ۱۸۷۴ میلادی در بنگلور چاپ شده است .

۲ - Discovery of India, London 1946 در صفحه ۱۳۷ .

اوستائی و فارسی باستان باسنسگریت و اردو و میان کیش هندو و دین زرتشتی دیده میشود .

درباره ستونها و سنگ نبشته‌هایی که آشوکا در اکناف هند برپاداشته و روی آن دستورها و وصایائی نگاشته و در کوههای گایا در استان بهارسنگ نبشته‌هایی مانند سنگ نبشته بغستان یا بیستون یافته‌اند. رابطه تمدن هخامنشی با هند بسیارست چنانکه در کناره‌های گنگ درختگاه موری^۱ هنرمندان ایرانی به هندیان هنر می‌آموختند و در شهر پاتلی پوترا^۲ آثار معماری همانند کاخ‌های هخامنشی چون کاخ صد ستون و آپادانا از زیر خاک در آورده‌اند که نشان‌دهنده پیروی معماری و حجاری هند از سبک هخامنشی است که از زمان پادشاهان موری^۳ پیدا شده است . آثار بسیاری از تمدن و فرهنگ و معماری و نقاشی و شعر و ادب و دین و هنر ایرانی با هندی آمیخته است که در گوشه و کنار هند و پاکستان دیده میشود که بچند نمونه کوچک آن اشاره میکنم .

سرستونهای کاخ آشوکا و فرمانهای^۴ او تقلیدی از سرستونهای تخت جمشید است که بشکل گاوزانوزده با این تفاوت که سرستونهای آشوکا شیر و اسب و فیل است ، تحول معماری هند بابکار بردن سنگ به پیروی از معماری هخامنشی از زمان نیای آشوکا آغاز شده است^۵ همچنین فوشر^۶ هنرشناس که در نفوذ فرهنگ و هنر ایران در معماری هند پژوهش کرده عقیده دارد در دوران موریائی گروهی از هنرمندان ایرانی بهند رفته‌اند .

۱ - Mauryans

۲ - Pataliputra در جای شهر کنونی پتنا پایتخت چاندرا گوپتای موری .

۳ - Edicts of Ashoka

۴ - History of Fine art in India and Cylon, by Smith

۵ - Foucher

در کاخ راشترپاتی با هاوان که در کاخ تالار آشوکا هست تصاویر زیبا و جالب ایرانی دیده میشود مانند تصویری از نظامی شاعر نامدار و دختر خانم ایرانی و فتحعلیشاه قاجار و دور و بر تالارهای این کاخ اشعاری به فارسی نوشته است. در نقشهای کاخ مجالس بزم از خمسه نظامی انتخاب شده. کاخهای نظام حیدرآباد در دکن اکنون گردشگاه عمومی گشته و کاخها و باغهای مهاراجه‌ها و راجه‌ها همه بدست دولت افتاده است.

قلعه سرخ قلعه بزرگی است در دهلی که با سنگ سرخ ساخته شده درباره زیبایی و عظمت این قلعه گفته اند :

اگر فردوس در روی زمین است

همین است و همین است و همین است

در این قلعه بود که نادرشاه افشار تاج خویش را بر سر محمدشاه آخرین پادشاه تیموری هند می‌گذارد و تاج محمد شاه را بر سر خود نهاد. در شهر میتورا که زادگاه کریشناست پرستشگاه‌های بسیار با مجسمه‌ها دیده میشود و شهرهای بنارس و هری دوار و الله‌آباد نیز شهرهای مقدس هستند که در آنجا هندوان اعمال دینی بجا می‌آورند.

شهر دهلی روی هفت شهر قدیمی بنا شده و در: مهرولی که بختیار کاکی در آنجا بود، تغلق‌آباد، قلعه کهنه، شاه جهان‌آباد که از آن دیوار و دروازه‌ای مانده و نجف‌گر که آنرا یکی از امرای محمدشاه بنا نمود و اما شهر بمبئی از دهلی بیشتر جمعیت دارد و بمبئی را عروس هند گویند و بیشتر پارسیان در آن بندرگاه هستند در نزدیک شهر بمبئی لوناوالا است. در کار لاغاری بودائی بنا شده که روی لوحه‌ای دولت نوشته این تالار را درغار یک ایرانی هزار سال پیش کنده است.

شهرهای مهم دیگر هند که در آن آثار باستانی بسیار است حیدرآباد
دکن است که آثار ایرانی و اسلامی در آن بسیار است و آگره که در آن آثار
اسلامی تاج محل است و همچنین از نظر تاریخ اسلامی و فرهنگ ایرانی شهرهای
زیر دارای اهمیتند که دارای آثار تاریخی میباشند :

جونپور ، لکهنو (یو. پی) احمدآباد (گجرات) احمدنگر ، بیجاپور ،
گلبرگه (در جنوب هند) بهوال (مدهبودیش) ، لاهور ، ملتان (پاکستان)
داکا (در بنگال شرقی) و غیره ...

تاریخ هند و پاکستان



بطور خلاصه تاریخ هندوستان را میتوان به ادوار زیر تقسیم کرد^۱ :

۱ - دوره پیش از تاریخ که از ظهور آدم تا ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح ادامه داشته و شامل دوران سنگ و فلز می باشد. در بعضی از گورهای کهن برخی از آثار آن دوره پیدا شد و همچنین در بعضی صخره ها و غارها نشانه ای از تمدن بشر اولیه دیده شده است .

۲ - دوره تمدن دره سند (دره مهران)^۲ تا ۲۰۰۰ پیش از میلاد
تمدن بسیار درخشانی در شهرهای کاوش شده بنام کوت دیجی و موهنجودارو و هارپا و غیره کشف گردیده این تمدن مربوط به قومی آریائی و شاید دراوها بوده در زمان تمدن دره سند مردم در شهر سازی، کشاورزی و ساختن وسایل

۱ - قسمتی از این بخش از کتاب تاریخ شناسی یا نقدی بر تاریخ و تاریخ نگاری از مجید یکتائی برگزیده شده است .

۲ - در سده دوم هجری مهران و بلوچستان را بلادالهند نامیده اند .

حمل و نقل ، استعمال طلا و نقره و برنج ، نساجی ، اسلحه سازی ، ظرف سازی ، خط و زبان و غیره به پیشرفت قابل ملاحظه ای نایل آمده بودند این تمدن در میان تمدنهای باستانی دره نیل و میان رودان: دجله و فرات و دره ، کارون اهمیت بسزائی دارد .

آریائی ها در هندوستان تمدن آریائی تشکیل دادند. کتابهایی بسنسکریت^۱ نوشته شد و ادبیات گرانبهایی در آن زمان پدید آمد . حماسه های ملی مانند مهابهاراتا، رامایانا یادگاری از آن زمان است .

اقوام و قبایل مختلفی از خسارچ بسرزمین هندوستان رو آورده و در آنجا سکنی گزیدند. حکومت ها سلطنتهای کوچک و بزرگ تشکیل شد . مذاهب بزرگ بودائی و جینی بوجود آمد و پس از درخشش رو بزوال نهادند.

وروده ساسانان به هندوستان و تأسیس سلطنتهای اسلامی .

حکومت مسلمانان پایان پذیرفت و حکومت انگلستان برقرار شد .

بسط حکومت انگلستان برچیده شد و

۳ - دوره مهاجرت آریائی
و گسترش تمدن آنها « هزاره
دویم تا سده ششم پیش از
میلاد.»

۴ - دوره تاریخ باستان
(سده ششم پیش از میلاد تا
قرن هفتم میلاد)

۵ - دوران قرون وسطی (قرن
هفتم تا قرن هجدهم میلادی)

۶ - دوره حکومت انگلستان
سده نوزدهم تا نیمه قرن بیستم

۷ - دوره استقلال

۱ - زبان سنسکریت یعنی زبان پاکیزه و منقح ادبی و درست و فصیح. زبان
پرکرت زبان عامیانه و در حال تغییر است .

هندوستان بدو کشور مستقل بنام بهارت و
پاکستان تقسیم گردید .

مورخان غربی نوشته اند که در حدود دو هزار سال پیش از زادروز
مسیح که تاریخ آن درست معلوم نیست آریائیهای ودائی از کناره شمال شرقی
فلات ایران از کرانه های ورارود (خوارزم و سغد) رو به جنوب آورده و از
خراسان بزرگ و سیستان گذشته از راه بلوچستان یامکران برای جستن چراگاه
های تازه سرود خوانان رو به هند آورده اند .

من گمان میکنم که این رویداد در حدود سده هجدهم پیش از زادروز
مسیح رخ داده باشد یا علت این کوچ کردن شاید اختلاف دینی با ساکنان
فلات ایران بوده که در همان زمان زرتشت سپیتمان دین خود را آشکار
ساخت و گشتاسب کیانی را بدین مزدیسنی در آورد از این رو باگرویدن
گشتاسب بدین بهی پیروان وداها از کناره شرقی فلات رو به دیار هند
نهادند .

دوران ودائی را در هند بنام سده ریگ ودانامند . ریگ ودا ،
یاجورودا و ساماودا از کتاب های دینی کهن ودائی است که امروز بطور
پراکنده در دست است و از نظر دینی و تفکر هنوز از بهترین اندیشه ها و فلسفه های
نبوغ بشری است .

آریائی های ودائی در شمال هندوستان تا خلیج بنگال پراکنده
شده و در این سرزمین سکنی کردند و چون بیشتر در بخش شمالی هند
اقامت کردند این بخش را آریاورتا یا آریاورته (سرزمین آریائی ها)
نام نهادند .

سرودهای دینی وداها^۱ و مباحث دینی.

۱ - Vedas ودا ابوریحان بیرونی هندشناس قدیم وداها را بیدها خوانده
وید وید بمعنی دانش است .

اپانیشاده‌ها^۱ و پوران‌ها از کهن‌ترین ادبیات دینی جهانست که بیشتر با مبانی علمی و طبیعی نیز تطبیق می‌کند این سرودها یا بهتر بگوئیم حماسه‌ها و رزم‌نامه‌ها همزمان سرودهای گاهانی مزدیستی بوده یا اندکی از آنها جلوتر است^۲.

از سنجش میان سرودهای گاهانی و ویداها نام برخی دشمنان آریایی‌ها و پهلوانان و کسانی در آنها دیده میشود که یکسان است. مشابهات زبان‌شناسی نیز موجب شده که بسیاری از دانشمندان آنها را همزمان بدانند

حماسه دینی مه‌بهاراتا^۳ کهنترین مجموعه شعری جهان است که تنها سرودهای گاهانی زرتشت را همزمان یا کهنتر از آن دانسته‌اند. در این کتاب

۱ - Upanishades (Upanisads) تفسیر چهاروداست که شماره این تفسیرها بگفته‌کسان مختلف متفاوت است پنجاه‌په نیشادرا بفارسی داراشکوه پسر شاه‌جهان از سنسکریت ترجمه کرده که نخستین بار در سال ۱۹۱۲ در جیبور (راجستان - هند) چاپ شد هیوم استاد دانشگاه علوم الهی نیویورک نیز سیزده اوپانیشاد را بانگلیسی ترجمه کرده است هیوم استاد پیشین دانشکده علوم دینی نیویورک بود در سال ۱۹۲۱. بار دوم اوپانیشادهای ترجمه شده بوسیله داراشکوه بکوشش دکتر تاراچند و جلال نائینی زیر عنوان سراکبر در تهران انتشار یافت.

۲ - دکتر گلدنر Dr Geldner میگوید زبان باستانی‌ترین بخش اوستا یا کاتها با کهنترین سرودهای ودای هندوان برابر است نقل از فرهنگ‌نامه بریتانیکا دفتر ششم صفحه ۶۵۳.

۳ - مه‌ا یعنی بزرگ بهاراتا نام هنداست یعنی هند مهتر امداد اینچا بهامهاراتا شخصیت داستانی پیدا کرده و منظور صورت یا مثنوی حماسی داستانی و بزرگترین جنگ میان فرزندان بهارات است. این منظومه از دیرباز تا سده سوم پیش از زاد روز مسیح بوسیله کسان مختلف سروده شده است و مهمترین داستان حماسی جنگ میان دو خانواده کورو و پاندور است.

داستانهای گوناگونی آمده از جمله داستان شکنتلا^۱ و نل دمنی^۲ و سخنان فیلسوفانه سری کرشنا بنام بهگود گیتا^۳ که در زمان پیدایش آن کسی بنام **ویدویاس** متن اصلی آنرا بزبان سنسکریت سروده است. کریشنا پادشاهی بود که بپایه تقدس رسید او خردمندی بود و در کتاب گیتا از چهار هزار سال پیش از جنگ کورو و پاند و حکایت میکند. کریشنا با پاندوها بود و با هر دو دسته رفیق بود کوروها حاضر به صلح نبودند و ارجون اراده جنگ داشت کریشنا میکوشد میان آنها سازش دهد. فلسفه یوگ در گیتا^۴ از کریشناست؛ به موجب این فلسفه با کار و کوشش باید خدا را شناخت. دین کرشنا یک دین هندوست او پانیشادها بعد از آن نوشته شده است.

کریشنا پادشاهی صاحب دل بود کتاب گیتارا او نوشته گیتا از چهار هزار سال پیش درباره جنگ کورو و پاندو بوده.

در کتابهای کهن سنسکریت مهابهاراتا و رامایانا اشاره هایی بایران و ایرانیان شده است.

در **مهابهاراتا** همسر **دهرترا** اشتر بنام **گانداری** دختر پادشاه گندارا (قندهار) بوده در این اثر یودهشتر کاخ بزرگی ساخته که نام سازنده آنرا **مایاداناوا** گفته اند این شخص ماگی^۵ بود یعنی ایرانی.

۱ - Sakuntala شکنتلا یا انگشتر گمشده درام معروف شاعر بزرگ هند باستان کالیداس است.

۲ - Nala Damayanti

۳ - Bhagavad Gita یعنی بهترین نغمه و سرود زیرا گیتا بمعنی سرود یا نغمه است برای شناسائی فلسفه یوگ و یوگا کتاب شناساهائی راه و روش علم و فلسفه از مجید یکتائی دیده شود.

۵ - مغ

در مهابهاراتا نام مردمی آمده که در نواحی شمال غرب هند حکومت داشتند از جمله پهلو و پارسیکا که پارتیهین و پارسی بودند.

در مهابهاراتا آمده که برادر یودهشتر فرمان یافت به جهانگیری پردازد او مردمی را در نواحی غربی و شمالی هند فرمان آورد که در میان آنها پهلوها هم بودند یعنی پارتیهین؛ در مهابهاراتا آمده بهنگام آغاز جنگ بزرگ میان پاندوها و کوروها پادشاه در اوهایودهشتر اصلاح دید از سکاها و پهلوها نیز یاری جوید در رامایانا آمده مادر بهاراتا بنام کیکئی دختر اشوایتی شاه کیکیا بود که در شمال پنجاب هم مرز ایران فرمانروائی داشت.

راماین یا رامایانا اثر والمیک^۱ شامل سخنان منظوم حماسی و دینی و ملی هندوان در حدود چهل هزار بیت است که در آن داستان شیرین زندگانی شاهزادگان راجا « دسرت » پادشاهان شمال هند بنامهای رامچندر و لکشمی و بهرت و سیتا (همسر رامچندر) و جنگ رامچندر با راوانا فرمانروای لنکا (سیلان) گنجانده شده است از این کتاب ترجمه منظوم و ترجمه بسیار شده است و میتوان این کتاب را از نخستین کتابهای تاریخ هند دانست.

نزدیکی بسیار میان کتابهای ودا و اوستا دیده میشود گذشته از آنکه میان سخنان و گفته‌ها و جمله‌بندیها و اوزان شعری نیز میان آنها همانندی و مشابهت بسیارست رسمهای دینی و روایات کهن و داستانها هم شباهت بسیار دارند و در بیشتر کتابها این همانندی پیدا میشود در کتاب کالیداس بنام^۲ رگهو و مسه^۳ آمده است که پادشاه رگهو هنگامیکه به جهانگیری پرداخت بلشکریان سواره پارسیکا حمله برد و پارسی‌های ریشدار را کشت. کالیداس مینویسد:

۱ - کی Kai واژه ایرانی است.

۲ - Valmiki .

۳ - Kalidasa شاعر و نویسنده بزرگ هند .

۴ - Raghu Vamsa

زنان ایرانی زیبا بودند و از مستی شراب چهره‌های گلگون داشتند در بهوشمیه پوران^۱ سخن از هجده تن ماگ^۲ برهن آمده که آنها آتش پرست و پارسی بودند و از ایران به هند رفتند ماگی‌ها درملتان سکنی گزیدند و سپس در هند با دیگر مردم در آمیختند ...

پادشاه هرش و روهن و نیاکان آنها از دودمان ماگ براهمنها و زردشتی بودند. کالیداس در یک نمایشنامه اشاره میکند که پارسیک (ایرانی‌ها) تا جنوب سند مرز فرمانروائی چندرگوپتا حکومت داشتند.

بنابر نوشته ویشاگدتا^۳ نگارنده داستان مدارا را کشاسا^۴ بسنسکریت برای روی کار آمدن سلطنت موریای سپاهیان ایران یاری کردند. مردم هند سرزمین هند را بهارت ورش^۵ نامیده‌اند و نام کنونی هند بهارت است. هنگامیکه آریائیهای وداها از راه جنوبی فلات ایران روبه هند آوردند نخست در شمال هند سکنی گزیدند و ساکنان محلی هند را بطرف جنوب راندند.

تا چندی پیش گمان میرفت ساکنان اصلی سرزمین هند در اوها بوده‌اند که بهنگام رو آوردن آریائیها از فلات ایران بدان سرزمین آنها بجنوب شبه جزیره هند رانده شده‌اند و هزاران سال در آن سرزمین از هر گونه آمیختگی و آمیزش با نژادهای دیگر برکنار مانده‌اند.

پژوهشهای نوین نشان داده است که در اوها نیز یکی از شاخه‌های مردم آریائی میباشند که با آریائیها تفاوتی اندک دارند ازینرو شاید پیش از

۱ - Bhavshya Purana

۲ - مغ

۳ - Vishakhdatatta ۴ - Mudraraksasa

۵ - Bharata Varsha این سرزمین از جنوب تا دماغه کامورین اقیانوس هند

گسترش دارد و از شرق از خلیج بنگال تا کناره‌های پنجاب.

ساکنان اصلی هند سیاه‌پوستانی بوده‌اند که پراکنده شده و از آنها آثار و تمدنی برجا نمانده است.

زبان‌شناسی نیز بمانشان می‌دهد که دراوها با مردم آریائی فلات ایران بستگی نزدیک داشته‌اند زیرا زبان آنها در ساختمان و واژه‌های ابتدائی همانند زبانهای ایرانی و حتی فارسی دری است. زبان آنها را همانند گویش جدگالی^۱ در بلوچستان و گویش براهوئی^۲ بلوچی در کلات و زابل و خاش دانسته‌اند. براهوئی‌ها را البرزکوهی نیز نامیده‌اند چون سرزمین اصلی آنها دامنه‌های البرز بوده و از آنجا به بلوچستان رفته‌اند. برخی دیگر از مورخان براهوئی‌ها را از سکاها دانسته‌اند و برخی دیگر آنها را از تاتارها^۳ و زبان براهوئی‌رایکی از شاخه‌های دراویدی دانسته‌اند! آقای علی اصغر حکمت مینویسد:

« زبان فارسی نه تنها در السنه شمالی هندوستان که منشعب از سنسکریت است تأثیر فراوان داشته است و با آن زبانها آمیخته شده بلکه السنه جنوبی هند در اویدیان نیز لغات و اصطلاحات و تعبيرات فارسی را بسیار متضمن است^۴ »

در جای دیگر همین کتاب مینویسد:

« در اواسط اراضی مرتفعه بلوچستان گروهی را پیدا کرده‌اند که « بلهجه‌ای از ریشه دراویدیان یعنی مانند زبانهای جنوب هندوستان تکلم میکنند و آنها را طایفه براهوئی میگویند و خان کلات هم خود « بهمان لهجه سخن میگوید. »^۵

۱ - گال در گویش محلی بلوچستان و در گویش لری و غیره نشانه جمع است و ممکنست نام کولی نیز از گالی منسوب به جدگالی گرفته شده باشد.

۲ - Brahui

۳ - المسالك والممالك اصطخری چاپ قاهره ۱۹۶۱ میلادی دیده شود.

۴ - در کتاب سرزمین هند صفحه ۳۴

۵ - در کتاب سرزمین هند صفحه ۳۷

بستگی دراوها با مردم بلوچستان و سیستان از جهت نژادی و زبانی این نظر را بما میدهد که امکان دارد آنها نیز مانند آریائیهای ودا روزگاری پیش از آنها از راه سیستان و بلوچستان از فلات ایران به هندوستان رو آورده باشد بویژه آنکه در وداها و اوستا هر دو از آنها بیدی یاد شده است.

میان دراوها و جاتها که در شمال هند پراکنده اند و از نظر سیما خوش روتر هستند و بیشتر بدین سیکها در آمده اند شباهتی هست که امکان دارد آن دوتیره از يك نژاد باشند.

جاتها را در کتابهای قدیم مسالك^۱ بنام زطها ضبط کرده اند که زط معرب جت و جات است. در برخی از این کتابها آمده که مرکز آنها شهر هندیجان بوده و در همان کتاب های مسالك نام هندیجان را شهر زط هم ضبط کرده اند.

بلاذری^۲ ساکنان اندغار یا اندکار را در اصل سندی دانسته که خانه بدوش بوده و بیشتر در کناره های خلیج فارس زیست میکردند و جات کولیها را گفته و شیکها را سیح و ازین گروه دانسته اند.

در گذشته کار این جاتها بیشتر آهنگری بوده و در این هنر کار آمد بوده اند و شمشیرهای خوب می ساختند و شمشیرهای منسوب بهند ساخت آنها بوده است.

جاتها اکنون در هندوستان نیز بیشترند و بسا سیکها نیز آمیخته اند.

۱ - در المسالك ابن خردادبه و در المسالك والممالك اصطخری و کتاب قدامة بن جعفر بنام الخراج وصناعة الكتابة در بخش دیوان برید.

۲ - احمد بن یحیی بلاذری از نویسندگان ایرانی که در بغداد میزیست صاحب فتوح البلدان که فتوحات معجزه آسائی بعرب نسبت داده است و کتاب خود را برای خوشایند خلیفه عباس روی دشمنی با ایرانیان نوشته و خود مردی معتاد به بلاذری بود که سرانجام دیوانه شد ازینرو او را بلاذری و بغدادی گفته اند.

آقای عباس مهرین که سالها در هندوستان بسر برده و استاد دانشگاه میسور بوده اند از قول سایکس میآورند :

« کاولیهای (کولی) کنونی که در ایران دیده میشوند باید از نژاد ،
« لوریها^۱ باشند اتفاقاً کولی و کاول با کابل هم آواز است^۲ اینها باید
« گروهی از پنجاب باشند که بنام جات^۳ یا عبری زط نامیده میشدند
« و آواره میزیستند.... آنان را بهندی غربتی و کاولی مینامند اکنون هم
« در هند بهمان شکل آوارگی زندگی میکنند و به لهجه ای از زبان
« فارسی سخن میگویند در اروپا آنها را جیپسی^۴ مینامند^۵ .»

با آنچه در بالا با شواهد تاریخی گفته شد این تعبیر درست نیست .
گذشته از این نزدیکی های نژادی و تاریخی زبان سنسکریت که ادبیات
بودائی بدان زبان است و زبان پالی که زبان عامیانه شده منشعب از سنسکریت
است که ادبیات بودائی بدان زبان است بازبان پارسی باستان که از آن چند
صد واژه درسنگ نبشته ها بیش نمانده و زبان اوستائی که زبان دین مزدیسنی
است مانند چهار خواهر و خویشاوند نزدیک هستند .

در آثار برهمنائی که در هند مانده است از آنچه در ادبیات ودائی گفته
شد و برخی آثار باستانی مانند آثار غار مهارا پوری و غیره تاریخ گذشته هند
روشن نمیشود اما قدیم ترین سندها که درباره تاریخ هند در آن سرزمین میتوان
یافت از مآخذ بودائی است .

۱ - این نام را آقای مهرین توضیح نداده اند ولی در اصل لولی است و همانست
که در فارسی لولی و لولوش و لولی بکار میرود و چون کولیهها رقص میکردند آنها را لولی
نیز گفته اند .

۲ - چنانکه زیر صفحه پیش گفته شد بیشتر گمان میرود که لولی ها نام خود را
از گالی و جد گالی گرفته باشند .

Jat - ۳ Gipsy - ۴

۵ - در کتاب ایران نامه یا کارنامه ایرانیان در عصر ساسانیان صفحه ۱۳۳ .

تاریخ و ادبیات بودائی نیز از ادبیات پرمایه دینی جهان است که بیشتر بزبان پالی است. آثار تری پیتکا^۱ نشان دهنده این ادبیات است . . . در هندوستان پیش از زمان آشوکا^۲ پادشاه بزرگ و نامدار هند و خاندان موریا^۳ تاریخی در دست نیست و تاریخ قدیم هند کم و بیش از همین مأخذ شناخته شده است .

دین بودائی نیز از راه کناره شرقی فلات ایران به هندوستان راه یافته است . در بخش شمالی هند آثار مقدس و نفایس و مجسمه سازی و پرستشگاههای قدیمی نایاب است و شاید این امر بر اثر رفتن مسلمانان از راه ایران بهند مانند سلطان محمود غزنوی و غوریان بوده که در محو این آثار بعنوان بت پرستی کوشیده اند .

دین بودائی نیز امروز در هندوستان نفوذی ندارد و بیشتر در دامنه های کوه هیمالیا و هندوچین پیروان آن دیده میشوند . در غارهای بزرگ اجانتا^۴ و آلورا^۵ آثار مهم بودائی است که

۱ - Tripitakas

۲ - Asoka (۲۷۳ تا ۲۳۲ پیش از میلاد) پادشاه نامدار هند .

۳ - Mourya

۴ - Ajanra غارهای بزرگی که در سنگ کنده شده در جنوب هند در صد کیلومتری اورنگ آباد دکن از سده ششم و هفتم میلادی تعداد این غارها ۲۹ تا است که برخی از نقشها آن بسده دوم پیش از میلاد منسوبست این غارها در یک دوره هزار ساله پدید آمده و نقشهای دیگر بچشم میخورند .

۵ - Alora غارهای بودائی ۲۳ کیلومتری اورنگ آباد در دامنه کوهی که آرامگاه اورنگ زیب نیز در آنجاست این پرستشگاههای بودائی از سده ششم تا نهم زادروز مسیح ساخته شده و از نظر نقاشی اهمیت بسزائی دارد در نقشهای آنجا داستانهای مهابهارت و شکل خدایان برهمنائی و آثار بودائی نیز هست .

در آنها نیز هنر ایرانی دیده میشود. در غار اجانتا نقش سفارت شاهنشاهی
ایران دیده میشود که از دربار شاهنشاه خسرو پرویز در سده هفتم میلادی
به هند رفته است و همچنین شاهزادگان ایرانی در بزم بحضور راجه دیده
می‌شوند.

مقصود آنکه این آثار از سده ششم میلادی جلوتر نیست اما ستونهای
سنگی که در نقاط مختلف هندوستان از آشوکا از سده سوم پیش از میلاد پیدا
شده بهترین اسنادی است که از تاریخ گذشته هند در دست است.



اسلام در سرزمین هند و پاکستان

مقدمه

در اوایل سده هفتم میلادی و مقارن ظهور اسلام بواسطه جنگهای چندصد ساله ایران و روم وضع شاهنشاهی ساسانی و امپراطوری روم دچار اغتشاش و آشفتگی شد.

اختلاف طبقات و جنگهایی که پس از خسرو پرویز پیش آمد و برادر کشی های شیرویه و جانشینان او اوضاع آشفته و نابسامانی در ایران پدید آورده بود.

در این زمان روی بشارتهای گذشته مردم انتظار ظهور و ایجاد یک دولت شرقی^۱ داشتند ازین جهت بمحض ظهور حضرت رسول اکرم اسلام در شرق و غرب انتشار یافت و زمینه مساعدی داشت بخصوص در غرب ایران که بیشتر مردم به کیش مهر بودند و در بسیاری از نقاط با مقاومت روبرو نشد و دسته دسته مردم بدیانت حقه اسلام گرویدند.

در همین موقع بود که پیغمبران دروغین چون اسودالعنسی (عبله)

۱ - آثار الباقیه ابوریحان بیرونی دیده شود که خلافت عباسی را در آن دولت

شرقی دانسته است.

ملقب به ذی الحمار در صنعا و مسیلمه کذاب و طلیحه در نفاط مختلف حجاز و نجد از طایفه بنی اسد و کنده خروج کردند عهله یمن را گرفت و تانزدیک طایف پیش آمد و اگر ایرانیان مقیم یمن او را نکشته بودند امکان داشت حجاز را بگیرد.

نشانه‌های دیگری در کتابها چون شکاف برداشتن ایوان کسری و فرو نشستن دریاچه ساوه هست که نشان‌دهنده انتظار ظهور است.

پیشرفت اسلام در ایران نیز بصورت انقلاب داخلی و انتظار بود و باید گفت در باره فتوحات و غزوات بنیادگذاران فقه شیعی مانند محمد بن یعقوب کلینی^۱ و ابن بابویه شیخ صدوق^۲ و ابوجعفر محمد شیخ طوسی^۳ و محقق اول و محقق ثانی هیچکدام روایات مربوط به فتوح و مغازی را قبول ندارند و آنها عقیده دارند این روایت‌ها بفرمان منصور دوانقی و خلیفه گان بعد از او برای شرعی قلمداد کردن مالیات‌گیری آنها ساخته شده است این عنوانهای شرعی مفتوح العنوه^۴ احیاء موات ، انفال^۵ و صلحیه و مانند آن همه کلاه شرعی بوده و حتی برخی از علمای اهل تسنن نیز این روایات را صحیح نمی‌دانند. فتوحات و جنگهای قادسیه و جلولای و نهاوند نیز دو بیست سال بعد ساخته و نوشته شده است. میدانیم که غزوه اگر بدون اجازه امام مفترض الطاعه باشد درست

۱ - در گذشته بسال ۳۲۸ هجری برابر ۹۴۱ میلادی .

۲ - در گذشته بسال ۳۸۱ هجری برابر ۱۰۱۱ میلادی نویسنده کتاب الکافی و من لایحضره الفقیه .

۳ - در گذشته بسال ۴۱۱ هجری برابر ۱۰۲۲ میلادی نویسنده تهذیب الاحکام والاصبه و الاختلاف من الاخبار .

۴ - سرزمینی را که بعنف گرفته باشند .

۵ - نقد سرزمینی است که بی جنگ به بیت المال رسیده باشد و خراج زمینهایی که مردمش کوچیده باشند صلحیه گفته اند .

نیست و وجهه شرعی ندارد و ملاك حكم شرع نیست . ازینرو غزوات سلطان محمود در هند مطابق فتاوی شیعیان ، غزوات و فتوحات شرعی نیست . باری روی همین انتظار بود که اسلام در سغد و خوارزم بزودی انتشار یافت و بلخ قبة الاسلام لقب یافت و نویسندگان حدیث در صدر اسلام همه اهل این منطقه بودند و ابن اسحق و هشام کلبی را که معاصر منصور دوانقی بوده اند و سلسله روایات مربوط بفتوحات و مغازی بیشتر باین دوتن می پیوندند متروك الحدیث شمرده اند . و احمد بن بلخی بلادزی بغدادی نیز کتاب فتوح البلدان را برای خوشایند متوكل عباسی بضدیت ایرانیان نوشته است و با مقایسه فصلبندی دیگر کتابهایی که در باره فتوح نوشته شده معلوم میشود تاچه اندازه این کتابها از روش خاصی پیروی میکرده اند .



حکومت‌های اسلامی در هند

پیش از رفتن مسلمانان به سرزمین هند و پاکستان فن تاریخ نویسی در آن سرزمین مرسوم نبوده است. مسلمانانی بوده‌اند که برای هند تاریخ‌های متعدد به فارسی و اردو و عربی نوشته‌اند^۱ تمدن و فرهنگ ایران و اسلام در سرزمین هند نفوذ عمیق داشته و از هر جهت شایان مطالعه است.

درباره تاریخ هند و چگونگی انتشار دین اسلام در شبهه قاره هند باید گفت که دین اسلام نیز از سوی ایران در هند راه یافت و در سده اول هجری مسلمانان از راه دریا بارها تا دهانه رود سند پیش رفتند و فرمانروای سند را شکست دادند میتوان گفت دین اسلام نخست وسیله گروهی از شیرازی‌ها از راه دریا و خشکی (بلوچستان) وسیله محمد بن قاسم بن محمد بن ابی عقیل ثقفی پسر عمویا پسر برادر حجاج که سرداری هفده ساله و داماد حجاج بن یوسف ثقفی بود در سال ۹۱ هجری (برابر ۷۱۱ میلادی) در زمان حکومت حجاج بن یوسف ثقفی والی عراق صورت گرفت و چندی بعد مهلب ابن ابی صفره از راه خیبریه پیشاور تاخت. نخست مسلمانان در حدود دو بیست سال در نواحی مهران تا ملتان حکومت داشتند تا یعقوب لیث سیستانی کابل را گرفت و نخستین

۱ - Influence of Islam on Indian Cultur از تاراچند دیده شود .

امیر مسلمان برکابل گماشت. یعقوب لیث نخستین فرمانروای مسلمان سند بود و زبان فارسی را در آن دیار رواج داد. البتکین یکی از غلامان سامانیان بود که سلسله غزنوی را برپا کردند که گرچه پدر محمود از غلامان ترك بود ولی آنها يك سلسله ایرانی و مسلمان بودند محمود غزنوی در سال ۳۱۲ هجری (۱۰۰۱ میلادی) بنام جهاد و غزوه به هند تاخت و هجده بار به هند لشکر کشید و سفر کرد در جنگهای محمود و سفرهای او بهند سیزده بار ابوریحان بیرونی همراه او بوده است ازینرو تاریخی برای هند نوشته است که از مآخذ مهم است. از سال ۳۶۷ ه غزنویان (امیر ناصرالدین سبکتکین) بهند رو آوردند.

سلسله غزنویان از سال ۹۹۷ میلادی تا ۱۱۸۷ در لاهور حکومت کردند و از آن زمان مسلمانان در کنار هندوان در هندوستان زندگی کرده اند و گاه اختلافهای شدید داشته اند. در واقع اسلام و زبان و فرهنگ فارسی همراه لشکر کشی محمود به هند به لاهور و مولتان رسید و در هند گسترش یافت.

در زمان غزنویان لاهور و مولتان قبه الاسلام شد.

سه تن آخرین خاندان غزنوی که در هند حکومت کردند بهرام شاه خسرو شاه و خسرو ملک در شهر لاهور مرکز قدیمی پنجاب فرمانروایی داشته اند شهاب الدین غوری که از سرزمین غور از خراسان بزرگ برخاست به حکومت غزنویان پایان داد و خسرو ملک در سال ۱۱۸۶ میلادی کشته شد سرداران غوری نیز مدتی در هند حکومت کردند (۵۷۳-۶۱۲ هجری برابر ۱۱۷۸-۲۱۱۵ میلادی) ناصرالدین قباچه ممدوح محمد عوفی و منهاج سراج در ملتان و مهران حکمرانی داشتند و اختیارالدین خلجی در بنگال و قطب الدین ایبک در دهلی حکومت اسلامی را بنا نهادند همراهان محمود غزنوی و محمد غوری و بابریان همه فارسی زبان و مسلمان بودند و زبان فارسی و دین اسلام را در سرزمین هند گسترش دادند زبان فارسی در عهد خلجی، تغلق، لودی و سوری ها توسعه بسیار یافت. حکومت اسلامی در دهلی در سال ۱۲۰۶ میلادی بوسیله

قطب‌الدین ایبک تأسیس یافت و تا سال ۱۸۵۷ میلادی دوام داشت و دهلی پایتخت پادشاهان اسلامی هند شد. قطب‌الدین بختیار کاکی از مردم اوش نزدیک اندجان و رارود (ماوراءالنهر) بود که در زمان شمس‌الدین التمش در دهلی سکونت گرفت و حکومت اسلامی قطب‌شاهیان را برپا داشت. خانواده‌هایی که در هند مرکزی هندوستان حکومت کردند عبارتند از:

خانواده مماليك

(خاندان غلامان) در سال ۵۸۹ هجری یا (۱۲۰۶ تا ۱۲۹۰ م). قطب‌الدین ایبک از غلامان غوریان دهلی را آگشود و از آن پس حکومت‌های اسلامی یکی پس از دیگری برپا شد شمس‌الدین التمش و غیاث‌الدین بلبن از مشاهیر حکمرانان این خانواده بشمار می‌روند و آنان توانستند همه بخش شمالی هندوستان را بحکومت خویش ضمیمه نمایند.

خانواده خلجیان

(۱۲۹۰ تا ۱۳۲۰ میلادی) جلال‌الدین خلجی و علاء‌الدین خلجی از مشاهیر پادشاهان این خانواده بشمارند و در زمان جلال‌الدین خلجی دکن (جنوب هند) نیز جزو قلمرو سلطنت اسلامی گردید.

خانواده تغلقیان

(۱۳۲۰ تا ۱۴۱۳ میلادی) غیاث‌الدین تغلق محمد تغلق و فیروز تغلق در میان افراد این خانواده اهمیت بسزائی دارند. در زمان حکومت محمد تغلق خطه سلطنت به حکومت‌های کوچک تقسیم شد مانند جونپور، مالوه، گلبرگه، گجرات. ابن بطوطه در زمان محمد تغلق به هندوستان رفته بود و هشت سال در هند سیاحت می‌کرد تغلق آباد پس از دهلی دویمین شهر اسلامی هند شد که در سال ۱۲۲۵ هجری تغلقیان آن شهر را برپا داشتند.

در سال ۶۹۲ هجری علاءالدین خلجی به هند رفت و گجرات و دکن را گرفت و خاندان بهمنی را پدید آورد .

خانواده بهمنی

بهمنی‌ها سرزمین وسیعی در هند زیرنگین داشتند مرکز آنان بیدر بود و ۱۸ تن پادشاه از این خانواده از سال ۱۳۴۷ تا ۱۵۲۷ میلادی در دکن حکومت کردند مؤسس سلسله سلاطین بهمنی در دکن حسن گانگو بهمنی می‌باشد وی نوکر برهمن منجمی بود و بحال فقر زندگی میکرد در زمان سلطنت محمد تغلق در دستگاه او داخل شد و در سال ۱۳۴۷ سلطنت معروف به بهمنی را در گلبرگه تشکیل داد و سلسله را بنام ارباب خود برهمن گذاشت و او را وزیر خویش نمود قلمرو آن در شمال تابرارو در جنوب تا رود کرشنا رسید در سال ۱۳۴۷ پایتخت در گلبرگه بود در سال ۱۴۲۲ پایتخت به بیدر منتقل گردید و در ۱۵۲۰ خاندان بهمنی پراکنده شد و از این خاندان دو خاندان بنام عادلشاهی در بیجاپور و خاندان احمد نظام شاهی در احمدنگر ایجاد گشت . محمود شاه بهمنی در ۱۵۸۰ میلادی درگذشت .

خانواده سادات

(۱۴۱۳ - ۱۴۵۱ م) این سلطنت به دهلی و نواحی نزدیک آن محدود بود و بدست بهلول لودی حاکم لاهور پایان رسید.

خانواده لودیان

(۱۴۵۱ - ۱۵۲۶ میلادی) ظهیرالدین بابر پادشاهی خاندان لودیان را

پایان داد !

قطب شاهیان

در سال ۱۵۸۰ میلادی قلی قطب شاه از بازماندگان قراقوینلوها در

گولکنده خود مختاری برپا کرد و خاندانی ادب پرور و ثروتمند بودند و گاه با لودیان و گاه با بابریان در افتادند.

خانواده بابریان

در سده هشتم هجری تیمور به هند رو آورد و تا دهلی پیش رفت اما جانشینان او تا بنگال را گرفته و تا سال ۱۲۷۲ هجری پادشاهی کردند .
ظهیرالدین بابر بیریاری شاه اسمعیل صفوی از گزند شیک از بك رهائی یافت و با پشتیبانی شاه اسمعیل قدرت یافت و در ۹۳۲ هـ دهلی را گرفت .

در ۸۸۸ هجری (۱۵۲۶ - ۱۸۵۷ م) حکومت تیموریان یا بابریان که بغلط آنها را مغول خوانده اند تشکیل شد. شش پادشاه بزرگ بنام ظهیرالدین محمد بابر، همایون، اکبر شاه، جهانگیر، شاه جهان و اورنگ زیب^۱ تا سال ۱۷۰۷ میلادی و پس از آن تا ۱۸۵۷ م پادشاهان متعدد کوچک در هندوستان حکومت کردند و گاه سرداران آنان خراسانی بودند این خاندان در بزرگشت دانشمندان و نوازش سخنوران پارسی گوی و هنرمندان نهایت کوشش را بعمل آوردند و در گسترش و پیشرفت زبان فارسی و فرهنگ ایران و دین اسلام در هندوستان خدمات بسیار شایان توجهی انجام دادند .

تمدن اسلامی ایرانی را اکبر شاه و جهانگیر شاه با وج عظمت رساندند بسیاری از ساختمانها در هند و پاکستان از زمان بابریان است جهانگیر در یازدهمین سال جلوس خود جشن نوروز را برپا داشت و این موضوع در تزوك جهانگیری آمده است نور جهان ملکه جهانگیر يك خانم ایرانی بود که جشن نوروز را برپا میداشت و در هند محبوبیت بسیار یافت و اورنگ زیب

۱ - تا چند سال پیش در هند ایرانی یا افغانی مسلمان را مغول میگفتند ازینرو تمدن و فرهنگ ایرانی بابریان را مغولی گفته اند .

اسلام را گسترش داده در زمان بابریان حکومت اسلامی هند دوران درخشانی میگذراند .

در زمان جهانگیر نماینده انگلیس بنام جیمس اول به هند آمد و دو سال انتظار ملاقات پادشاه را کشید جهانگیر بعنوان نماینده يك جزیره كوچك دور افتاده اورا نپذیرفت. همزمان باسلاطین بزرگ بابری درجنوب هندبویره سه خانواده سلطنتی ایرانی حکومت داشتند و در سرپرستی ازپارسیگویان و عارفان ایرانی از هیچگونه کوشش دریغ نورزیدند آنها عبارت بودند از: **قطب شاهیان** در گولکنده (۱۵۱۲ تا ۱۶۸۷ م) **عادل شاهیان** در بیجاپور (۱۴۹۰ تا ۱۶۵۷ م) **نظام شاهیان** در احمدنگر (۱۴۹۰ تا ۱۶۳۳ میلادی) خاندانهای دیگری مانند بهمنی ها بریدشاهیان و خاندان سوری و پادشاهان شرقی چنپور و خاندان بیرم ، پادشاهان گجرات عماد شاهیان و غیره . نیز مشوق زبان و ادبیات فارسی بودند با رفتن تیموریان از راه فلات بهند و لشکرکشی **نادر شاه** تا دهلی در سال ۱۱۵۱ هجری برابر ۱۷۳۹ میلادی بسیاری از فنون و علوم ایرانی و زبان فارسی در هند راه یافت در باره لشکرکشی نادر شاه به هند باید گفت نادرشاه در تعقیب سرکشان بود و سفیرانی به هند فرستاد که پناهندگان را تحویل دهند و بسفیران او اعنائی نشد نادر بالشکریان خویش از راه تنگ خیبر رو بهند آورد محمد شاه گمان نمیکرد تنگ خیبر قابل عبور باشد و دوری راه اجازه دهد که نادر از خراسان بدان سرزمین لشکر کشد ازینرو هرچه باو میگفتند نادر در راه است اومیگفت «هنوز دهلی دور است» تا نادر بدلهلی رسید و این سخن ضرب المثل شده است. انگلیسها در سال ۱۷۵۷ م با سراج الدوله جنگیدند و کلکته را در بنگال گرفتند و آخرین پادشاه میسور تیپو سلطان پسر محمدعلی شیعوی مرد دلیری بود که تا بودن او انگلیسها در هند پیشرفتی نداشتند ازینرو پس از درگذشت او که آخرین تاجدار

مسلمان در هند همزمان فتحعلیشاه بود انگلیسها سوی شمال پیشرفت کرده و پس از جنگهای بسیار با مسلمانان در سال ۱۸۵۷ میلادی بهادرشاه ظفر را دستگیر کرده و به رانگون برمه تبعید کردند. غوریان بویژ تیموریان و حکمرانان لکهنو شیعی و فارسی زبان بودند. خانواده‌های مملوک و خلجیان و تغلقیان و لودیان زبان اردو را در دهلی رایج کردند زبان اردو چنانکه گفته شد مدنی پیش در دهلی از آمیختگی زبان فارسی و زبان برج بهاشا (زبان محلی آگرا و متھرا) پدید آمد و واژه‌هایی از زبان پراکراتها در آن راه یافت.

شالده زبان اردو در سده یازدهم میلادی ریخته شد و تا سده پانزدهم کمال یافت و نخست بزبان اردو شکسته یا فارسی شکسته میگفتند.

در دوران حکومت اسلامی در هند و پاکستان زبان رسمی زبان اردو شد به زبان هندی بزبان اردو ریخته و هندوستانی گویند و بهترین زبان اردو زبان مردم دهلی و لکهنو است که بدان اردوی معلی گویند خسرو دهلوی نخستین شاعر بزرگ اردو سرای هند و نخستین کتاب شعر بزبان اردو از محمد قلی قطب شاه است.

در دوران حکومت اسلامی که در حدود یک هزار سال در هند ادامه داشت زبان و ادبیات فارسی نیز بآیین اسلام گسترش بسیار یافت و در دربارهای دهلی، لکهنو، گولکنده (حیدرآباد) جونپور (شیراز هند) احمدآباد، احمد نگر بیجاپور، بهوبال و سوناگر (در پاکستان شرقی) زبان فارسی رسمی و متداول بود.

زبانهای هندی مانند اردو هندی، بنگالی، پنجابی، سندی، کشمیری پشتو هندی، دکنی، گجراتی، مراھتی، بهاری، تامیل، کناری، کشمیری، مالایالم و مانند آن همه از زبان فارسی بهره بسیار برده‌اند با آنکه زبان تامیل، تیلکو، کناری، و مالایالم از گروه زبانها دراوی و از زبانهای رسمی هند است باز در همه زبانهای هند از بیست تا پنجاه درصد واژه‌های فارسی راه

یافته است مثلاً سی در صد واژه های زبان مرهتی از زبانهای جنوبی هند فارسی است و رسم الخط این زبان از خط دیوناگری گرفته شده است که مشتق از خط سنسکریت است و از چپ بر راست نوشته میشود ولی بهنگامیکه زبان فارسی زبان رسمی هند بود مرهتی نیز مانند بسیاری از زبانهای هندی بخط فارسی نوشته میشد و زبان کونکنی که گویشی از آن زبانست هنوز بخط فارسی نوشته میشود . خط نستعلیق خط مسلمانان هند و زبان اردو شد و خط نسخ خط زبان سندی .

تاریخ حکومت مسلمانان فارسی زبان از حکومت های درخشان تاریخ هند است که انگلیسیها آن را برانداختند . بسیاری از کتابهای تاریخی هند هنگامیکه بزبان انگلیسی برگشته شد در این زمینه تحریف شده است^۱.

رابرت اورم^۲ وقایع نگار شرکت هند شرقی تاریخی در باره وقایع دوران مغول! در هند نوشت . فرانسویس گلاذ وین داو^۳ تاریخ هندوستان را نوشت و تاریخ فرشته را ترجمه کرد .

ج اسکات^۴ و ه . و . ن . سی تارت^۵ عالمگیرنامه را در کلکته منتشر کرد و سرویلیام اوولی^۶ و سرجان ملکیم^۷ که روی همان نظر های پیش گفته تاریخی برای ایران نوشت و بالاخره و . د . پرایس^۸ . د . شی^۹ . و . استوارت^{۱۰} و غیره که بیشتر آنان کارمند هند شرقی بوده اند مانند سرویلیام -

۱ - برای آگاهی بیشتر تاریخهای گرانبهای مانند چچ نامه ، تاریخ فیروزشاهی ، طایقات ناصری ، تزک بابری ، شاه جهان نامه ، منتخب التواریخ ، اکبرنامه ، آئین اکبری ، تاریخ فرشته ، سیر المتأخرین ، تاریخ الفی ، و غیره که بزبان فارسی و اردو نوشته شده دیده شود این کتابها نیز در دوران فرمانروائی انگلیس در هند تحریف و بزبان انگلیسی ترجمه و چاپ شده است .

- | | | |
|----------------------|-------------------|-------------------|
| J. Scott - ۴ | A. Dow - ۳ | Robert Orme - ۲ |
| Sira. J. Malcolm - ۷ | Sir W. Useley - ۶ | H. Vensittart - ۵ |
| C. Stewart - ۱۰ | D. Shea - ۹ | V. D. Price - ۸ |

جونز از جمله سرایلیت^۱ و داوسون^۲ از کتاب های تاریخ فارسی هند کتابی برای تاریخ دوران اسلامی هند^۳ گردآوری کرده اند و آنها را برای آشنائی انگلیسی زبانان در هشت دفتر بچاپ رساندند^۴ اما در همه این کتابها ایلیت و دیگران کوشیده اند بدیها و زیانهای حکومت نافرجام مسلمان را در هند نشان دهند . و دوره رواج زبان و ادبیات فارسی را دوران تیره و تاریک هندوستان بنمایند تا دوران حکومت استعماری انگلستان چهره نماید و نقش حکومت لندنئی نایب السلطنه هند پربهره و فریبنده و درخشان جلوه نماید .

خدمتی که سرهنری ایلیت و داوسن از این راه بتاریخ دورای استعمار حکومت انگلستان در هند نموده اند نمونه روشنی از تاریخ های دیگرست که پیروان غرب و کلیسا و یونان زدگان برای ایران نیز نوشته اند.

يك هدف نوشتن این تاریخ ها رفتن اسکندر بآن سرزمینهاست . چنانکه دریغ بود که اسکندر به مصر و ایران و خراسان بزرگ تا ورا رود (ماوراء النهر) و افغانستان رفته باشد اما به هندوستان نرفته باشد ازینرو

۱ - Si. H. M. Elliot کتاب تاریخ را او جمع آوری کرد و پس از مرگش داوسون بنام تاریخ هندوستان منتشر نمود و اظهار نظر کرده است که موافق گفتار مورخین آن سرزمین است (۱۸۶۶ - ۱۸۷۷ م).

۲ - Prof J. Dowson

۳ - Bibliographical Index to the Historians of Muslim India

۴ - History of India as told by its Historians تیموریان را در هند باشتباه مغولان گویند تیموراها را خوارزم و شهرسبز یا شهرک کش نزدیک سمرقند و ایرانی خونخوار و مخربی بود که خود را جانشین دولت چنگیز میدانست برای آنکه ترس و هراس ایجاد کند. سلسله او را در تاجیکستان خاندان میرزایان گویند و گورکانی بدان سبب به وی گفته اند که گورکان به ترکی یعنی داماد . اوفارسی سخن میگفت و بفارسی از او و دبیر او شرف الدین علی یزدی آثاری برجاست مادر او گوهرشاد و نوه اش شاه رخ بود .

بسیاری از مورخان اسکندر را به هند برده‌اند و برای این منظور کتاب‌های تاریخ نوشته‌اند و میدانیم همه‌جا اسکندر با شهرهای یونانی و تمدن یونان می‌رود!

اگر زندگانی اسکندر درازتر بود او را به چین و ژاپن نیز می‌بردند تا تمدن آن سرزمین‌های شرقی را نیز منبعث از غرب بدانند و جانشینانی مانند سلوکی‌ها که در ایران ساخته‌اند برای اسکندر در آن سرزمین‌ها نیز برمی‌گزیدند در صورتیکه از این جانشینان در کتابهای معتبر شرقی نامی نیست.

در هندوستان هیچ اثری از اسکندر پیدا نشده و تنها رفتن اسکندر بهند يك ادعای واهی داستان‌سرایان یونان است آقای حکمت مینویسد:

«در آثار هندوستان اثری از تاریخ حمله اسکندر بدست نیست تنها مورخان یونانی‌اند که سرگذشت حمله او را ثابت کرده‌اند.»^۱

* * *

بهنگام چاپ و انتشار نخستین کتاب از سلسله کتابهای ایلیت و داوسن دانشمند انگلیسی بنام ریورتی از روش نادرست و مغرضانه نامبردگان انتقاد سخت نمود و سرولزلی هیچ^۲ نیز در اثر تألیفی خویش که بنام «تاریخ هند از کمبریج»^۳ نوشته است و آن نیز از جهاتی شایان انتقاد است از استفاده از کتابهای نامبردگان اجتناب ورزیده و بمانند اصلی فارسی تاریخ هند رجوع کرده است.

برای روشنفکران هند نیز آثار ایلیت و داوسن و نظایر آن مورد بی‌اعتنائی قرار گرفت و نویسندگان بنام همزمان هند که تاریخ معاصر هند را پس از استقلال نوشته‌اند: دکتر تارا چند، و تروپاتی، بینی -

۱ - در کتاب سرزمین هند صفحه ۱۹ .

۲ - Sir Wolsley Hague

۳ - Cambrige History of India

پوشاد ، قانونگو، بنارسی پوشاد ، سکینه ، پینیکار و دیگران که همه هندی هستند در فهم و ادراک گذشته تاریخ هند در زمان حکومت اسلامی تیزیابی و عدالت و انصاف را از دست نهاده و از ایلیت و داوسن و مانند آنها پیروی نکرده اند .

خدمتی که هنری ایلیت و پروفیسور داوسن بکتابهای تاریخ فارسی انجام داده اند همان مسخ کردن قیافه حقیقی تاریخ هند و مورخان ایرانی اسلامی بوده است و روشی است که بیشتر مورخان فرنگ درباره تاریخ شرق بکار برده اند . . .

چنانکه در دیباچه کتاب تاریخ ایلیت و داوسن مطالب جالبی دیده میشود که خود بهترین سندگویای سوءنیت و بداندیشی اربابان اقتدار و حکومت صاحبان درهند است و آن مطالب بطور نمونه :

« . . . اکنون رعایای ما خواهند دانست که حکومت ما

« چقدر نرم و همراه و باانصاف است و چه منافع بزرگی از

« این سو عایدشان شده است .

« اکنون کارمندان اداری ما که از کمال آزادی شخصی

« برخوردارند خواهند توانست بخوبی پی ببرند که تاچه اندازه

« رعایت حقوقی که هیچگاه بعنوان افراد ملت ما برای آنها

« حاصل نبود بآنان تفویض شده است و با درنظر گرفتن مزایا

« و خوبی های حکومت انگلستان باید کارمندان دولت کنونی

« از زمزمه ناراحتی یا وطن دوستی دست بکشند و قدر عافیتی

« را که دارند درست بفهمند ... »

« آنگاه این مورخان دلسوز که اصلاً نتوانسته اند دوران تمدن

« اسلامی و رواج ادبیات و زبان فارسی را در هندوستان

« درك کنند به مورخان هند طعنه میزنند و آنان را بر علیه

» مسلمانان می‌شوراندند در صورتیکه مورخان هند نیز غالباً
» تاریخ‌های خود را با بسم‌الله و توحید و نعت رسول مسلمانان
» آغاز کرده‌اند.

» اکنون که دوران تسلط مسلمانان بر هند سپری شده باز
» مورخان بی‌غرض هند از روایات نویسندگان اسلامی خود
» را بی‌نیاز نمیدانند. ^۱»

همچنین بطور نمونه یکی از افتخارات هند تاج‌محل است و یکی از
نیک‌نامان تاریخ شاهجهان و یک زن نامدار جهان آراست.

در تاریخ تاج‌محل از مستر هیول نوشته شده که نقشه تاج‌محل بوسیله
هنرمندان ایتالیائی ^۲ کشیده شده! و همان هنرمندان تزئینات آن را درست
کرده‌اند.

ولی در کتاب معین‌الاثار ^۳ که به انگلیسی هم ترجمه شده این ادعا رد
شده است.

در سال ۱۹۳۱ میلادی کتابی بنام «شاهزاده خانم جهان آرا» ^۴ در
لندن چاپ شد که نویسنده ادعا کرده است در ضمن بازدید از قلعه آگرا در
برج ثمن از زیر سنگی اسناد و کاغذهائی بدست آورده که دست‌نویس
جهان آرا بوده است و جهان آرا آنها را در زمان زندانی بودن شاهجهان
در آن قلعه که خود او هم با پادشاه در آنجا زندانی بوده است نوشته.

۱ - نقل از ثقافت پاکستان نگارش شیخ محمد اکرام قسمت «ورثه ادبی فارسی»

۲ - The Taj and its environment

۳ - معین‌الاثار تألیف مولوی معین‌الدین احمد که با انگلیسی نیز ترجمه شده
و در سال ۱۹۲۸ میلادی چاپ شده است.

۴ - Mogul Princess Jahan Ara by Andrea Butenschen چاپ لندن

۱۹۳۱ میلادی چنانکه گفته شد نسبت مغول به بابریان نیز از آن غرضهاست که خواسته‌اند
دوران درخشان تمدن اسلامی و فرهنگ ایرانی هند را به مغول نسبت دهند.

بسیار خوب تا اینجا این سخن ادعایی را میتوان پذیرفت اما نتیجه آنکه دختر شاهجهان زن هوسبازی بوده و در پرده باراجگان هند و (راجپوت) روابط نامشروع داشته و عشق ورزی میکرد است همچنین نوشته شده که پوشاك اوساری بود و او خدایان هندوان را میپرستید!...

و مانند این سخنان که خواسته اند زن نیکنامی را در تاریخ هند بدنام نمایند در صورتیکه جهان آرا نزد مردم هند و پاکستان از برجسته ترین زنان دانشمند و پاکدامن و شاعر شناخته شده و او در تصوف نیز مطالعات عمیق داشته و کتابی بنام مونس الارواح نوشته است از اینگونه سخنانی درباره تاریخ گذشته پاکستان و هند یا کشورهای دیگر و شخصیتهای تاریخی بسیار ساخته و پرداخته اند.

درباره حکومت اسلام در سرزمین هند و پاکستان مطالبی ناگفته ماند. بهنگامیکه مسلمان در هندوستان حکومت یافتند در سده ششم تا هفتم میلادی، راجپوت ها در هندوستان حکومت داشتند و مسلمانان با جنگ کشور آنانرا از دستشان درآوردند.

گذشته از سلسله های نامبرده که گفتیم از هندوان و مسلمان در هند حکومت کردند پیشتر از حمله محمود غزنوی، اسمعیلیان در اچه و ملتان و لاهور نفوذ و حکومت داشتند باید گفت اچه یکی از مراکز زرتشتیان و پارسیان هند نیز بوده است.

آثار حکومت‌های اسلامی در هند

ناصرالدین سبکتکین غزنوی در سال ۳۴۹ هجری قمری به سرزمین شمالی هند تاخت و سلطان محمود غزنوی در سده چهارم هجری چندبار رو بهند آورد و بخشی از پنجاب و مهران را گرفت در نتیجه این تاخت و تازها پادشاهان خاندان راجپوت ناتوان شدند و دویست سال پس از آن سلطان شهاب‌الدین محمد غوری بشمال‌هند تاخت و آخرین پادشاه راجپوت را مغلوب نموده تا قنوج را گرفت.

قطب‌الدین ایبک یکی از سرداران ترک‌نژاد و مسلمان بود که در رکاب سلطان شهاب‌الدین غوری بهند رفت و شهرهای دهلی، اجمیر، بنارس را تا دره‌گنگ از چنگ راجپوتها و راجه‌ها درآورد و چنانکه گفته شد نخستین حکومت مسلمانان را بنام سلاطین مسالیک در هند برپا داشت.

قطب‌الدین ایبک در هند بآبادی پرداخت از جمله مسجد قبة الاسلام در دهلی از یادگارهای اوست که پس از وی التتمش داماد او بتوسعه آن پرداخت همچنین قطب منارمنار بزرگی از سنگ سرخ یادگار اوست که در نهایت زیبایی در نزدیکی دهلی هنوز برجاست.

در میان پادشاهان مماليك غياث الدین بلین پادشاهی توانا بود که تا بنگال را بتصرف مسلمانان درآورد و همزمان چنگیز بود. بنگال در ۱۲۵۱ میلادی زیر نفوذ مسلمانان درآمد در زمان بلن بسیاری از امرای مسلمان از ایران و افغانستان و ماوراءالنهر بدربار او پناه بردند و ممدوح خسرو دهلوی بود پس از مماليك خاندانهای خلجیه، تغلقیه، سادات ولودیه در شمال هند در حدود دو قرن و نیم بتناوب، حکومت کردند خاندان خلجیه قلمرو حکومت خود را تا گجرات توسعه دادند. فیرو شاه یکی از پادشاهان تغلقیه سراسر هندوستان بجز بنگال را زیر فرمان آورد و شهر فیروزآباد را در نزدیک دهلی ساخت و مساجد و آثار بسیار از او باقی است.

امیر تیمور در آخر قرن هشتم بهند تاخت و تادهلی پیشرفت و در آن دیار نیز بخرابی و قتل و غارت پرداخت و پس از او جانشینان او در هند حکومت کردند. در سال ۹۳۲ هجری قمری ظهیرالدین بابر تیموری با لشکریان بسیار از افغانستان بهند تاخت و آخرین بازمانده لودیان ابراهیم لودی را برانداخت.

سلطنت بهمنی بوسیله حسن گنگو بنیاد نهاده شد و در حدود دویست سال زمینه پیشرفت زبان و فرهنگ و عرفان ایران فراهم شد و دانشمندان و شاعران ایرانی بسیار بدکن دعوت شدند - گلبرگه پایتخت بهمنیان بود و مرکز زبان و فرهنگ ایران و اسلامی شد پس از انقراض بهمنیان جنوب هند به پنج کشور تقسیم شد که سه خاندان آنها بنام نظام شاهیان قطب شاهیان در شهرهای احمدنگر، گولکنده و بیجاپور بزبان و هنر و فرهنگ ایران خدمت بسیار کردند.

از سال ۳۴۹ تا ۹۳۱ هجری قمری سی و دو خاندان مسلمان فارسی زبان در دکن در گولکنده^۱ گلبرگه و دهلی، پنجاب، بهار، بیجاپور، احمدنگر

۱ - گل بزبان اردو بمعنی گرد (شهر) و کنده بمعنی استخر است.

و بنگال حکومت کردند که برخی از آنان ایرانی نژاد و بیشتر شیعی بودند
جانشینان بابر سیصد و پنجاه سال در شمال هند فرمانروائی کردند خاندان او
را بغلط مغول و گورکانی گویند .

يك علت این اشتباه آنست که در استان بهار به جنگجویان افغانی
مغول میگفتند و این اشتباه را مورخان اروپائی متوجه نشده اند کورکان نیز
بترکی یعنی داماد، و چون تیمور دختری از امیرحسین گرفته بود داماد او شد
باو کورکان گفته اند که مربوط به قبیله یامحلی نیست چون تیمور از مردم ایرانی
شهر سبز یا شهرکش در پیرامون سمرقند بود . در میان سپاهیان بابر ترك و
تاتارهای سغد و خوارزم و افغانی ها شرکت داشتند . بابریان تا سال ۱۹۷۴
در حدود ۳۴۲ سال در هند فرمانروائی کردند از رویدادهای زمان آنها
همایون دویمن پادشاه بابری در سال ۹۴۹ هجری قمری از فریدخان معروف
به شیرخان سوری که کابل را گرفته بود شکست یافت و از تاج و تخت برکنار شده
با گروهی از همراهان بدربار شاه طهماسب صفوی پناه برد پدر عبدالکریم خان
خانان شاعر فارسی گو نیز از همراهان همایون بود پادشاه صفوی با آنکه
بسیار ممسك بود مدتی از همایون و همراهان نگهداری کرد و در سال ۹۵۱
گروهی از سپاهیان قزلباش همراه او ساخت همایون باسی هزار سپاه شیرخان
را از کابل و قندهار براند و با او چند سال نبرد کرد تا در ۹۶۲ هجری از راه
پیشاور بهند رو آورد و در دهلی بر تخت نشست .

دولت بابری در زمان اکبر پسر همایون باوج عظمت و ترقی رسید
اکبر در افغانستان با صفویان چندبار برخورد کرد او پنجاه سال سلطنت نمود
و از قندهار تا داکا در بنگال شرقی و از کشمیر تا احمدنگر در جنوب در قلمرو
او بود. در زمان اکبر چهار طایفه اهل سنت و مؤبدان زرتشتی و علمای هند
و مسیحی و یهود در مجلسی که هر شب جمعه در حضور او تشکیل میشد به

مباحثه و مناظره می‌پرداختند و برای اینکار در فتحپور صنفه سنگی مخصوصی ساخته بود که خود در میان نشسته و ناظر مباحثات آنان بود اکبر دستور بزرگ پاریسیان مهرجی رانا و علمای اسلامی را دعوت کرد که با یکدیگر مباحثه نمایند در نتیجه این مباحثات علمای اهل سنت یکدیگر را در حضور او لعن کردند، از این کار اکبر نادم شد دستور مهرجی رانا به نویساری رفت و در آن دیار اعیاد و جشنهای زرتشتی را برقرار ساخت و اعیاد اسلامی را منسوخ داشت اکبر پرداخت جزیره را از هندوان برانداخت و خود از دین اسلام و هندو و زرتشتی بیاری شیخ ابوالفضل دین تازه‌ای بعنوان «دین الهی» عرضه داشت.

باید گفت تا دوره بابریان مذهب اسلام در شمال هند بروش حنفی مشهور باهل رأی و اجتهاد بود و در زمان اکبر چنانکه اشاره شد وضع دیگر پیش آمد.

در زمان جهانگیر در مساجد دکن شیعیان بنام شاه عباس کبیر خطبه می‌خواندند و او را خلیفه و شاه بزرگ اسلامی وقت می‌دانستند این موضوع موجب رنجش جهانگیر و پادشاهان بابری و مسلمانان دیگر هند شده در زمان شاه جهان تاج محل در آگرا ساخته شد که معماران ایرانی در ساختن آن هنرنمایی کرده‌اند.

در زمان بابریان شاعران بسیار بدان دیار رو آوردند ظهوری ترشیزی، نظیری نیشابوری و عرفی شیرازی از آن جمله بودند کلیم در دربار شاه جهان بود هنگام بازگشت بایران میگوید:

بایران می‌رود نالان کلیم از شوق همراهان

بپای دیگران همچون جرس طی کرده منزلها

ز شوق هند زانسان چشم حسرت برقفا دارم

که روهم گر براه آرم نمی‌بینم مقابل را

باغهای شالیمار لاهور در جهان بنام است این باغها را در سال

۱۶۲۷ میلادی شاه جهان ساخته است که در فاصله پنج میلی دیوار کهنه شهر لاهور است
آبرسانی این باغها وسیله يك ایرانی درست شده است در این باغها حوضها و فواره ها
و آبشارهای زیبا جلوی کاخها و تخت مرمر پادشاهان بابر و بسیاریها است.
شبی زیب النسا شاهزاده خانم شاعر در کنار آبشارهای شالیمار تا
صبح بسر کرده گریسته و شعر ساخته از جمله این دوبیتی خطاب بآبشار گفته :
ای آبشار نوحه گر از بهر چیستی

چین بر جبین فکنده در اندوه کیستی
آیا چه درد بود که چون ما تمام شب

سر را بسنگ میزدی و میگریستی

این يك نمونه از اشاعه زبان و ادب فارسی در آن سرزمین است.
دربار شاهان بابر و همايون و اکبر و جهانگیر و شاه جهان و اورنگ
زیب مرکز شعر و ادب فارسی بود و ملك الشعراهایی چون فیضی فیاضی شاعرانی
را از ایران به هند دعوت میکردند . حکومت مسلمانان در کشمیر نیز از سده
چهاردهم میلادی وسیله شاه میر آغاز شد این حکومت از سال ۱۳۳۹ تا ۱۵۵۲
میلادی بامجاهدات عرفا و مبلغان ایرانی پیشرفت بسیار کرد. در کشمیر آثاری
از نفوذ تمدن و فرهنگ ایران پیش از ورود اسلام دیده میشود مانند واژه هایی
از زبان فارسی در زبان کشمیری. آن زبان یکی از شاخه های زبان سنسکریت
است و نظم شاهنامه بدان زبان بنام است .

لال شهباز قلندر و جام نظام الدین و مخدوم بلال تتوی شاعران بزرگ
هند هستند که بفارسی شعر سروده اند و از شاعران کشمیر نیز هستند که بفارسی
شعر سروده باشند یا شاهنامه بسنسکریت سروده اند .

کلن بهت از درباریان فرمانروایان کشمیر با الهام از شاهنامه
فردوسی سال ۱۱۴۹ تاریخ کشمیر را از آغاز تا زمان جی سنگه بنظم آورد بنام
راج ترنگی یعنی شاهنامه و این نخستین تاریخ در هند بزبان سنسکریت است .

خانقاه‌ها و مساجد و سنگتراشی‌ها و معماریهای از آثار ایرانیان پیرامین
سرینگر پایتخت کشمیر هنوز برجاست و این گفته حافظ :

بشعر حافظ شیراز می‌رقصند و می‌نازند

سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی

نشانه پیشرفت فرهنگ و زبان فارسی در آن سرزمین است .

پادشاهان خانواده شاهمیر همه فرهنگ دوست و فرهنگ‌پرور بوده
و زبان فارسی و شاعران و عارفان ایرانی را تشویق میکردند چنانکه زبان و
فرهنگ فارسی جایگزین زبان سنسکریت و فرهنگ هندی شد و زبان فارسی
دیرزمانی زبان رسمی و درباری گشت و کشمیر یکی از مراکز اسلامی شد ،
سلطان زین العابدین بفارسی شعر میگفت و دو کتاب نثر بفارسی نگاشته است.
باید گفت در کشمیر محلی است بنام مزار عیسی و گروهی عقیده دارند که مرشد
عیسی در کشمیر هند بوده و چون عیسی را بقتل رساندند بهند آمد و مرشد او وی
را درمان نسوده باز بجهان باز گشت .

ملك كافر در سال ۱۳۱۰ میلادی و محمد بن تغلق در سال ۱۳۲۷ میلادی
راجه‌های هند را در اوایل سده چهاردهم از جنوب و شرق هند برانداختند و
بنگال زیر سلطه پادشاهان دهلی درآمد و گرچه در آغاز زیر نفوذ پادشاهان
دهلی بودند ولی در اواسط سده چهاردهم میلادی در زمان فرمانروائی محمد
بن تغلق دعوی استقلال کرد . اسکندر شاه و پسرش سلطان غیاث الدین که با
حافظ روابط ادبی داشت حکومت مستقل یافتند . جانشینان تغلقیان در جونپور
حکومت سلاطین شرقی را تشکیل دادند در زمان این خاندان زبان و ادبیات
فارسی در جونپور رونق بسیار یافت تا آنجا که جونپور را شیراز هند نامیدند
مساجد و مدارس بسیار از آن دوره برجا مانده است . همچنین در اواسط سده
چهاردهم میلادی در دکن نیز خاندانهای پادشاهان شیعی بهمنی و نظام‌شاهی و عماد
شاهی و بریدشاهی و عادل شاهی و قطب‌شاهی حکومت کردند که همه مشوق زبان

و ادبیات فارسی بوده با پادشاهان صفوی روابط نیکو داشتند .

از دوران فرمانروایی مسلمانان در سراسر هند آثار و بناهای باارزش و بسیار برجامانده است. هزاران مسجد و امام باره (حسینیه) و مقبره و مدرسه هنوز برجاست. در لاهور که مرکز قدیم پنجاب است مسجد بزرگ مسلمانان را اکبر شاه ساخت و قلعه بزرگ لاهور نیز از بناهای اوست در لاهور باغهای معروف شالیمار را شاه جهان پادشاه دیگر اسلامی بابر در چهل هکتار زمین برپا داشت. آرامگاه ابوالحسن علی هجویری که زمان غزنویان به هند رفت در لاهور است. شاهی قلعه لاهور از ساختمانهای شگفت آور جهانست این قلعه نزدیک شاهی مسجد و آرامگاه اقبال لاهوری شاعر نامد است در شاهی قلعه لاهور کاخهای پادشاهان، کتابخانه، مسجد بزرگ و کوچک، گرمابه، زرادخانه، خوابگاه، پاسدارخانه، آبدارخانه دیوان خاص و عام همه در ۱۴۵۱۸۵ متر مربع مساحت برپا شد.

قسمتی از این قلعه را نخست برای دختر زیبای راجه رام چندرجی بنام (لد) ساخته اند زمان او را هزاره پیش از میلاد نوشته اند در سال ۴۱۶ ه. ق سلطان محمود بدان قلعه راه یافت و آنجا را پادگان سپاهیان خود کرد و پس از او شهاب الدین غوری بر آن قلعه دست یافت ساختمان کنونی قلعه از اکبر شاه پادشاه بابر مسلمان است، جهانگیر کاخ کوچک دیگری ساخت و در زمان شاه جهان کاخ آئینه و ساختمانهای دیگر ساخته شد پس از او اورنگ زیب به کاشی کاری و آرایش کاخ پرداخت در زمان حکومت انگلیسیها آنجا بدست آنان افتاد و رو بخرابی رفت گذشته از آثار معماری ایرانی که در ساختمانهای آن دیده میشود در موزه شاهی قلعه کتابهای خطی و مذهب زیبای فارسی وارد و ورقعات و تابلوهای نقاشی و مینیاتور وجود دارد و قصایدی بفارسی بر تابلوها نوشته شده است.

شاهی مسجد بزرگ لاهور هفتصد سال پیش ساخته شده این مسجد

را شاه جهان ساخته است و اورنگ زیب آنرا تمام کرده .

دستار حضرت علی «ع» و دستار امام حسین «ع» کلاه منسوب بحضرت امام حسین «ع» علم منسوب بحضرت حسین بن علی «ع» در آنجاست .

در دهلی مسجد بزرگ مسلمانان را بنام مسجد جامع دهلی شاه جهان ساخت که سازنده آن يك معمار ایرانی بود گور او در کنار مسجد هنوز بر- جاست مسجد دهلی و مسجد لاهور از بزرگترین مسجدهای جهانست . بنای مسجد دهلی هشتاد سال طول کشید و ساختمان آن از زمان شاه جهان آغاز شد و گویند پس از بیت المقدس دومین مسجد بزرگ جهانست این مسجد از سنگ سرخ بر بلندی ساخته شده و ده هزار نمازگزار میتوانند در آن در يك زمان نماز بگذارند .

مسجد سونهری در دهلی نیز مسجد بزرگی است که در آن مسجد نادر- شاه برسدگی امور اشتغال داشت که باو تیراندازی شد قلعه سرخ در دهلی یکی از آثار بزرگ اسلامی است که در آنجا نیز نادر شاه با محمد شاه آخرین پادشاه بابرین رو برو شد و بر سر او تاج گذاشت در قلعه سرخ مسجد کوچکی است بنام مسجد مروارید (موتی مسجد) با سنگ مرمر که از شاهکارهای ظریف معماری است . مدرسه کاشف العلوم ، مدرسه قوالها ، تکیه نظام الدین - اولیا ، مزار نظام الدین اولیا و خسرو دهلوی و اسدالله غالب و مزار خواجه قطب الدین بختیار کاکی از پیشوایان صوفیه مزار شیخ برهان الدین بلخی و مزار سرمد کاشی عارف بزرگ همه در دهلی است و مزار معین الدین چشتی پیشوای بزرگ فرقه چشتیه معروف به سلطان الهند غریب نواز سنجری (سگزی) در اجمیر است و مزار قاضی نورالله شوشتری محدث شیعی در آگرا زیارتگاه شیعیان هند است و مزار شیخ بهاء الدین زکریا مولتانی استاد عراقی از سلسله سهروردیه در مولتان و مزار میر سید علی همدانی ملقب به علی ثانی در کشمیر است . مزار سید غلامعلی آزاد بلگرامی و حسن دهلوی در خلد آباد دکن و آرامگاه

خاندان اکبری و آرامگاه همایون در دهلی است و آرامگاه شاه جهان در تاج محل
آگرا همه زیارتگاه مسلمانان و جهانگران است گذشته از این در بنگال، مالوه،
جونپور، گجرات، اوچ، لاهور، حیدرآباد دکن، بمبئی، کراچی و غیره آثار
دوران اسلامی فراوان است.

در دوران اسلامی بسیاری از هندیان و مهاراجه‌ها نیز مسلمان و شیعی
بودند و گاه حدیث نبوی: حسین منی و ان من حسینی روی پرچم‌های اسلامی
نقش بود. مهاراجه جی پور نقش و نام حسین علیه السلام بر دوش می‌گذاشت
تعزیه‌ها در تکایا برپا می‌داشتند و در مساجد نماز جماعت خوانده و در امام-
باره‌ها عزاداری می‌کردند. در هر شهر يك كربلا و نجف و در برخی شهرها کعبه‌هائی
برای زیارتگاه درست کرده بودند. در مولتان بقعه‌ای برای شمس تبریزی و
بقعه‌ای برای بایزید بسطامی برپا شده بود.

در سراسر هند و پاکستان آثار معماری ایرانی و هندی که در دوره
حکومت‌های اسلامی پدید آمده درخشش بسیار دارد.

شیعی‌ها به فرقه‌های اسماعیلی بوهره، خوجه و غیره تقسیم می‌شوند اکنون
بیش از دویست هزار بوهره هستند و خوجه‌ها (اسماعیلیه) که اختلاف جزئی با
بوهره‌ها دارند به يك میلیون می‌رسند در میان اسماعیلی‌ها شیعه و سنی نیز هست
بوهره‌ها شش امامی بوده و بیشتر نزدیک به اسماعیلی و هندو هستند اسماعیلی‌ها
در شمال کشمیر در هونزا بیشتر هستند و در بمبئی و کراچی نیز پراکنده بوده و
پیش ازین در اچ و ملتان بودند که در آنجا نواب اسماعیلی بر چند صد هزار
اسماعیلی حکومت داشت.



کتابخانه‌های هند و پاکستان

بزرگترین گنجینه کتابهای فارسی و عربی ایرانی خارج از ایران در هند و پاکستان بوده است .

در هند و پاکستان کتابخانه‌های بسیار هست اما آنچه مورد نظر ماست کتابخانه‌هاییست که در آنها بیشتر نسخه‌های خطی کتابهای فارسی و دست‌نویسهای عربی است که نویسندگان ایرانی در دوران اسلامی نگاشته‌اند که در زیر بچند کتابخانه اشاره میکنم:

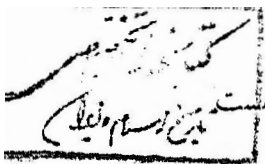
در پاکستان

۱ - در کتابخانه موزه ملی پاکستان در کراچی دست‌نویسهای فارسی و عربی نفیسی دید. میشود .

۲ - در کتابخانه دانشگاه لاهور نیز نسخه‌های خطی فارسی و عربی هست .

۳ - کتابخانه گنج بخش در راولپندی نسخه‌های کهن فارسی و عربی دارد .

در کتابخانه موزه پشاور و کتابخانه دانشگاه آن شهر . کتابخانه عمومی پنجاب (لاهور) در کتابخانه قلعه شاهی لاهور . کتابخانه دانشگاه حیدرآباد سند و کتابخانه لیاقت علیخان در کتابخانه انجمن شرقی اردو و



کتابخانه شاه گوردیزی در ملتان نسخه‌های خطی فارسی و عربی

در هندوستان

۱ - کتابخانه خدابخش در پتنه بیش از پنجاه هزار نسخه خطی کتابهای فارسی و عربی دارد فهرست کتابهای خطی فارسی و عربی این کتابخانه درسی و دو جلد چاپ شده است.

خدابخش یکی از مسلمانان هند بوده که در زمان او ادبیات فارسی بسیار رایج بود. خدابخش کتابخانه و ساختمان آنرا بملت واکگذار کرد و دولت هند بتوسعه آن پرداخت.

۲ - کتابخانه آصفیه در دکن که در حکومت نظام حیدر آباد وسیله عثمان آصف‌جاه برپا شده است فهرست نسخه‌های خطی فارسی این کتابخانه چاپ شده است که دو جلد آنرا دیده‌ام.

۳ - کتابخانه دانشکده پزشکی هند در حدود دو هزار نسخه خطی پزشکی ایرانی دارد که در حیدرآباد دکن است.

۴ - کتابخانه دانشگاه علیگر - دانشگاه اسلامی علیگره در جنوب شرقی دهلی است دارای کتابهای خطی فارسی و عربی بسیار است.

۵ - کتابخانه رضا - در رامپور با ساختمان و اقامتگاه برای دانش پژوهان بملت واکگذار شده است دارای کتابهای خطی فارسی بسیار است.

۶ - کتابخانه ملا فیروز و کاما در بمبئی دارای کتابهای گرانبهای خطی فارسی و عربی است از جمله نسخه خطی کهن برز و نامه در این کتابخانه هست.

۷ - کتابخانه مدرس دارای کتابهای فارسی و نسخه اصلی دینکرد به پهلوی و برز و نامه و تاریخ مسعودی خطی است.

۸ - کتابخانه آسیائی بنگال در کلکته دارای کتابهای خطی ایرانی و فارسی و عربی است.

۹ - کتابخانه ملی الله آباد دارای کتابهای خطی فارسی و عربی است.
۱۰ - کتابخانه دانشگاه سری نگر (کشمیر) نیز دارای کتابهای فارسی و عربی است.

۱۱ - کتابخانه مهرجی رانا در نوساری دارای کتابهای ایرانی خطی اوستائی و پهلوی و فارسی است. و در هند و پاکستان و افغانستان نسخه های خطی کهن از کتابهای ایرانی از فارسی و عربی بسیار است من دريك خانه در حیدرآباد دکن چندین هزار نسخه کتاب خطی بفارسی دیدم که همه آنها را جانور خورده بود و صفحات کتابها مانند تور مشبك شده بود.

زبان و ادبیات فارسی

تا اینجا درباره نفوذ زبان فارسی و فرهنگ ایران در سرزمین هند بطور پراکنده سخن گفتیم اکنون میتوان گفت زبان فارسی با جهانگشائیهای محمود غزنوی گسترش یافت زیرا همراهان و سپاهیان محمود به هند از فارسی زبانان بودند. در سده دوازدهم میلادی زبان فارسی بدینوسیله به هند غربی یا پاکستان امروز راه یافت.

در سال ۱۱۶۲ میلادی غوریان بغزنین رو آوردند و بازماندگان غزنوی از غزنین گریخته آنان نیز به لاهور^۱ و پنجاب فرار کردند چنانکه لاهور يك مركز زبان فارسی و فرهنگ و ادب ایرانی گشت ازینرو گفته شد به لاهور غزنین كوچك گفته اند. از این زمان زبان فارسی در زبانهای محلی و گویشهای هندی و زبانهای دراوها نیز نفوذ کرده است و از زبان فارسی واژه های بسیار در آن زبانها راه یافت.

چون غوریان در غزنین استوار گشتند به لاهور رو آوردند و بازماندگان غزنوی را در آن سامان در سال ۱۱۸۶ م سرکوب کردند فرمانروائی غوریان در سرزمین هند دیری نپائید و بادر گذشت سلطان معزالدين محمد پسر بهاءالدين سام غوری فرمانروائی آنان نیز در سال ۱۲۰۶ برچیده شد.

پادشاهان هند چه غزنوی و چه غوری و چه مماليك، خلجیان، تغلقیان

۱ - لاهور در گذشته يك مركز مهرپرستی بوده است.

بهمنی‌ها، سادات، لودیان، قطب‌شاهیان و بابریان همه مسلمان بودند و بزبان فارسی سخن می‌گفتند و دربار آنها مجمع شاعران فارسی‌گو و صوفیان و عارفان ایرانی بوده است چنانکه در زمان سعدی و حافظ شعر آنان در دورترین نقاط هند شیوع داشته است که حافظ گفته :

شکرشکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که بینگاله میرود
در تاریخ تحفة السلاطین و سراج التواریخ در شرح حال حسن بهمنی آمده که در مدرسه بوستان سعدی می‌خواند و در آن وقت از زمان سعدی پنجاه سال بیش نمی‌گذشته است .

بسیاری از پادشاهان و فرمانروایان هند بزبان فارسی شعر سروده‌اند و شاعران بزرگ بسیار در هند بفارسی شعر گفته‌اند .

در بسیاری از کاخها و مساجد و مقابر هند الواح و کتیبه‌هایی بزبان فارسی نوشته شده که بسیاری از آنها هنوز برجاست .

در هندوستان چاپخانه‌های بسیار برای چاپ کتابهای فارسی بوده و شاید صنعت چاپ از هند بایران آمده باشد.

اکنون در بیشتر دانشگاههای هند کرسی زبان و ادبیات فارسی و یا ایران‌شناسی وجود دارد مانند دانشگاه بزرگ اسلامی علیگر، دانشگاه دهلی دانشگاه بمبئی دانشگاه لکهنو دانشگاه بنارس - دانشگاه حیدرآباد و غیره. و رسم قوالی در میان صوفیه هند هنوز برجاست که در مراسم عرس مشایخ با ساز و آواز شعرهای فارسی مانند مثنوی‌های مولوی و خسرو دهلوی را می‌خوانند اگرچه خواننده فارسی نداند باز این سرودها بفارسی است .

برخی شاعران فارسی‌گوی هندوپاکستان

نخستین شاعر پارسیگوی هند که در لباب‌الالباب چند بیت از او آمده ابو عبد الله روزبه پسر عبد الله لاهوری بود.

ابوالفرج رونی و مسعود سعد سلمان از پیشوایان شعر فارسی در هند

و پاکستان هستند . در زمان آنها باندازه‌ای زبان فارسی در لاهور سخنور داشت که لاهور را غزنین کوچک می‌نامیدند .

مسعود سعد سلمان (۴۳۹ - ۵۱۵ هجری) از قصیده سرایان بزرگ زبان فارسی است او از مداحان پادشاهان غزنوی در هند بود و مدتها در زندان بسربرد و حبسیات خود را در زندان سروده است . ابوالفرج رونی نخستین شاعر بزرگ فارسی گوی هند پیش از او بود .

خسرو دهلوی (۶۵۱ - ۷۴۵ هجری) از شاعران بزرگ مثنوی سرای است او به فارسی و اردو و عربی شعر دارد در موسیقی و عرفان دست داشت .

حسن دهلوی (۶۵۳ - ۷۳۸ هجری) نجم الدین حسن سعدی هند لقب یافت .

فیضی فیاضی (۹۵۴ - ۱۰۰۴ هجری) ملك الشعراى دربار جلال الدين اكبر شاه بود او مرد قلم و شمشیر بود خسته‌ای چون نظامی ساخته است فیضی عرفی را بهند دعوت کرد و مدتی میهماندار او بود .

غنی کشمیری (محمد طاهر) (در سال ۱۰۷۹ هجری درگذشت) او باکلیم و صائب همزمان بود گفته‌های او بیشتر اخلاقی است .

بیدل (۱۰۵۴ - ۱۱۳۳ هجری) میرزا عبدالقادر عظیم آبادی از شاعران بزرگ فارسی گوی است که در هندوستان و پاکستان و افغانستان بیشتر از ایران شهرت دارد از پیشوایان سبک هندی است . دیوان او بزرگترین دیوان شعر فارسی است .

غالب (در سال ۱۲۱۲ - ۱۲۸۵ هجری) اسدالله لقب او نجم الدوله و دبیر الملك نظام جنگ بهادر بود دو سال پیش برای صدمین سال او در بیشتر کشورها مراسمی برپا شد .

غالب آخرین ملك الشعرای دربار تیموری هند بود آثار گرانمایی
به نثر فارسی و اردو دارد .

غالب دلبستگی خاص بزبان فارسی و سرزمین ایران داشت و آرزو
داشت در اصفهان زندگی کند چنانکه گفته :

غالب از آب و هوای هند بسمل گشت نطق
خیز تا خود را با صفاهان و شیراز افکنیم

غالب از هندوستان بگریز فرصت مفت تست
در نجف مردن خوش است و در صفاهان زیستن

بود غالب عندلیبی از گلستان عجم
من ز غفلت طوطی هندوستان نامیدمش

اگر چه زاده هندم فروغ چشم مست
ز خاك پاك بخارا و كابل و تبریز

اقبال لاهوری (۱۸۷۳-۱۹۳۸ میلادی) دکتر محمد فیلسوف^۱ و دانشمند

و شاعر ملی پاکستان و هند اشعار فارسی نغز و نفیسی دارد و با يك دید جهانی
علاقه داشت کشورهای مسلمان و فارسی زبان بهم بستگی بیشتر داشته باشند و
او از پیشوایان استقلال پاکستان بود و یکی از شاعران بزرگ جهان است .
اقبال بانگلیسی هم شعر سروده است .

يك نمونه از گفته های آتشین اقبال لاهوری :

چون چراغ لاله سوزم در خیابان شما
ای جوانان عجم جان من و جان شما

۱ - رساله دکتری اقبال درباره ارتقای مابعدالطبیعه در ایران بود .

غوطه‌ها زد در ضمیر زندگی اندیشه‌ام
 تا بدست آورده‌ام افکار پنهان شما
 فکر رنگینم کند نذر تهی دستان شرق
 پیاره‌ی لعلی که دارم از بدنخشان شما
 حلقه گرد من زنید ای پیکران آب و گل
 آتشی در سینه دارم از نیاکان شما
 پارسی‌گویان دیگری چون امیر فخرالدین عمید سنائی، جمال‌الدین
 احمدنسوی، شاه شرف بوعلی قلندر، بیرم‌خان، عرفی، منیر لاهوری، محمد
 حزین، گلشن دهلوی، آرزو، شیفته، ظفر علی ظفر، عبدالمجید سالک، عطاءالله
 شاه ندیم بخاری، مولانا مرتضی احمد میکش، علامه شرقی و دیگران بوده‌اند.
 بسیاری از شاعران ایران بوده‌اند که رو بدر بار پادشاهان هند نهاده‌اند که
 بیرخی از آنها پیش ازین اشاره شد.



تذکره‌های فارسی در هند و پاکستان

بسیاری از تذکره‌های معتبر فارسی در سرزمین هند نوشته شده است که اکنون بشرح برخی از آنها میپردازیم :

۱ - لباب الالباب نورالدین محمد عوفی بخارایی که در حدود سال ۶۴۰ هجری درگذشت شامل دو جلد عوفی آثار دیگری چون جوامع الحکایات و غیره دارد .

۲ - روضة السلاطین تألیف سلطان محمد متخلص به فخری است که تذکره پادشاهانی است که شعر سروده اند تذکره دیگری بنام جواهر العجایب نیز از اوست .

۳ - نفایس المآثر از میر علاء الدوله متخلص به کامی قزوینی همزمان اکبرشاه که در سال ۹۸۳ هجری نگاشته است .

۴ - تذکره هفت اقلیم از تذکره‌های بنام است از امین بن احمد رازی که بسال ۱۰۰۲ هـ نگاشته است که ضمن ذکر اقلیم و بلاد احوال ۱۷۶۰ شاعر و عارف و بزرگانی را که شعر گفته اند نوشته .

۵ - خلاصة الاشعار و زبدة الافکار از تقی الدین محمد کاشی که در پنج مجلد نگاشته و به ابراهیم عادل شاه دویم پادشاه بیجا پور تقدیم داشته .

۶ - تذکره میخانه از عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی از تذکره‌های مهم

- است که شامل شرح حال ۹۰ تن از شاعرانی است که ساقی نامه نوشته اند .
- ۷ - کلمات الشعرا از محمد افضل سرخوش شامل شرح حال دویست شاعر زمان جهانگیر .
- ۸ - یدبضا از میر غلام علی آزاد بلگرامی که بسال ۱۲۰۰ در گذشت دو تذکره دیگر یکی بنام سرو آزاد و دیگری خزانة عامره شامل شرح حال ۵۴۲ شاعر ازوست که هر سه از تذکره های مهم است .
- ۹ - مقالات الشعراء از میر غلام علی مشیر قانع تتوی است که بسال ۱۱۷۴ هجری نگاشته شامل شرح حال ۷۱۹ شاعر است .
- ۱۰ - مجمع النفایس از شیخ سراج الدین علی متخلص به آرزو که بسال ۱۱۶۹ هجری در گذشت اثر او از بهترین تذکره های شعر است .
- ۱۱ - تذکرة المعاصرین از شیخ محمد علی حزین شامل شرح حال یکصد تن از شعرا و نویسندگان و دانشمندان و بزرگان اصفهان که همزمان مؤلف بوده اند .
- ۱۲ - خلاصة الافکار از ابوطالب اصفهانی که بسال ۱۳۲۰ هجری در لکهنو در گذشت که آثار متعدد بزبانهای فرانسه ، انگلیسی و آلمانی دارد .
- ۱۳ - صحف ابراهیم از علی ابراهیم خلیل خان بسال ۱۲۰۵ هجری نگاشته شامل شرح حال ۳۲۷۸ شاعر از بزرگترین تذکره هاست .
- ۱۴ - مخزن الغرائب از شیخ احمد علی هاشمی که بسال ۱۲۱۸ هجری نگاشته تذکره بزرگست شامل حال ۳۲۷۸ شاعر فارسی گو .
- ۱۵ - نتایج الافکار از محمد قدرت الله گوپاموی^۱ متخلص به قدرت که بسال ۱۲۵۶ هجری نگاشته است .
- ۱۶ - هفت آسمان از احمد علی متخلص به احمد که بسال ۱۲۹۰ هجری در گذشت درباره مثنوی گویان فارسی نگاشته است .

- ۱۷ - شمع انجمن از نواب صدیق حسن خان بسال ۱۳۰۷ هجری شامل شرح حال ۹۷۸ شاعر فارسی گو است .
- ۱۸ - روز روشن از محمد گوپاموی متخلص به صبا که بسال ۱۲۹۶ هجری نگاشته شامل شرح حال ۲۴۱۰ شاعر است .
- ۱۹ - شعر العجم از شبلی نعمانی که آنرا فخر داعی گیلانی بفارسی ترجمه کرده از تذکرة های مهم شعر فارسی است نویسنده شعر فارسی را به سه دوره بخش کرده و در هر دوره شعر و شاعری را حلاجی نموده و شعر شاعران بزرگ و نامدار را باهم سنجیده است .
- ۲۰ - سخنوران ایران در عصر حاضر از دکتر محمد اسحق رئیس پیشین بخش فارسی و عربی دانشگاه کلکته کتابهای لغت و فرهنگ فارسی در دو جلد انتشار یافته است .
- اکنون باید گفت در هندوستان فرهنگها و کتابهای لغت بسیار تالیف و انتشار یافته است که آنها نیز از مآخذ مهم زبان فارسی بوده و حائز اهمیت است و به برخی از آن آثار اشاره میکنم .
-

فرهنگها و کتابهای لغت فارسی در هند و پاکستان

در سرزمین هند فرهنگ‌های بسیار برای زبان فارسی تدوین شده است که برخی از آنها ارزش بسیار داشته و از مآخذ مهم زبان فارسی است که چند نمونه آنها بیان میشود :

۱ - فرهنگ قوامی از محمد فخرالدین مبارک‌شاه غزنوی که نخستین فرهنگ فارسی در هند بوده و در زمان علاءالدین محمدشاه خلجی (۶۹۵ - ۷۱۵ هجری) نگاشته شده است .

۲ - مؤیدالفضلا از مولانا محمد بن الآد دهلوی که بسال ۹۲۵ هجری تألیف شده .

۳ - مدارا لافاضل از الله داد فیضی در سه جلد در زمان اکبرشاه بسال ۱۰۰۱ هجری تألیف شد .

۴ - فرهنگ جهانگیری از جمال‌الدین حسین انجویکی از فرهنگ‌های معتبر و بزرگ فارسی است که در سال ۱۰۱۷ بانجام رسید .

۵ - برهان قاطع از محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان که بسال ۱۰۶۲ هجری در زمان قطب شاهیان در دکن تألیف شد با آنکه مختصر است از فرهنگهای معتبر فارسی است .

۶ - فرهنگ رشیدی از ملا محمد عبدالرشید تقوی در زمان شاهجهان

تألیف شده و یکی از فرهنگ‌های معروف فارسی است .

۷ - کشف اللغات از عبدالرحیم بن احمد سوبهاری که در اوایل قرن دهم هجری تألیف شده فرهنگ بزرگی است شامل لغات و اصطلاحات صوفیه .

۸ - سراج اللغات از سراج الدین علیخان آرزو بسال ۱۱۴۷ هجری تألیف شده و از فرهنگهای معروف و معتبر است .

۹ - چراغ هدایت از سراج الدین علیخان آرزو شامل لغات مرکب و اصطلاحات .

۱۰ - بهار عجم از لاله تیک چند بهار که بسال ۱۱۶۲ هجری تألیف شده .

۱۱ - مصطلحات الشعرا از مل دارسته سیالکوتی شامل اصطلاحات فارسی .

۱۲ - مجموعه مرادفات از منشی محمد پادشاه متخلص به شاد صاحب فرهنگ آندراج .

۱۳ - هفت قلم از غازی الدین حیدر پادشاه آود در چندین جلد .

۱۴ آندراج از منشی محمد پادشاه متخلص به شاد که بسال ۱۳۰۶ هجری تألیف شده یکی از فرهنگهای بزرگ و مهم فارسی است .

۱۵ - شمس اللغات که نویسند خود را معرفی نکرده از فرهنگهای مهم و معروف فارسی است .

۱۶ - ارمغان آصفی از محمد عبدالغنی خان بسال ۱۲۹۲ هجری در هشت جلد در شهر آگرا منتشر شد .

۱۷ - خزانه اللغات از نواب شاه جهان بیگم فرمانروای بهوپال در این فرهنگ واژه‌ها به شش زبان معنی شده است بسال ۱۳۰۴ هجری در دو جلد در شهر بهوپال بچاپ رسید .

۱۸ - غیاث اللغات از محمد غیاث الدین رام پوری فرهنگ متداول در هند است .

۱۹ - آصف اللغات از نواب عزیز جنگ بهادر (ولا) که بسال ۱۳۴۳ در گذشت فرهنگ بزرگی است که تا حرف جیم آن در هفده جلد و در ۱۰۳۰۰ صفحه در حیدرآباد دکن در چاپخانه نظام چاپ شده است که در حدود ۵۵ جلد میشود .

۲۰ - فرهنگ نظام از سید محمد علی داعی الاسلام که از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۸ هجری در پنج جلد در ۲۴۷۹ صفحه در حیدرآباد دکن به چاپ رسیده است . فرهنگهای دیگر بسیار هست از جمله لغت فارسی که فرهنگی است منظوم فارسی به سنسکریت که بفرمان اکبر شاه وسیله کرشناداس گردآمده است .

رسوم و آداب ایرانی در هند و پاکستان

گذشته از زبان و نقاشی و معماری بسیاری از رسوم و آداب و سنت های ایرانی در زندگانی مردم هند و پاکستان راه یافته است که هر يك جداگانه شایان بررسی است . میتوان گفت برادران پاکستانی ، از حیث زندگی و ساختمان روحی ازین حیث شباهت بیشتری به برادران ایرانی خود پیدا کرده اند .

تاریخ در دوران اسلامی

میتوان گفت پیش از دوران اسلامی تاریخی از هند در دست نیست و مسلمانان بودند که برای هند تاریخ نوشته‌اند این تاریخ‌ها به فارسی، اردو، عربی، سنسکریت و گاه مانند شاهنامه به شعر گفته شده است. اکنون از چند تاریخ بنام نام میبریم:

۱ - چچنامه^۱ یا فتحنامه هند از علی بن حامد ابوبکر کوفی بسال ۶۱۳ هجری کتاب منهاج المسالك را از عربی به فارسی ترجمه کرد نویسنده کتاب به عربی معلوم نیست و این نخستین کتابی است که در هند شناخته شده که در تاریخ به فارسی نگارش یافته.

۲ - تاریخ معصومی از محمد معصوم که بسال ۹۷۷ هجری درگذشت شامل تاریخ سند.

۳ - طبقات ناصری از منهاج الدین عثمان سراج الدین معروف بقاضی منهاج سراج جورجانی.

۳ - تاریخ فیروز شاهی از ضیاء الدین برمی که بسال ۷۵۸ هجری چون تکمله طبقات ناصری تدوین شده این تاریخ را سیره السلاطین نیز گویند.

۵ - فتوح السلاطین از مولانا عصامی که بسال ۷۵۱ هجری در دولت-

۱ - بزبان اردو به تاریخ چچنامه گویند یعنی یکی بود و یکی نبود نامه.

آباد دکن در زمان سلطان علاءالدین بهمنی از پادشاهان آن سلسله بنظم آمده شامل دوازده هزار بیت .

۶ - منتخب التواریخ از عبدالقادر بدایونی در زمان اکبرشاه بآبري درباره پادشاهان و علما و شاعران نوشته شده است .

۷ - تاریخ الفی بدستور اکبرشاه هزار سال از هجرت گذشته تاریخ عظمت اسلام وسیله هفت دانشمند بزرگ اسلامی بنام نقیب خان حکیم همام میر فتح الله شیرازی ، حاج ابراهیم سرهندی ، ملا عبدالقادر بدایونی ، حکیم علی و میرزا نظام الدین احمد در چهار مجلد از آغاز اسلام تا زمان اکبر شاه نوشته شده .

۸ - اکبرنامه از ابوالفضل علامی از وزیران اکبرشاه در دو جلد که آئین اکبری جلد سوم آنست .

۹ - طبقات اکبری از خواجه نظام الدین احمد درباره تاریخ اسلام بسال ۱۰۰۳ هجری نوشته شده است .

۱۰ - تاریخ فرشته از ابوالقاسم هندوشاه فرشته از درباریان سلطان ابراهیم عادلشاه دویم پادشاه احمدنکر تاریخ فرشته را نورسنامه و تاریخ گلشنی نیز گویند .

تاریخها و تروکات بسیار در دوران اسلامی درهند وپاکستان نوشته شده که چند اثر مهم آن گفته شد.

تمدن و فرهنگ ایران

پیش از این درباره بستگی های تمدن و فرهنگ ایران در هند و نفوذ مردم و زبان و دین فلات ایران در آن سرزمین مطالبی گفتم اکنون در دنباله آن سخنان نکاتی دیگر یادآور میشویم .

در تاریخ هند از نفوذ سکاهای یا شاکاهای در آن سرزمین بارها سخن رفته است و آثاری برجا مانده . اگر سیستان (سکستان)^۱ سرزمین اولیه سکاهای بوده باشد آنان از شمال تاشمال قفقاز و جلگه اوکراین و از جنوب تاسرزمین هند در دوران گذشته رفت و آمد داشته اند .

درباره روابط ایران و هند نوشته اند داریوش بزرگ در سال ۵۱۲ پیش از میلاد بدان سرزمین لشکر کشید بگفته دکتر مدی^۲ پنج مدرک در دست است که نشان دهنده دوران فرمانروایی ایرانیان در هند پیش از روزگار پادشاهان خاندان موریان^۳ است :

۱ - نوشته های اوستائی .

۲ - سنگ نبشته های داریوش بزرگ .

۱ - اسکیت ها یا Scythians که بعقیده هرودوت سکاهای هستند .

۲ - جیوانجی جمشیدجی مدی Dr Modi در مجموعه مقالات آسیائی Asiatic Papers

۳ - Maurians یا Maurya خاندان (۱۸۷-۳۲۳ - پ.م) .

۳ - تاریخ هرودوت .

۴ - سکه‌های پیدا شده .

۵ - نوشته‌های پهلوی و پارسی .

اگرچه روشن نیست منظور هرودوت از هند این سرزمین باشد یا سرزمین دیگر آثار دیگری از نفوذ تمدن و فرهنگ ایرانی در آثاری که از خاندان موریای برجا مانده نیز هست که خود بهترین گواه این نظر است .

در نوشته‌های هندی در رویدادهای دوران خاندان موریای که از سال ۳۲۳ پیش از میلاد وسیله چند راگوپتا^۱ بنیادگذار خاندان موریایی برپا شد سخنان بسیار هست. دکتر اسپونر انگلیسی که کاوشهای پاتالی پوترا^۲ پایتخت آشوکا را در پتینه کنونی بصریایه تاتا از پارسیان انجام داد عقیده دارد چند راگوپتا ایرانی وزرتشتی بود و پس از اسکندر مقدونی بتشکیل سلطنتی در شمال غربی هند پرداخت که کابل و شهرهای جنوبی هندوکش و پنجاب جزو قلمرو فرمانروایی او بود. اما چنانکه اشاره شد از اسکندر و آثار او در تاریخ‌های هند هیچگونه اثری نیست .

سردکتر جیوانجی مدی نامبرده عقیده دارد خصوصیات غیر هندی چند راگوپتا یونانی نبود بلکه ایرانی بود آشوکا نوه چند راگوپتا مرز کشور خود را تا آسام و بخشی از اوریسه رسانید .

دکتر اسپونر که عقیده دارد چند راگوپتا ایرانی و وزرتشتی بود همواره باستناد نوشته‌های مه‌ابهاراتا و نوشته‌های کهن سنسکرت سازندگان کاخ صدستون آشوکا را در پاتالی پوترا نزدیک شهر پتینه ایرانی میدانند که آن کاخ را همانند کاخ صدستون داریوش بزرگ در تخت جمشید ساخته‌اند اما کوچکتر .

۱ - Chandara Gupta (۳۲۴ تا ۳۰۰ پیش از میلاد).

۲ - در مجموعه مطالعات آسیائی مقاله پاتالی پوترا بمبئی ۱۹۱۷ میلادی .

ستونهای یاد بود و سر ستونها و تالارها و سنگ نبشته ها همه تقلیدی از ساختمانهای تخت جمشید است و اثر ساختمان ایرانی در آن دیده میشود ستونهای یادبود بخط خروشتی نگاشته شده است که وسیله دبیران ایرانی درهند رواج یافت .

بنابر نوشته مهابهاراتا کاخ آشوک را دیوهایی بنام آسوره مایه^۱ ساخته اند ما میدانیم که داریوش بزرگ نیز ساختمان کاخ خود را به اهورمزدا و یاری او انجام داده است. هوئن تسنگ^۲ جهانگرد چینی که در سده هفتم میلادی کاخ صد ستون آشوکا را دیده است در سال ۶۹۵ میلادی نوشته :

« کاخ چندراگپتا همانند کاخ پادشاهان کشور بسیار دور ساخته شده است » .

بنابر نوشته مهابهاراتا کاخ پادشاهی خاندان موری را پادشاهان بیگانه دانه وه^۳ ساخته اند و این واژه دانه وه تحریفی است از وه اژدنگهاوه فارسی زیرا زرتشتیان ایران خود را از نژاد آریاوه دنگهاوه^۴ نامیده اند.

در باره واژه موری که نام خاندان چندراگوپتاست دکتر اسپونر تعبیرات دانشمند هندی را نمی پذیرد و جیسول^۵ عقیده دارد واژه موری از واژه مروه^۶ اوستائی و مرگو^۷ فارسی باستان و مرو فارسی دری گرفته شده است و دکتر اسپونر نیز عقیده دارد واژه مروه مشتق از مرغاب است که در نزدیکی

۱ -- آسوره مایه واژه سنسکریت است که همان آهوره مزده یا اهورامزدا باشد و دیو در اینجا بمعنی همان اهورا یا خداست .

۲ -- Hieun Thsang ۳ -- Danovas ۴ -- Aryava Danghave

۵ -- Jaysavel ۶ -- Mourwa ۷ -- Margu

فارس و مرودشت است و نام موريا از آن گرفته شده .

پروتو ، پارشو ، پارتها ، پهلوها ، پارتھين و پارسی‌ها

در مهابهارتا و ریگ ودا درباره پارتها و پارسیان سخنانی آمده که شایان توجه است .

در ریگ ودا از جور و ستم پارشوها (پارسیان) بمردم سخن رفته و از گرفتن هزارگاو و بز از پارشوها سخن گفته^۱ و بمردم آریائی ودا گفته است :

« ای مردم گروه پرتیو پارتی و پارشو (پارسی‌ها) دارایی شما را دیده و دست بغارت میزنند . »^۲

در ویشنوپورانا^۳ که نام نویسندگان هند را می‌شمارد از پاراسیکا (پارسی) نیز سخن گفته است .

در کتاب مودرا کشاسیه^۴ از پارسیانی که چندراگوپتانای آشوکا را در برقراری خاندان موريا یاری کرده‌اند نیز بنام پاراسیکا (پارسیان) سخن میراند .

در کتاب مانو^۵ از بهروه یا پل‌لاوه یا پهلوه‌ها سخن رفته ، گذشته از این کتاب آترودا^۶ آثار فرهنگ و تمدن مشترک ایران و هند را در بردارد . پرفسور لودویک واژه پرتیو و پارشو یا پارتو^۷ را درسنگریت به

۱ - Rig Veda I 1658, VIII, 646

۲ - Rig Veda VII 1-83

۳ - Vishnu Purana 1958

۴ - Mudrrakshasha

۵ - Athar Veda - ۶ Manu X 43-44

۶ - Parshu, Pruthu, Prithu, Parshva در ریگ ودا نام پارسیان چنین آمده است.

پارتی ترجمه کرده است^۱ در سنگ نبشته بیستون نیز پارسه و پارشو بفارسی باستان آمده که برابر واژه سنسکریت پاراشوا و پرتیو است. درباره خاندان هند و پارتی و پهلوها در کتابها و آثار باستانی هند روایات بسیار آمده است سکه های بسیار از این خاندان و اشکانیان در هند پیدا شده که شایسته نیست تنها روی پیدا شدن سکه در سرزمینی برای آن سرزمین تاریخ ساخت .

دکتر جیووانجی مدی از خاندان پارتیهای ایرانی سخن میراند و آنان را پهره^۲ و یا پل لاوه یا پهلو خاندان اشکانی پارتی میخواند این خاندان دیر- زمانی در هند پادشاهی داشته اند و قلمرو آنها تا میسور در هند جنوبی گسترش داشته^۳ .

نوشته اند^۴ پل لاوه که در سده دویم میلادی در دکن فرمانروایی داشتند از اشکانیان بوده اند و پهلوها بوده اند که از میان شبه قاره هند سوی جنوب (دکن) به اندرا رفته و تشکیل سلطنت داده اند پایتخت آنان در کانچی پور نزدیک مدرس بوده^۵ .

برخی از خاورشناسان خواسته اند پهلوه را بیگانه از ایران و ایرانی نشان دهند ، دوران پهلوه را در هند از سده دویم تا چهارم میلادی بشمار میآورند و این همان زمان انتشار دین مہراست و برخی مہریان را با اشکانیان نیز اشتباه کرده اند .

بعقیده هدی والا^۶ آغاز دوران پهلوه در هند از سده دویم پیش از

۱ - در ایران کوده درباره واژه پرسه آمده که پارس و پهلوه هم ریشه و هم معنی هستند و نویسنده ایران باستان پهلوه را صورت تغییر یافته « پرثوه » دانسته .

۲ - Pahrava - ۳ Matrye Shastra

۴ - Wilfords' Asiaticque Recherches P. 60 - 91

۵ - بمبئی گزات جلد ۱۳ صفحه ۴۱۳ و ۴۱۴ نقل از :

History of India P.348-350

۶ - پرفسور شاپور شاه هرمز جی هدی والا مورخ پارسی .

میلاد است و بنظر درست‌تر میرسد و این درست همزمان آغاز اشکانیان میشود برخی از پهلوه‌ها بعدها تغییر کیش داده و با هندوها آمیختگی پیدا کرده‌اند.

پائین‌دره مهران در سده یکم میلادی زیر فرمانروایی اشکانیان بوده است در جنگهایی که اشکانیان در شرق ایران رو به هند آورده‌اند سکاها از سیستان با آنها یاری کرده‌اند و سکاها در هند مدتها مانده و حکومت کرده‌اند و خاندانهای دیگری بوده‌اند که در مهران و بلوچستان و افغانستان و سیستان زیر فرمان اشکانیان حکومت داشته‌اند.

بعقیده هدی والا مورخ پارسی پهلوه‌ها در ۲۵۰ پیش از میلاد به هند رفته‌اند^۱ اما بعقیده پندیت بهگوان لال دانشمند سنسکریت پهلوه‌ها در حدود ۱۵۰ پیش از میلاد به هند آمده‌اند.

بعقیده دکتر بندهار کود دانشمند دیگر سنسکریت پهلوه‌ها و سکاها از سال ۱۶ تا ۱۳۳ میلادی در «اندره» در جنوب هند فرمانروایی داشته‌اند. مهرداد یکم و مهرداد دوم اشکانی که هر دو پادشاه نام‌دینی داشته‌اند همه افغانستان و بلوچستان و مهران را تا تاکیلا و پنجاب زیر سلطه خود داشته در مولتان پرستشگاه بزرگ مهر در زمان آنان (اشکانیان) ساخته شده است.

نوشته‌اند « بنظر میرسد پوشاك آئين و رسوم ویژه گروه پارچه^۲ افزارمندان کتیاوار از اشکانیان یا پارسیان اقتباس شده باشد^۳. »
در کاوشهایی که در شهر بهنپور (نزدیک کراچی) شده است سکه‌هایی از دوران اشکانی و ظرفهایی بسبك آندوران پیدا کرده‌اند.

۱ - Bombay Gazette دفتر یکم صفحه ۱۴۴.

۲ - Paraja

۳ - فرزنانگان زردشتی

در جنوب هندوستان سنگ نبشته‌های قابل توجهی بربان پهلوی پیدا شده این کاوشها نیز نفوذ تمدن و فرهنگ اشکانی و ساسانی را درسرمین هند نشان میدهند^۱.

بنابر نوشته پیکلی شمال هند دوباره در زیر استیلای ایرانیان درمیآید و رفت و آمد از هر دوطرف ادامه می‌یابد و بنابر نوشته صاحب تاریخ فرشته سینسار چند یکی از پادشاهان هند بگودرز اشکانی باج و خراج میداد و بگمان بریکس^۲ سنسار چند باید سندر و کوتیس یا چندرا گوپتا باشد که در بالا اشاره شد بنیادگذار خاندان موریای بوده است.

فرمانروایان مین نگر، از اشکانیان (پارتیان) بودند که با یکدیگر رقابت داشتند و همیشه پیکار داشتند گاه غالب و گاه مغلوب میشدند این اشکانیان از دره جیحون بدره سند (مهران) آمده بفرمانروایی پرداختند^۳. برخی عقیده دارند اشکانیان هند که رقیب ساسانیان بودند از بازماندگان کارن پهلوه بوده‌اند که با کوشانیان برضد اردشیر بابکان متفق گشته‌اند^۴.

بعقیده جیمس تاد قلمرو پادشاهی پارتیان (اشکانیان) هند در سده دویم میلادی از سند (مهران) تا نریده گسترش داشته و میناگره (مین نگر) پایتخت آنان بوده است^۵.

کینینگام درباره یکی از فرمانروایان پهلوه نوشته است^۶:

۱ - A.C. Brinoll بنام سنگ نبشته‌های پهلوی در جنوب هند دیده شود که بسال ۱۸۷۴ میلادی در بنگلور چاپ شده.

۲ - Briggs

۳ - Ancient geography of India by Cunningham صفحه ۲۸۹ و ۲۹۲.

۴ - J.A. Society 1866 VII 134. Bombay gazette Part. I. P. 549

۵ - Annals on anti puities of Rajastan I P. 179

۶ - در جغرافیای قدیم هند زیر صفحه ۳۱۹

Ancient Geography of India by Cunningham.

« در حدود سال ۷۱۰ میلادی کریشنا یکی از شاهزادگان پهلوه
 « و فرمانروای آندیار دژاستواری در ایلاپور^۱ بساخت چنانکه
 « طرح زیبایی آن طبق سنگ نبشته خدایان رابشگفتی و امیدارد...
 « بتی از شیوا آراسته با هلال در آن تقدیس شده از خواندن
 « سنگ نبشته چنین عقیده پیدا کردم که ایلاپور همان شهر معروف
 « سومنات پایتخت جزیره نمای گجرات باشد که به پتن سومنات
 « شهرت داشته » .

این همان قلعه است که سعدی ادعا داشته بدان قلعه و صومعه رفته
 است .

کینینگام درباره یکی دیگر از فرمانروایان پهلوه نوشته است :
 « نفوذ ساسانیان در سند و راجپوتانه غربی بسیار بوده است
 « زیرا ایرانیان و هندیان باهم تماس بسیار داشته اند ».^۲
 اما در باره ساسانیان در بمبئی گزارت^۳ آمده است که گروهی از
 ایرانیان در آغاز سده هفتم میلادی بهند رو آورده اند و بعقیده ویلفورد نامبرده :
 « سرکرده آنان پسر خسرو پرویز بود و خاندان مهاراجه او
 دیپور از دودمان اوست . »
 درباره روابط خاندان والابهی^۴ و راناهاى میوارنیز در بمبئی گزارت
 مطالبی آمده است که در این باره شایان توجه است :^۵

صاحب آئین اکبری در جلد اول کتاب خود ضمن شرح صوبه اجمیر

۱ - Elapur

۲ - در گزارشهای باستانشناسی جلد ۳ صفحه ۵ Archeological Reports

۳ - جلد ۱۳ صفحه ۲۴۸

۴ - Valabhi

۵ - جلد یکم بخش ۱ صفحه ۱۰۲

مینویسد : رانای^۱ میوار از قوم کهلوت بوده و خود را از نژاد انوشیروان عادل می‌شمارند و چتراپاتی شیواجی که پیش از این گفتیم بنیادگذار دولت مهاراشترا در هند بود که اورنگ زیب پادشاه نیرومند بابر نتوانست او را سرکوب کند از همان دودمان است که پدر او نیز از سرداران قطب‌شاهیان در دکن بود.

باید گفت در میان مردم جنوب هند مراهنای^۲ قوم بزرگی است در حدود سی میلیون و در تاریخ هند بخصوص در سده هجدهم میلادی اهمیت دارند که شیواجی پیشوای آنان و بازماندگان او در میان آنان فرمانروایی داشتند. در آغاز سده چهاردهم میلادی علاءالدین خلجی از دهلی باین استان تاخت و بخشی از این استان زیرنگین مسلمانان فارسی زبان در آمد. محمد تغلق شهر دولت آباد یکی از شهرهای این استان را بجای دهلی پایتخت قرار داد پیش از انگلیسیها شمال هند را آنان از دست مسلمانان بیرون آوردند و در نهضت استقلال هند پیشوایانی از این قوم بوده است.

بخشی که این قوم در آن حکومت داشته‌اند مهاراشترا نام دارد که بمبئی مرکز آنست مهاراشترا در اصل مهاخسترا است یعنی استان (ساتراپ) بزرگ که يك نامگذاری ایرانی است گشته خستر بزرگ.

همچنین در تاریخهای هند نوشته‌اند شاپور دویم ساسانی دوشهر در هند بنا کرد یکی رام‌پیروز و دیگری روشن‌پیروز. نام پیشاور نیز پور و شاپوره نامی است ایرانی.

و نوشته‌اند در سده هفتم میلادی شاخه‌ای از شاهزادگان ساسانی در نواحی کج^۳ اکتیاوار گجرات فرمانروایی داشتند در آئین اکبری از شاهان و فرمانروایان و سرداران دیگر ایرانی که در هند فرمانروایی داشته‌اند سخن

۱ - رانا بزبان سنسکریت نواب است .

۲ - Maratha - ۳ Cutch

رفته است که سخن‌مارا به تفصیل میکشاند. در سراسر هندوستان نیز سکه‌های بسیار از ساسانیان پیدا شده است که پشت آنها نقش آتشدان دیده میشود. زیرا بنابر نوشته‌های تاریخ‌های دوران اسلامی در هند اشکانیان و ساسانیان تا سال ۷۱۱ میلادی در سرزمین هند حکومت‌های پراکنده داشته‌اند اما در دوره بودائی جدید در دوران کنیشکا آئین بودائی بنام مهاییانا (چرخ بزرگ) داشتند در هند بیشتر فرهنگ زرتشتی و مهری و عرفان ایران رسوخ داشته و اما پسر او هویشکا عقاید آمیخته دینی داشته است و تمایل بآئین زرتشتی داشت سکه‌های او که پیدا شد يك روی سکه آتشکده نقش شده است اگرچه ما بنای تاریخ‌را بر سکه‌شناسی ننهاده‌ایم زیرا بیشتر سکه‌های پیدا شده در افغانستان و هندوستان و برخی نقاط آسیای میانه و ایران ساختگی و از نیرنگ‌های غربیان است.

دین در هندوستان

پیش ازین گفته شد از آنجا که تاریخ نشان میدهد از زمان هخامنشیان میان ایران و هند رابطه دیرین بوده است و از رفتن ایرانیان: سکاه، پهلوها، زرتشتیان، بودائیان، مهربان، مسانی و مسیحیان و مسلمانان ایرانی به هندوستان آثاری برجاست.

نفوذ ایرانیان درشئون مختلف فرهنگی و معماری در زمان خاندان موری در هند که پیش ازین بدان اشاره شد يك نمونه از این رابطه است. گفته شد دین آشوکا پادشاه نامدار موری بودائی بود بعقید دکتر اسپونر بودا نیز يك خردمند ایرانی و يك پارسی بود^۱.

پس از آن در زمان اشکانیان گروهی از پهلوها و سکاه و ایرانیان و مهربان بهند رفته اند چنانکه در آندیار آثار مهرابهائی پیدا شده است همچنین آثاری هست که پادشاهان گوپتا^۲ همزمان ساسانیان بدین مهر بوده اند. در این زمان از ایران دسته جاتی بهند رفته اند. در تاکسیلا که مانند پیشاور و لاهور و ملتان جزو ایران و مرکز فرهنگ ایرانی هخامنشی بوده سنگ-

۱ - در مجله آسیائی سلطنتی مقاله دکتر اسپونر ژانویه ۱۹۱۵

۲ - Guptas که در استان بهار شمال هند در سده چهارم میلادی فرمانروائی داشتند

نیشته‌ای پیدا شد که بعقیده سرجان مارشال آنجا جزو قلمرو هخامنشی بوده در این مکان مهرابه جهان دیاله نیز یافت شده. پادشاهان گوپتا خود را بلقب **قهرمان مهر**^۱ ملقب میداشتند و ستون پولادینی از آن زمان بنام مهرولی^۲ در مسجد قبةالاسلام دهلی برجاست.

غارهای آجتا و آلورا که از آن زمان بیادگار مانده مانند مهرابه‌های عظیمی است که در سنگ‌کنده شده است سکه‌هایی از زمان گوپتا پیدا شده و در دست است که روی آنها نقش مهر دیده میشود که بنشانه پیمان‌داری به شاهان حلقه پیمان میدهد در گذشته مهر پرستی تا حوالی مدرس راه یافته بود.

آثار دیگر از نفوذ ایرانیان در زمان ساسانیان در هند در خانواده‌های گپتا و روهن دیده میشود. پادشاهان خاندان گپتا به پیروی از ساسانیان بخود شاهنشاه میگفتند و بدینداری می‌پرداختند.

خاندان گپتا مانند ساسانیان دو پایتخت در هند داشتند یکی پاتلی پوترا (پتنا در استان بهار) در شمال هند و دیگری در اجین در بخش مرکزی هند. مانی در زمان ساسانیان برای تبلیغ دین خود به هندوستان رفت و مسیحیت در زمان ساسانی تا جنوب هند به مدرس و حتی مالابار انتشار یافت سنگ‌نیشته‌هایی بخط پهلوی در حوالی مدرس و پرستشگاهها پیدا شده است که نشان دهنده این آثار است برخی از رسوم دین مهرومانی در مذاهب هند راه یافته رسم دینی آبتنی در رود گنگ نیز يك رسم مهری است و نخوردن گوشت يك رسم مانوی است و مانند آن بسیار است.

زرتشتیان یا پارسیان

گذشته از مهاجرت‌های بسیار که ایرانیان و زرتشتیان یا پارسیان زمان هخامنشیان از ایران به هند نموده‌اند و از دوهزار و پانصدسال پیش در هند زیسته‌اند. پس از برافتادن خاندان ساسانی مهاجرت ایرانیان زرتشتی به هند دسته‌جمعی بوده نخست دسته کوچکی از زرتشتیان در حدود سال ۱۲۰ یزدگردی از بخش‌های شمالی ایران بسوی هندوستان مسافرت نمودند و بسال ۱۵۴ خورشیدی یزدگردی در شهر سنجان از شهرهای جنوب گجرات اقامت کردند و پس از دویست سال بتدریج بشهرهای بیکانر، بروچ، واریاو، انگلیس، نوساری و کمبایت و سورت و اودواده و شهرهای دیگر گجرات رفته در آنسرزمین بزندگی پرداختند. اما از آن استان خارج نشدند^۱ پیش از ورود بگجرات این دسته از زرتشتیان از سه هزار سال پیش در شمال هندوستان میزیستند که بتدریج تا حدود ۴۰۰ سال پیش نابود یا مستحیل گردیده‌اند. در باره تاریخ مهاجرت این دسته در سالهای ۷۱۶ یا ۷۵۵ و ۷۸۵ میلادی اختلاف نظر است.

در باره زمان مسافرت ایندسته كوچك اختلاف آراء موجود است اما سالی را كه دكتر جیوانجی مدی از دانشمندان نامور پارسی پذیرفته است در

۱ - فرزنانگان زرتشتی نوشته آقای رشید شوهردان ص ۴۱ - ۴۳.

اینجا آمده . این دسته کوچک که شامل عارفان ، ستاره شناسان و صاحب‌دلان بودند پیش‌بینی کرده بودند که تخمه دین‌بهی در هندوستان حفظ خواهد شد ازینرو دسته‌های کوچک دیگر نیز یکایک بهند رو آوردند . مسافرت زرتشتیان بکجرات ، پس از ساسانیان فوری و دسته‌جمعی نبوده و چنانکه مشهور است روی‌گروش ایرانیان بدین اسلام و فشارهای دینی در دو سه سده آغاز اسلام در کار نبوده است بلکه فشارهای دینی در ایران از زمان غزنویان آغاز شد و بیشتر زرتشتیان از زمان مغول تازمان ناصرالدین شاه قاجار در حدود ۶۰۰ سال رو بنابودی رفتند .

میان سالهای ۹۴۲ - ۹۹۷ میلادی بعضی از پارسیان مقیم گجرات به کمبایت‌رفته و در بازرگانی توفیق بسیار بدست آوردند . سپس پارسیان دیگر بآنها پیوستند و شهری پارسی‌نشین پدید آوردند . یکی از هندوان از گروه بانیه بسورت رهسپار گشته و در آنجا از بازرگانی مروارید ثروت هنگفتی بهمرسانید او جماعتی از او باش راجپوت و ماهیگیران را اجیر نموده برای گرفتن انتقام از پارسیان شبانه برجایگاه آنان تاخت بسیاری از زرتشتیان را از دم‌شمشیر گذرانید و خانه‌هایشان را آتش زد آنان که جان سلامت بردند فرار را بر قرار اختیار نمودند و کسی از پارسیان در آن شهر برجای نماند .^۱

در اواخر سده ۱۱ میلادی در شهر واریاوا^۲ لطمه دیگری به پارسیان خورد چنانکه بنابودی آنان انجامید .

باین معنی که قلمرو رتن‌پور زیر فرمانروایی گروه راجپورت قرار داشت . از زرتشتیان که گروه بسیاری بودند و بیازرگانی و کشاورزی میپرداختند عمال دولت میخواستند مالیات گزافی بگیرند ولی پارسیان از پرداخت آن خودداری کردند . ازینرو سربازان راجپوت برای سرکوبی و دریافت مالیات

۱ - بمبئی گزت دفتر ۶ ص ۲۱۶

۲ - Wariav

پارسیان حمله کردند. پارسیان در دفاع خویش بسیاری از سربازان را از پای در آوردند فرمانده لشکر برای جبران اینبار پی فرصت میگشت تا آنکه روزی که مردان پارسی در مجلس جشنی بیرون شهر در مهمانی سرگرم شادمانی بودند ناگهان سربازان راجپوت بآنها تاختند و بسیاری از مردان را کشتند زنان پارسی بالباس مردانه در برابر آنها بمبارزه برخاستند و هنگامی که نزدیک بود شاهد پیروزی را در آغوش کشند ناگهان کلاه سردار آنها بیافتاد و گیسوان بلندش نمایان شد راجپوتان چون بانوان را مبارز خود دیدند قویدل گشتند دوباره حمله کردند و همگی را بخاک و خون غلطانیدند.

اینک بیاد شهیدان واریاو هر سال در خانه پارسیان سورت در روز ارد و ماه فروردین آئین دینی بجا آورده میشود و آفرینگان میخوانند.

در گزارشی که دکتر اسپونر باستان شناس انگلیسی از کاوشهای پاتالی پوترا پایتخت آشوکا داده است نوشته شده است که نفوس بیشمار زرتشتیان و مغان در شمال هند از بهار تا پنجاب و پیشاور گسترش دارد.

استان گجرات در یک هزار و پانصد سال پیش بوسیله یک خاندان ایرانی بنام گورجره^۱ گشوده شده بود و زبان آنها در زبان محلی بنام پراکریته^۲ شاخه ای از زبان سنسکریت مستحیل گشت و آن زبان نیز با واژه های پارسی غنی تر شده و زبان گجراتی پدیدار گردید که امروز زبان استان گجرات است و پارسیان نیز آنرا بجای زبان مادری پذیرفته و آثار گرانبهائی در ادب و فرهنگ و حتی ایران شناسی در این زبان از خود بیادگار گذاشته اند. پارسیان در زبان سنسکریت نیز اثرهایی نگاشته اند و آن از جمله ترجمه اوستا است.

شاعر نامدار گجراتی نیز یک نفر پارسی است بنام خبردار و مهماتما گاندی هنگام ورود به بمبئی پیوسته بدیدن اومیرفت و نخستین چاپخانه زبان گجراتی را یک تن پارسی بنام موبد فریدون مرزبان در هند پدید آورد.

پیش از تازش تیمور بهندوستان ایرانیان و زرتشتیان بسیار در شمال هند بودند بنابر نوشته شرف‌الدین علی یزدی در ظفرنامه تیموری امیر تیمور در حمله به هند هزاران زرتشتی را که باتفاق مسلمانان و هندوان از هند دفاع میکردند بکشت و نابود کرد.

ابوریحان بیرونی در تحقیق ماله‌هند مینویسد پیش از اسلام نواحی هند غربی بدین زرتشتی بودند.

ما از دویست و پنجاه سال پیش از تازش تیمور به هند و کشتار خونین باشندگان آن دیار آثاری از زندگانی زرتشتیان و پارسیان در اوج در دست داریم.

گفتیم مسافرت زرتشتیان به هند بتدریج صورت گرفته و بیشتر برای بازرگانی و جهانگردی بوده است بطور مثال موبد رستم مهربان پس از سال‌های ۱۲۶۹ میلادی از ایران رهسپار هندوستان گردیده و در آنجا بکار نوشتن کتاب‌های دینی پرداخت و کتاب ویسپرد را در سال ۱۲۷۸ میلادی استنساخ نمود.

باید بخاطر داشت که تا سده ۱۵ میلادی زرتشتیان نواحی خراسان نك تك بگجرات رهسپار شده و پارسیان آنجا با پارسیان خراسان رفت و آمد داشته‌اند اما زرتشتیان یزد و کرمان از وجود پارسیان در هند برابر خبری که از نامه مورخ ۹۱۶ هجری قمری آنان برمیآید بیخبر بوده‌اند.

بگفته دکتر وست^۱ در نامه خود بمنوچهر جی بها لنجی کوتر: «... برابر

» اخباری که در دست است تا سده ۱۳ میلادی نفوس زرتشتیان

» در ایران فراوان بوده و همه در نهایت آرامش زندگی

» میکردند. در حالی که پارسیان و همدینان آنها در هندوستان

« و در غربت در تکاپوی زندگی میکوشیده‌اند. »^۱

مسافرت زرتشتیان بهند دسته‌جمعی و عنوان مهاجرت رانداشته است چنانکه خانواده ملافیروز دانشمند معروف پارسی و مؤلف چندین کتاب پیارسی منظوم از شهر سهرورد خراسان بهند مسافرت نمودند و در آن سرزمین اقامت گزیدند. بنظر میرسد در سده ۱۶ میلادی وقایعی پیش آمده که زرتشتیان خراسان بسوی یزد و کرمان کوچ نمودند. بنابراین پارسیان هند برای رفع اختلاف و حل مسائل دینی میان خود در سال ۸۵۶ خورشیدی چاپاری با نامه به یزد گسیل میدارند.

پس از برقراری مکاتبات میان زرتشتیان یزد و کرمان و زرتشتیان سورت و نوساری مسافرت افراد زرتشتیان ایران بقصد بازرگانی بهند آغاز میگردد و آنان در ضمن حامل نامه‌هایی بوده‌اند.

در سال ۱۰۰۱ هجری قمری دستور نوشیروان کرمانی بنا بدعوت جلال‌الدین اکبرشاه بهند و پایتخت او آگره رفت و در دربار بیاری میرجمال‌الدین آنجو نگارنده فرهنگ جهانگیری بنگارش واژه‌های مصطلح زرتشتیان پرداخت و در سال ۱۰۰۵ هجری قمری بایران بازگشت و بمراکز پارسیان رفت وی در مولتان نامه‌ای بدستور قیام‌دین پدم بهروچی می‌نویسد.^۲ یکی دیگر از بزرگان زرتشتی ایران که بدعوت اکبرشاه بهند رفت دستور آذرکیوان صاحب‌دل و سروشاور «قطب‌الاقطاب» از مردم اصفهان بود که از عرفای بزرگ و پیر و مکتب خسروانی بود که شیخ اشراق در حکمت الاشراق اشاره کرده است او بهنگام ورود بهند پتنه کنونی را که عظیم‌آباد نام داشت محل اقامت خویش قرارداد و با آگره پایتخت نزدیک نگردید ولی رساله‌ای نوشته بدربار فرستاد که بگفته صاحب دبستان‌المذاهب :

۱ - فرزاقان زرتشتی ص ۸ - ۹

۲ - فرزاقان زرتشتی ص ۶ - ۳۵۵

« نامه‌ها با ذکر کیوان که سرکرده یزدانان و آبادیان بود نبشتند و او را بهند طلبیدند . آذر کیوان از آمدن عذر خواست و نامه‌ای از تصانیف خود فرستاد در ستایش واجب الوجود و عقول و نفوس سموات و کواکب و ناصر و در نصایح پادشاه مشتمل بر چهارده جزو اول هر سطر آن پارسی بحت‌دری بود و اگر تصحیف آنرا میخواندند عربی میشد، چون قلب میکردند ترکی بود. چون تصحیف آن میخواندند هندی میگشت نواب علامی شیخ ابوالفضل اعتقادی تمام با ذکر کیوان داشت .»

دستور آذر کیوان در هند بارشاد مردم پرداخت و بجز زرتشتیان گروهی انبوه از مسلمان ، هندوان و نصارا و مریدان او بودند که بمقامات عالیہ عرفان رسیده بارشاد پرداختند مولانا شبلی نعمانی مورخ دانشمند هندی عصر حاضر مینویسد :

« بسیاری از دانشمندان و فضیلاى اسلام در زمره شاگردان و موبدان آذر کیوان داخل گشته و بشاگردی او مباهات میکردند و چون آذر کیوان موحد و صوفی مشرب و عالیمقام بود مراتب سلوک را نزد او پایان رساندند .»

موجب شگفتی نیست اگر گفته شود میرزا ابوالقاسم میر فندرسکی و میر محمدباقر داماد و شیخ بهاءالدین عاملی از صحبت آذر کیوان کسب فیض نموده‌اند بگفته صاحب دبستان المذاهب میر ابوالقاسم فندرسکی بهند رفت و در مصاحبت آذر کیوان بود و خوردن گوشت را ترك نمود .

یکی از پیشوایان پارسی هند که بنا بدعوت اکبرشاه برای شرکت در مباحثات عبادتخانه از نوساری بدربار رفت دستور مهرجی رانا^۱ بود که نفوذ کلام و اثرات اوستا و آموزشهای زرتشت پیامبر ایران را بشاه گوشزد نمود .

چنانکه برپادشاه مؤثر افتاد و مراسم چندی را از زرتشتیان پذیرفت و آتشکده‌ای در کاخ خود بنا نهاد و تقویم و جشنهای زرتشتیان را از جمله نوروز، مهرگان، آذرگان، فرودینگان، دیگان، تیرگان و غیره را در کشور خود رسمی نمود و تقویم عربی و تعطیلات اسلامی را منسوخ کرد^۱ و این آئین تا زمان پادشاهی شاهجهان باقی بود و اکبر شاه زمین‌های بسیار بعنوان تیول بدستور مهرجی رانا ارزانی داشت. اما اورنگ زیب این رسوم را بهم زد.

وقتی اورنگ زیب پرداخت جزیه را دوباره بر هندوان واجب کرد رستم جی مانگ از بزرگان پارسی در نوساری جزیه تنگدستان و بینوایان را از کیسه خود پرداخت.

دسته کوچک پارسیان که پس از ساسانیان بنا به پیش‌بینی برای حفظ دین بهند رهسپار شده و در سنجان اقامت گزیدند و کم‌کم بوسیله مسافرت افراد شماره آنها روبه فزونی گذاشت در سال ۸۶۹ خورشیدی بگفته دستور بهمن کیقباد سنجانا صاحب قصه سنجان هنگامی که سپاه سلطان محمود بایقرا^۲ پادشاه گجرات بسرداری الف‌خان بر ارتش فرمانروای سنجان حمله نمود دو شادوش هندوان بدفاع ایستادند و یک هزار و چهار صد نفر جوان پارسی بسرکردگی اردشیر برابر ارتش اسلام ایستادگی نمودند. هندوان هزیمت یافتند و گروه پارسیان را تنها گذاشتند. اردشیر با ۲۰۰ تن از جانبازان خود در میدان پیکار حمله میکرد تا پارسیان شهر بازن و فرزندان و آتش مقدس که پس از ورود بهند تقدیس نموده و بیاد پادشاه ایران بنام «ایران‌شاه» نامور ساخته بودند خود را بمامنی رسانند.

۱ - تقویم پارسی ایران تا سقوط حیدرآباد دکن در سال ۱۹۴۸ در حکومت نظام رواج داشت.

۲ - Baigra

کلیه سربازان پارسی در میدان رزم جان باختند، سنجان غارت شد بار و بنه پارسیان و خانه وزندگی آنان و کتابهای دینی هر چه داشتند نابود گردید. بازماندگان و آتش مقدس در پناه کوه بهاروت و غار آن درهشت میلی سنجان بسلامت ماندند. آتش مقدس چندی در بانسده^۱ و سپس مدت سیصد سال در توساری نگهبانی شد و سرانجام به شهر اودواده برده شد و اینک در آن شهر همچنان فروزان است.

بگفته‌خان بهادر پاتل صاحب پارسی پراکش «حمله بر سنجان شالوده دینی پارسیان را متلاشی کرد و بسیاری از کتابهای دینی خود را از دست دادند و اوستا و آثار پهلوی را بتدریج از یاد بردند. موبدان شهرهای مختلف در بسیاری از سنن و مسایل دینی بایکدیگر اختلاف نظر پیدا کردند و چون از حل آن عاجز ماندند به برادران دینی خود که در ایران بودند متوسل گردیدند و چارهای ویژه پارسشهای دینی بسیار به یزد فرستادند. موبدان ایران پاسخ پرسشها و کتابهای خطی دینی را برای آنها بازفرستادند.

زرتشتیان در ایران نیز وضع خوبی نداشتند چنانکه زرتشتیان ایران در نامه خود پارسیان سورت و توساری در آبان ۸۵۷ خورشیدی از نابسامانی‌های خود در ایران چنین یادآور میشوند:

«بدانند در روزگاری که گذشته است از کیومرث تا امروز هیچ روزگار سخت‌تر و دشوارتر از این هزاره نبوده است نه از دوره مضحاک تازی و نه افراسیاب و نه تور جادو و نه اسکندر رومی که دادار اورمزد میگوید که این کسان گران گناه تراند و از هزاره سر که اورمزد گفته است که ۸۵۷ سال گذشته است این پیش‌ترین روزگار بتر نبوده است».

یکی از زرتشتیان برجسته که دانشمندان اوستا و پهلوی و ایران‌شناسی

باید مرهون کوشش های او باشند مویده جاماسب حکیم کرمانی معروف به ولایتی است که بسال ۱۱۰۰ خورشیدی بیندرسورت رفت بنابر نوشته صاحب پارسی پراکش خان بهادر بهرامجی پاتل کوششهای او در رفع اختلاف های جماعت پارسی که بواسطه تعصب های نادانان کار بجداال انجامیده بود بسیار سودمند افتاد او از بازرگانی گذشته میدانست علت اصلی اختلافها ، جهالت عوام و نادانی پیشوایان از رسوم و سنت های دینی است. بنابراین برای اصلاح اینکار سه مویده باهوش را از شهرهای مختلف پارسی نشین گجرات . برای آموزش برگزید و در تربیت آنان کوشش نمود.

دستور داراب پور هیرید کومان^۱ ساکن سورت، دستور جاماسب ، جاماسب آسا ساکن نوساری و دستور دیگری از بروج با احتمال قوی دستور فریدون پور دستور کامدین از شاگردان او بودند که اوستا و تفسیر پهلوی آنرا از و یاد گرفتند . انکتیل دوپرون فرانسوی از دستور داراب شاگرد دستور جاماسب ولایتی اوستا و پهلوی آموخت و باروپا برگشت و بترجمه اوستا پرداخت و از آن پس ایران شناسی با ترجمه اوستا و متن های پهلوی در اروپا رواج یافت .

کتابهای دینی اوستائی، پهلوی، پازند و فارسی موجود میان زرتشتیان ایران پیش از مسافرت دستور جاماسب بهند وسیله چاپارهایی پیاریان نوساری و سورت فرستاده شده بود. مگر کتاب پهلوی دینکرد که آنرا نیز بهدین ملا بهرام ستاره شناس بسال ۱۲۶۲ خورشیدی باخود به هندوستان برد . همین کتابهاست که بعدها مورد استفاده ایرانشناسان قرار گرفت .

بنابر آنچه گذشت شمار پارسیان هند بر اثر پیشامدهای ناگوار گذشته از آنکه کاهش یافت آنها بسیاری از وظائف دینی خود را هم فراموش کردند و کتابهای دینی را از دست دادند سپس زرتشتیان ایران مسائل دینی و اوستا و

پهلوی را بآنها یاد دادند و کتابهای دینی موجود میان خود را برای آنها فرستادند . بعدها بر اثر فشار و ستم بسیار که از دوره سلطنت صفوی تا اواخر سلسله قاجار بر آنها وارد آمد کلیه کتابهای دینی و قسمت مهمی از نفوس خود را از دست دادند و از علم و ادب و خواندن و نوشتن بی بهره گردیدند^۱ و تا مدت زمانی حق آموختن نداشتند . چنانکه اگر نخستین دسته کوچك پارسیان پس از انقراض ساسانیان بهند مسافرت ننموده بودند این بخش از کتابهای اوستا و پهلوی امروز هم در دست ما نبود و شاید شماره اندك زرتشتیان نیز بر جا نماند . بنا بر این پیش بینی نخستین دسته کوچك زرتشتیان که برای نگهداری دین به هند مسافرت نموده بودند بحقیقت پیوست . صاحب دبستان المذاهب در گفتاری در باره پارسیان و زرتشتیان بسیار که در سراسر شمال هند از پته تا آگرا و لاهور و کشمیر تا کاشغر هستند سخن گفته و نام برخی از آنان را میآورد .

روانشاد مانکجی الیمجی هاتریا^۲ بسال ۱۸۵۳ میلادی از سوی انجمن پارسیان بمبئی برای رسیدگی بکارها و یاوری و بهسازی همدینان خویش در ایران اقدام در رفع بارسنگین و روانکش جزیه رهسپار ایران گردید و بحال بدبختی زرتشتیان اندکی سرو صورت داد و پس از سی سال کوشش خستگی ناپذیر او مالیات جزیه ملغی گردید و بادریافت فرمان دولتی و فتوای مجتهدان وقت دبستانهایی برای آموزش و تربیت جوانان زرتشتی در تهران ، یزد و کرمان برپا شد . خدمات مانکجی در ایران نسبت به زرتشتیان و فرهنگ آنان بسیار مهم بود و براستی او نجات دهنده زرتشتیان بشمار است^۳ .

بر اثر راستی و درستکاری و کوشش در داد و ستد و داد و دهش پارسیان

۱ - فرزنانگان زرتشتی ص ۱۵-۱۷ دیده شود .

۲ - Manekji Imji Hateria

۳ - فرزنانگان زرتشتی ص ۶۱۷ .

در هندوستان شهرت جهانی یافتند و زیر پرچم پادشاهان هندو و اسلام و پرتغال و انگلیس همیشه از اتباع وفا دار بوده و بدولت و میهن خویش خدمت میکرده اند . شیواجی پیشوای مراته در حدود ۳۰۰ سال پیش شهر سورت حمله برد و آنرا غارت کرد . رستم جی مانک از بزرگان زمان با پرداخت مبلغ گزافی به شیواجی اموال پارسیان را از چپاول نجات داد و با مساعی خویش جزیره پارسیان را لغو کرد و چه بسا که جزیره هندوان شهر خویش را نیز از جیب پرفتوت خویش به مسامانان میپرداخت .

* * *

دولت انگلستان جزیره بمبئی را حدود ۳۰۰ سال پیش با جاره شرکت هند شرقی داده بود . در آن اوان افسری از سوی آنها بادره امور جزیره میپرداخت بیشتر مردم آن ماهیگیر بودند و شماره اندکی از پارسیان نیز بآن جزیره رفته بودند و با شرکت بداد و ستد میپرداختند .

گروهی از دزدان دریائی بنام قبیله سیدهی^۱ بآن جزیره حمله برده سربازان شرکت هند شرقی^۲ را شکست دادند و آنان راه فرار پیش گرفتند پس از چندی یکی از ساکنان پارسی بمبئی بنام رستم جی پتل که جوانی دلاور بود دسته ای از ماهیگیران محل را گردآوری کرده بر سر مهاجمان ریخته و آنها را از بمبئی بیرون کرد و قضیه را با گاهی شرکت رسانید و تا آمدن افسری از سوی آنها که دو سال طول کشید فرمانروای آندیار بود .

پارسیان گذشته از کشاورزی و بازرگانی پیشاهنگ صنایع هندوستان نیز بوده اند . لاوجی وادیا^۳ از کشتی سازان بنام هند بود . در حدود ۲۵۰ سال پیش در بمبئی بکشتی سازی پرداخت کشتیهای او از کشتیهای ساخت انگلستان نیز پردوام تر بود . حتی شرکت هند شرقی نیز سفارش ساختن کشتیهای جنگی خود را با و میداد فرزندانش نیز کار و پیشه پدر را دنبال نمودند و امروز خیره بزرگی از وادیا

در بمبئی هست . سرجمشید جی جی باهای^۱ در ۱۵۰ سال پیش باکشتیهای خود
ببازرگانی چین پرداخت و ثروت هنگفتی بدست آورد . نخستین بیمارستان
هند را که اینک دانشکده پزشکی است در بمبئی بنیاد نهاد . بعلاوه خیریه‌های
بسیار ودستان‌ها ودیرستان بیشمار و آتشکده‌هایی در بمبئی و روستا کهای
پارسی نشین گجرات بنانمود . ساختمانهای باکرایه ارزان برای بینوایان پارسی
و بودجه‌ای برای چاپ و انتشار کتابهای دینی مزدیستی بر قرار ساخت .
ویکتوریا ملکه انگلستان او را بلقب بارون مفتخر ساخت و وی نخستین
هندیست که باین افتخار سرافراز گردید . عموم مردم هند نامش را باحترام
یاد میکنند . خیریه‌های او بی‌رعایت دین و مذهب و ملیت بهمه مردم جهان
تعلق دارد .

پارسیان در صنایع هند بویژه بافندگی پیشاهنگ بوده‌اند سردیشاه
پتیت^۲ صد و ده سال پیش بزرگترین کارخانه ریسندگی و بافندگی را در بمبئی
دایر ساخت . ناصرالدین شاه قاجار نیز از ایران برای وی که ریاست انجمن
بهسازی زرتشتیان ایران را عهده داشت نشانی فرستاد . پارسیان سهم بزرگی
در آبادانی جزیره بمبئی دارند تنها يك روز ۷۰ نفر هنگام عبور از دریا بآن
سوی بمبئی در دریا غرق شدند . بانوی سرجمشیدجی بافروش کلیه جواهرات
و پول‌پس‌انداز خود و دارائی خویش پلی بر روی دریا بساخت و جزیره بمبئی را
با خشکی وصل کرد این پل همچنان بر قرار است اما بیست سال پیش
شهرداری بمبئی آنرا پهن‌تر نمود . شوهر او نیز ببانوی خویش درساختن پل
کمک کرد چون جواهرات او کفاف هزینه ساختمان پل را نمیداد .

پیشوای صنعت ذوب آهن و کارخانجات تولید برق بوسیله نیروی آب
در هندوستان جمشیدجی نوشیروانجی تاتا می باشد . در تأسیس کارخانه ذوب آهن

میان طرفداران دولت وقت با رقیبان انگلیسی او اختلاف پیش آمد و اینکار با اشکالات و موانع بسیار روبرو شد ولی وی بر همه فائق آمد و امروز این کارخانه یکی از بزرگترین کارخانه‌های ذوب آهن جهان است. کارخانه بافندگی وی در ناگپور نیز بزرگترین کارخانه‌هاست. تاتا در کلیه صنایع هند سرمایه‌گذاری کرده و رهبری و پیشوایی دارد. شرکت هواپیمایی ایرایندیا را که اکنون ملی شده تاتا بنیاد نهاد و اینک نیز اداره امور آن با شرکت تاتا می‌باشد.

پارسیان در هند نخستین مردمی می‌باشند که هنگام تسلط انگلیسیها بر آن قاره به تحصیل زبان انگلیسی پرداختند و نخستین مردمی بودند که در تأسیس آموزشگاهها بویژه آموزشگاه دختران فعالیت نشان دادند. داداباهای-نوروزجی^۱ که در مجلس انگلستان و هم خارج برای آزادی هند فعالیت میکرد نخستین استاد هندی دانشگاه بمبئی است، و باتفاق نوروزجی^۲ فریدون‌جی و سهرابجی شاپورجی در آموزش دختران کوشش بسیار کرد و دختران پارسی نخستین دوشیزگانی در هند می‌باشند که با آموزشگاهها روی آوردند و زنان هندی را در فرا گرفتن دانش تشویق کردند.

در زمینه پهلوی واوستا و ایرانشناسی نام استادان پارسی حتی امروز نیز شهرتی بسزا دارد. چون تهمورس انکیلساریا و پسرش بهرام‌گور، مهرجی رانا، دستور سنجانا خورشید جی کاما^۳، سهراب بلسارا^۴، هیربد بهمن‌جی دهابر^۵ کنگا نگارنده فرهنگ اوستا دکتر جیوانجی مدی و شهریار جی بارو-چاو. پورداوود هنگام ورود بهند برای ترجمه اوستا از دهابر، بلسارا و

۱ - Dadabhoy Norouzji

۲ - واژه جی پسوندیست بمعنای آقا و مستر.

۳ - Cama ۴ - Bulsara ۵ - Dhabar

انکلیساریا بهره برداری بسیار نموده ، وی در پیشرفت کار خویش مرهون
مهربانی‌های روانشادان دینشاه ایرانی و سلیسترو پشوتن مارکار میباشد .

داداباهای نورزجی ازسوی حزب لیبرال انگلستان بعضویت مجلس
آن کشور برگزیده شد. مردم هند وی را پدر بزرگ هند لقب داده اند. زمانیکه
ریاست کنگره هند را داشت کوشش در تحصیل آزادی کامل شعار مردم هند
شد منوچهر جی بهاونگر^۱ پارسی دیگرست که از سوی حزب محافظه کار^۲ و
شاپور جی سکلت واله^۳ از طرف حزب کارگر عضو مجلس انگلستان گردیدند
باید بخاطر داشت که طبق قانون هندیان حق عضویت در مجلس انگلستان را
نداشتند اما پارسیان نامبرده از جانب حزبهای انگلستان بنماینده گی آنها انتخاب
گردیدند .

دینشاه ملا نخستین و آخرین تبعه هند است که بعضویت دیوان تمیز
انگلستان انتخاب گردید. کتابهای قانونی که او تألیف نموده است دردانشگاههای
هند تدریس میشود .

خیریه‌های هنگفت سردینشاه پتیت ، سر کاوسجی جهانگیر ، سر جمشید
جی جی باهای ، وادیا ، و تاتا بعلاوه خیریه‌های خصوصی برای استفاده عموم
مردم جهان میباشد و ویژه زرتشتیان نیست / ۷۵ درصد از سود کارخانه‌های
تاتا و خاندان او در راه کارهای خیر بمصرف میرسد . خیریه سرداراب تاتا
سهم کلانی برای پیدا کردن درمان سرطان اختصاص داده و یک بیمارستان
مجهز در بمبئی برپا داشته است .

پس از استقلال هند بسال ۱۹۴۷ میلادی پارسیان بواسطه استعداد و
لیاقت ذاتی خود مصدر کارهای مهم دولتی شده اند . چنانکه سر هومی مدی^۴

Saklatwala - ۳

Conservative - ۲

Bhawangar - ۱

Sir Homi Modi - ۴

استاندار بزرگترین استان بنام اوترپرادیش^۱ بود اسپي انجینر^۲ فرمانده کل نیروهای هند شد و برادرش منوچهر سمت معاونت همان مقام را داشت و اینک بازنشسته شده است ریاست کل ستاد ارتش هند نیز با جنرال سام مانکشاہ است .

در زمینه علم و صنایع جدید نام دکتر هومی بهابها^۳ را باید برد کدیک شخصیت جهانی است. صنعت اتم رادر هند وی ایجاد کرد و در خدمت کارهای عام المنفعه گماشت . بدبختانه در حادثه هواپیما در کنفرانس جهانی اتم در گذشت و دیگری دکتر کارخانه والاس و دیگر دستور دکتر دهالا^۴ که در پاکستان و هند نام بلندی دارد .

سرپرور شاه مهتا^۵ از وکیلان مشهور و شخصیت برجسته دیگریست در کارهای کشوری هند. شهرداری بمبئی نخستین شهرداری هندوستان در نتیجه مساعی وی در بمبئی ایجاد گشت . تندیس او اینک در برابر دروازه ساختمان شهرداری در میان شهر بمبئی برپاست . وی در کارهای قانونی کشور هند با استانداران و حتی نایب السلطنه هند همواره در جدال و پیکار بود و بسیاری از محرومیت‌های هندوان را از میان برد .

کتابخانه‌های مهم شهر بمبئی را پارسیان برپا داشته‌اند مانند کتابخانه پشیت ، کتابخانه ملا فیروز ، کتابخانه کاما و کتابخانه‌های کوچک دیگر . بسیاری از ساختمانهای امور خیریه را پارسیان بدولت هند اهدا کرده‌اند چون ساختمان موزه ، دانشگاه ، کالج و آموزشگاههای دیگر .

در آغاز سده هجدهم تعداد نفوس زرتشتیان در ایران یکمیلیون بود تا زمان ناصرالدین شاه به هفت هزار رسیدند اما اکنون جمعیت پارسیان در هند

Bhabha - ۳ Aspi Engineer - ۲ Uttra Pradish - ۱

Mehta - ۵ Dhalla - ۴

حدود صد هزار نفر میباشد که ۸۵ هزار نفر آن در بمبئی اقامت دارند. مراکز مهم دیگر پارسی در هندوستان عبارتست از بل سر ، احمد آباد ، نوساری ، اودواده ، سنجان ، بنگلور ، سورت ، بروچ ، باروده ، ناگپور ، کلکته ، دهلی ، سکندر آباد ، مدرس ، لکهنو و الله آباد . در کلیه بخشهای هند اگر شده یک نفر هم پارسی باشد بطور نمونه وجود دارد. پارسیان در شهرهای هند، پرستشگاه ویژه برای خود ساخته اند.^۱

جمعیت زرتشتیان در نقاط دیگر جهان عبارتست از: در ایران ۲۲ هزار پاکستان ۸ هزار، کانادا پنج هزار ، اروپا سه هزار و دیگر جاها و افریقا در حدود پنج هزار است .

آتشکده های بیشماری بنام آدریان در هند اینک فروزان است و شماره های آن در بمبئی و سورت در کتاب پرستشگاه زرتشتیان آمد است در هندوستان هشت آتش و هرام موجود است که از پرستشگاههای بزرگ زرتشتیان میباشد یکی آتش و هرام که بیاد شاهنشاه ایران بنام ایران شاه نامور است در شهر اودواده است و یکی در شهر توساری و دو دیگر در شهر سورت و چهارتا در شهر بمبئی. در ایران يك آتش و هرام در یزد میباشد که قدیمترین آتشکده زرتشتیان است .

پارسیان در شهر بمبئی ساختمانهای زیادی بنام باغ ویژه خودشان برپا کرده اند که برای سکونت با هزینه کم در اختیار زرتشتیان بینوا گذاشته میشود از آنهاست نوروز باغ، خسرو باغ، رستم باغ، زربائی باغ، خره گت کولونی^۲ و باغهای دیگر .

۱ - پرستشگاه زرتشتیان نوشته آقای رشید شهردان دیده شود .

۲ - Kharegat Colony

غارهای بودائی که در دل کوه کنده شده در هند بسیار است . یکی از
آن غارها بنزدیکی شهر کوهستانی لوناوله^۱ واقع است که گفته شد قسمتی
از آن بوسیله یکنفر ایرانی حدود یکهزار سال پیش درست شده است.^۲

۱ - Lonavala

۳ - در تنظیم این گفتار دانشمند پارسی رشید شهردان صاحب فرزنانگان زرتشتی
که از اهل صفا و عرفان نیز هستند و در استان مهاراشترا و راجستان و دکن در هند و
شیراز و اصفهان و تهران بامن همراه بودند یاریم نمودند .

تصوف و عرفان در هند

گذشته از آمیختگی تعالیم اوستائی و مزدیسنی در عقاید ودائی و برهمنی هند آثار دینی مهر و مانوی نیز در بسیاری از ادیان و مذاهب هند رسوخ کرده است. تصوف اسلامی که با عقاید مهری نزدیک است از جهاتی با ویدانت مخالف است. از سده اول هجری اسلام به هند راه یافت آثاری در دست است که از سده دوم هجری عده‌ای از مترجمان و قراء قرآن بهند راه یافته‌اند که ابو حفص بن صبیح الاسدی البصری یکی از تابعین و محدثان سده دوم از راه بلوچستان در سال ۱۶۰ هجری به هند رفت.

تأیید از سال ۳۴۹ و رفتن غزنویان بسرزمین هند اسلام در آن سرزمین گسترشی نداشت از آن زمان گذشته از گسترش دین اسلام تصوف و عرفان اسلامی ایرانی نیز در آن سرزمین گسترش یافت.

تعالیم اسلامی نیز وسیله ایرانیان در هند انتشار پیدا کرد تصوف و عرفان در هند و پاکستان رشد کرده است و اندیشه‌های وحدت وجود و فناء فی الله و ریاضات و تجرد و ترك دنیا همراه توحید و عدل و مساوات از تعالیم اسلامی و فلسفه‌های دیگر در تصوف هند راه یافت که گذشته از تعالیم مهر و مانوی

و بودا و پارامولکها یا برامکه که متمولیان نوبهار بلخ بودند در تصوف هند اثر گذاشته اند .

هنوز در بیشتر مدارس پاکستان و هند فقه اسلامی و عرفان و تصوف بزبان فارسی تدریس میشود در سدهٔ چهارم هجری حسین بن منصور حلاج بیضاوی از راه دریا بهند رفت و از راه پنجاب و کشمیر بعراق بازگشت . ابومعشر بلخی و ابوریحان بیرونی نیز از دانشمندانی بودند که به هند رفتند . در سده پنجم هجری امیر نورالدین از پیشوایان اولیه فرقه اسماعیلیه (بهره) باگروهی از پیروان خویش به گجرات رفت او از پیشوایان بنام بهره یا یوهره است که بهندی بمعنی بازرگان است که چون بصورت بازرگانانی به آن دیار رفتند باین نام معروف شدند آنها با اسماعیلیه از یک منشأ هستند ولی پیرو محمد المهدی بن عبدالله از اخفاد اسماعیل بن جعفر صادق (ع) می باشند . چون غزنویان بهند رفتند لاهور مرکز حکومت غزنوی شد ابوالحسن علی بن عثمان جلابی هجویری (۴۰۰ - ۴۶۹ هجری) معروف به داتا گنج بخش در زمان غزنویان از ایران به لاهور رفت او صاحب کشف المحجوب در طبقات صوفیه و دیوان شعر فارسی است و آرامگاهش در لاهور زیارتگاه اهل عرفان است از آن زمان تاکنون در هند و پاکستان زبان تصوف و عرفان زبان فارسی شد . در اواخر سده ششم هجری نیز گروهی از مشایخ صوفیان از ایران رهسپار دیار هند شدند و بدربار سلطان شهاب الدین غوری رو آوردند خواه معین الدین چشتی از چشت سیستان در سال ۵۸۰ هجری از لاهور باجمیر رفت و بارشاد پرداخت .

معین الدین ۹۷ سال عمر کرد و در ۶۳۳ هجری در گذشت و سرسلسله فرقه چشتیه است مزار او در اجمیر زیارتگاه بزرگ صوفیان است .

عثمان مروندی از متصوفان بزرگ از مرند بهند رفت و بنام لال شهباز قلندر معروف شد و در مرکز علمی آن زمان در سیوهن اقامت کرد و در

۱۲۵ سالگی در ۶۵۵ هجری در گذشت شعر صوفیانه می سرود و آرامگاه او زیارتگاه است .

شیخ بهاء الدین زکریا مولتانی (۵۴۱-۶۵۶ هجری) از شیوخ سهروردیه به ملتان رفت و سلسله سهروردیه را در هند تشکیل داد و این فرقه در زمان او رواج یافت - کنوز الفوائد از تقریرات اوست آرامگاهش در ملتان زیارتگاه است .

خواجه قطب الدین بختیار کاکی که زادگاه او اوش از توابع اندجان - ورارو دبود بهندرفت مدتی در مولتان بود و در سال ۶۳۴ هجری در دهللی در گذشت او از پیروان معین الدین چشتی بود و مریدی داشت بنام خواجه فرید الدین گنج شکر که در ۹۳ سالگی در ۶۳۴ هجری در گذشت و صاحب تالیفاتی است و او مریدی داشت بنام شمس الدین ترک که گویند قرآن بسیار خوش میخواند شیخ فرید الدین گنج شکر (۵۸۳-۴۸۷ هـ) خواهرزاده ای داشت بنام شیخ علاء الدین صابر که او را خلیفه دانسته و شمس الدین نیز از مریدان علی احمد صابر بود شیخ جمال الدین گیلی قزوینی (محدث) نیز در سده هفتم هجری به هند رفت او از مبلغان اسماعیلیه بود . نظام الدین اولیا نیز از پیروان فرید الدین گنج شکر بود فرقه نقشبندیه وسیله خواجه باقی بالله و شیخ احمد دربندی رواج یافت .

میر سید علی همدانی ملقب به علی ثانی معروف بامیر کبیر (۷۸۶-۷۱۳ هـ) در اواخر سده هشتم هجری با گروهی از علویان همدان به کشمیر رفت و خانقاهی برپا داشت که بنام خانقاه معلی معروف شد .

بسیاری از عارفان و صوفیان بزرگ دیگر هستند مانند رفیع الدین شیرازی ، حکیم ابوالفتح گیلانی شیخ جلال الدین تبریزی - سید اشرف جهانگیر سمنانی ، میر فتح الله شیرازی ، قاضی نور الله شوشتری (شهید) ملا شاه بدخشی سید علی شیرازی معروف به مکی مدنی ، حکیم فتح الله شیرازی ، شیخ محمد علی

۱ - تاریخ فیروزشاهی در باره زندگانی آنان دیده شود .

حزین اصفهانی و بسیاری از عرفا و شرعای عارف و متصوف که بهند رفته‌اند و بسیاری از عرفا و متصوفه درهند تربیت یافتگان آنان هستند خواجه نظام‌الدین اولیا معروف به محبوب الهی که از پیروان معین الدین چشتی بود و مرشد خسرو دهلوی بود نظام‌الدین چهار صد خلیفه داشت و صابر يك مرید و معروفست صابر گفته موقعیکه شمس من طلوع کند ستارگان تو همه افول میکنند نظام‌الدین اولیا پیشوای فرقه‌چشتیه نظامی بود که هنوز سلسله او برجاست و صابر پیشوای سلسله چشتیه صابری ، فرید الدین گنج شکر مراد صابر و نظام‌الدین اولیا بود و مرید خواجه بختیار کاکی نخستین خلیفه معین الدین چشتی بود آرامگاه فرید الدین در شکر گنج است و آرامگاه صابر در کلیار شمالی هند .

آرامگاه آنها در دهلی زیارتگاه است . از عارفان و صوفیان دیگر شیخ شرف‌الدین سید جلال الدین بخاری بوعلی قلندر از معاصران جلال‌الدین خلجی بود و خواجه نظام‌الدین اولیا محمد بدایونی صاحب مثنوی کنزالاسرار و خواجه نصیر الدین محمود معروف بشاه چراغ و سید محمد گیسو دراز بنده نواز که در دهلی بسال ۷۲۱ بدینا آمد و در گلبرگه دکن در گذشت .

با آنچه که بطور اجمال از عرفا و متصوفان بزرگ درهند و پاکستان نام برده شد گفته شد زبان تصوف درهند فارسی بوده و بسیاری از پیشوایان به فارسی شعر سروده و مثنوی‌های عارفانه و صوفیانه‌ای برجا گذاشته‌اند یا کتابهایی برشته تحریر آورده‌اند.

بیشتر سلسله‌های صوفیه در هند از سلسله قادریه ، چشتیه و نقشبندیه و سهروردیه منشعب میشود بقرار زیر : اگرچه دو سلسله چشتی و نقشبندی به سلسله مجددیه پیوستند .

سلسله‌های تصوف در هند

نام سلسله	نام سر سلسله	جای مزار	سال وفات هجری
قادریه	حضرت شیخ عبدالقادر گیلانی	بغداد	۵۶۱
چشتیه	» خواجه معین الدین چشتی سیستانی	اجمیر	۵۳۳
نقشبندیه	» پیر محمد	قصر عارفان	۷۹۹
سهروردیه	» شیخ شهاب الدین سهروردی	بغداد	۶۰۲
رفاعیه	» سید احمد الکبیر رفاعی -- (خواهرزاده شیخ عبدالقادر گیلانی)	بغداد	۵۷۶
الوانیه	حضرت شیخ الوان	جده	۱۴۹
ادهمیه	» شیخ ابراهیم ادهم بلخی	جبل بسطام	
بسطامیه	» بایزید بسطامی	بغداد	۲۱۶
سقطیه	» شیخ میری سقطی	خوارزم	۳۹۵
کباریه	» » نجم الدین کبری	مکه	۶۱۷
شاذلیه	» » ابوالحسن شاه ذلی	قونیه	۶۵۶
مولویه	» مولانا جلال الدین رومی	تنتا صره	۶۷۲
حدادیه	» ابوالفتان احمد	دمشق	۶۷۵
سعدیه	» سعد الدین	گیر شیر	۷۳۶

نام سلسله	نام سر سلسله	جای مزار	سال وفات هجری
بختائیه	حضرت شیخ حاجی بخت شاه	قیصریه	۸۰۰
خلوتیه	» » عمر خلوتی	کوفه	۸۳۳
زینیه	» » زین الدین	ایدر بانو پل	۸۷۰
هابیه	» » عبدالغنی	انگوره	۸۷۶
اشرافیه	» » حاجی بهرام	چیزنی	۸۹۹
اشرفیه	» » اشرف رومی	حلب	۹۰۱
بکریه	» » ابوبکر رفاعی	قسطنطنیه	۹۳۶
سلاطیه	» » سینی هلاوی	قسطنطنیه	۹۳۶
گلشنیه	» » ابراهیم گلشنی	قاهره	۹۴۰
اگست باشیه	» » شمس الدین	گلشنیه	۹۵۱
ام منیه	» » امام سنن	قسطنطنیه	۹۵۹
جلوتیه	» » پیر اقتادی	بروسه	۹۸۸
شمسیه	» » شمس الدین	مدینه	۱۰۱۰
سنن امیه	» » حلیم سنن	الوال	۱۰۷۹
نیازیه	» » محمد نیاز	مقمور	۱۱۰۰
مرادیه	» » مراد شامی	قسطنطنیه	۱۱۳۲
نوالدینیه	» » نور الدین	قسطنطنیه	۱۱۴۶
جمالیه	» » جمال الدین	قسطنطنیه	۱۱۶۴
مجددیه	» » احمد فاروقی معروف بمجدد	سرهند	۹۵۰
الف ثانی			
باقیه	حضرت شیخ خواجه باقی بالله فانی فی الله	دهلی	۹۶۴
اسباقیه	» » حسن الدین	مدینه	۱۰۱۰

مشایخ سلسله نقشبندیه مجددیه

در نیمه دویم سده ششم هجری طریقه نقشبندیه وسیله خواجه بهاء الدین محمد بن بخاری معروف به محمد بخاری نقشبند متوفی در دوشنبه سوم ربیع الاول ۷۹۱ هجری در ورارود رواج یافت .
اکنون شجره نقشبندیه بترتیب :

حضرت محمد مصطفی (ص) - ابوبکر صدیق - سلمان فارسی - امام قاسم بن محمد بن ابوبکر - امام جعفر صادق - بایزید بسطامی - خواجه ابوالحسن خرقانی - خواجه ابوالقاسم گرگانی - خواجه ابوعلی فارمری - خواجه ابو یوسف همدانی - خواجه عبدالخالق غجدوانی - خواجه عارف ریوگری - خواجه محمود انجیر فغنوی - خواجه عزیزان علی رائینی - خواجه محمد باباسماسی - سید امیر کلال - خواجه بهاء الدین نقشبندیه - خواجه علاء الدین عطار - خواجه یعقوب چرخ - خواجه عبدالله احرار - خواجه مولانا محمد زاهد - مولانا محمد درویش - خواجه مکی محمد امکنگی - خواجه باقی بالله مجدد الف ثانی - شیخ احمد سرهندی - خواجه محمد معصوم - شیخ سیف الدین - حافظ محمد حسن - سید نور محمد بدایونی - مرزا مظهر جانجانان شهید - شاه عبدالله معروف بگرام علیشاه (سلسله نقشبندیه ایران از اوست) شاه سعدالله - محمد نعیم مسکین شاه - خواجه محمد حسین - شاه عبدالله پتن در عصر حاضر .

مشایخ سلسله قادریه

حضرت محمد مصطفی (ص) - علی کرم الله وجهه - امام حسن ع - امام حسین ع - امام زین العابدین ع - امام محمد باقر ع - امام جعفر صادق ع - امام موسی کاظم ع - امام علی بن موسی الرضا ع - معروف کرخی - سری سقطی - جنید بغدادی - ابوبکر شبلی - عبدالعزیز تمیمی - عبدالواحد بن عبدالعزیز تمیمی - ابوالفرج طرطوسی - ابوالحسن هنکاری - ابوسعید مبارک مخزومی - محبوب سبحانی - شیخ عبدالقادر جیلانی - سید عبدالرزاق - شرف الدین قتال - سید عبدالوهاب - سید بهاء الدین - سید عقیل - سید شمس الدین صحرائی - سید گدا رحمن اول - سید ابوالفضل - شمس الدین عارف - سید گدا رحمن ثانی - سید شاه فضل - سید شاه کمال کیتھلی - شاه سکندر - مجدد الف ثانی در سنه ۱۰۳۴ هـ بود .

مشایخ سلسله چشتیه صابری

محمد مصطفی ص - علی کریم الله - خواجه حسن بصری - خواجه عبدالواحد بن زید - خواجه فضیل بن عیاض - خواجه سلطان ابراهیم ادهم - خواجه حذیفه المرعشی - خواجه هبیره البصری - خواجه ابواسحق چشتی - خواجه ابواحمد ابدال چشتی - خواجه ابو محمد چشتی - خواجه ابویوسف چشتی - خواجه قطب الدین مودود چشتی - حاجی شریف زندنی - خواجه عثمان هارونی - معین الدین چشتی - خواجه بختیار کاکی - فریدالدین گنجشکر (از اینجا سلسله دوشعبه میشود شعبه صابری و شعبه نظامی) حضرت مخدوم صابر - شمس الدین ترک پالی پتی - شیخ جلال الدین پالی پتی - شیخ عبدالحق رود هلوی - شیخ محمد عارف - شیخ عبدالقدوس گنگوهی - شیخ رکن الدین - شیخ عبدالاحد - مجدد الف ثانی ...

این سلسله ها از هند است مجدد الف ثانی از دو سلسله اجازت داشت صورت مشایخ این سلسله ها از اینجا ببعد فرق میکند و باز شعبه شعبه میشود . از صورت سلسله های تصوف خواهید دید که از این سه سلسله منشعب شده اند . اکنون شش فرقه معروف :

۱ - فرقه چشتی که بدو سلسله چشتیه نظامی و چشتیه صابری تقسیم میشود ذکرشان لسانی است .

۲ - فرقه نقشبندی که در ایران امروز معروف است و ذکرشان قلبی و بادل است .

۳ - قادری (قادریه یا غوثیه)^۱ که ذکرشان انفاسی است .

۴ - سهروردی که ذکرشان سمعی است .

۵ - کبروی که ذکرشان سری است .

۶ - رفاعیه که ذکرشان لسانی است .

بطور کلی ذکر صوفیه : لسانی ، سمعی ، قلبی ، سری ، روحی یا انفاسی است .

برخی از مذاهب و فرقه‌های دیگر در هند پیدا شده که براساس تصوف ایرانی و اسلامی بوده است مانند طریقه مذهب فلسفی بهکتی^۲ که براساس یگانه‌پرستی و احترام به فرقه‌ها و مذاهب است بویژه باسلام که وسیله کبیر یکی از مسلمانان درست شده براساس برابری و برادری است . مذهب دیگر مذهب سیک است که پیشوای آنان گرونانک^۳ در سال ۱۵۳۳ میلادی در گذشت کتاب دینی آنها گرانث صاحب است آنان خرافات را از آئین هند و بیرون ریخته و تعصب را کنار گذاشته و خداشناسی و مساوات را برگزیده‌اند و گرانث صاحب به اسلام احترام میگذارد آنان پیشوایانی دارند و عقایدی از اسلام و آئین هندو انتخاب کرده‌اند. پیش از این گفته شد که سیکها پنج اصل را رعایت می کنند .

گرونانک را پسانتر سیک نامیده‌اند. مذاهب دیگر مانند عقاید دادو،

۱ - جون شیخ عبدالقادر گیلانی را غوث اعظم میخواندند .

۲ - Bhakti - ۲ ۳ - Grux Nanak

رامداس، میترا بای و چینایا میدانیم که اکبر شاه با مطالعه در مذاهب مذهبی الهی درست کرد و جزیه را از هندوان برانداخت .

مقدمات نفوذ اروپائیان در هند

پس از واسکودوگامای پرتغالی که در سال ۱۴۹۸ میلادی به بندر کالیکوت هندوستان قدم گذاشت از آن پس کشورهای استعماری یکی پس از دیگری روبه هند نهادند. در سال ۱۶۰۹ میلادی یک افسر انگلیسی بنام هاو کینس^۱ نمایندگی از طرف یک شرکت انگلیسی بدربار جهانگیر رفت و از پادشاه خواست بکمپانی هند شرقی اجازه دهد دفتر بازرگانی و نمایندگی در بندر سورت بگشاید ولی با مخالفت بازرگانان پرتغالی و سورتی روبرو شد اما در سال ۱۶۱۳ پس از شکست نیروی دریائی پرتغالیها از انگلیسیها شاید بتوصیه و سفارش شاه عباس کبیر جهانگیر اجازه داد انگلیسیها کارخانه و تعمیرگاه کشتی و دفتر بازرگانی در بندر سورت ایجاد کنند. پس از این موفقیت پای انگلیسیها به هند باز شد و سفیر مبادله گشت .

در زمان حکومت بابریان پس از جهانگیر اسلام پیشرفت شایان کرد و میتوان گفت کشور هند و پاکستان زیر لوای اسلام و زبان و فرهنگ فارسی وحدتی یافت ولی باید گفت اورنگ زیب آخرین پادشاه مقتدر و با کفایت اسلامی هند بود و پادشاهان دیگر پس از وی رو بضعف نهاده راجه های هند و سیکها (گروها) فرصت یافته در سراسر هند حکومت های خانخانی برپا کردند و هر یک برای خود دربار و سپاهیان درست کردند و با حکومت مرکزی بنای مخالفت گذاشته دم از استقلال زدند .

دولت های استعماری پرتغال و هلند و فرانسه و انگلیس از این

وضع آشفته و خانخانی و ضعف حکومت مرکزی استفاده کرده برای گسترش نفوذ خود از راه تجارت و سیاست با یکدیگر از در رقابت درآمدند و راجگان را تطمیع و تهدید نموده و با مسلمانان که مبارزین راه استقلال هند بودند درگیری پیدا کردند در این کشمکش میان استعمارگران کم کم کمپانی انگلیسی هند شرقی بر حریفان پیروز شد و با ایجاد نفاق و اختلاف میان راجه‌ها که آنان را بر ضد همدیگر برمی‌انگیختند نفوذ خود را گسترش داد.

مبارزات مسلمانان با استعمارگران هند

مسلمانان بیدارتر بوده و از سازش با انگلیسیها یا مهاجمان غربی امتناع داشتند ، در باره عقاید دینی هندوان دیدیم که آنها از جنگ پرهیز داشته و در راه حفظ استقلال هند نیز مسلمانان بودند که مقاومت سخت نمودند .

مبارزه انگلیسیها نه تنها با امیران مخالف و مبارز بود که در راه بیرون راندن استعمارگران از هند جانفشانی میکردند و نقش اول را در این مبارزه داشتند بلکه مبارزه انگلیسیها نیز پس از استقرار بیشتر متوجه مسلمانان و برانداختن آثار اسلامی و زبان فارسی و نابودی آثار دوران درخشان حکومت اسلامی هند شد .

در جنگهای استقلال که افغانها با انگلیسیها درگیری داشتند بر انگلیسیها پیروز شدند يك نمونه از دشمنی انگلیسیها با مسلمانان در آئزمان آن بود که سرهبری رالینسن پس از جنگ با افغان و شکست انگلیس درهای آرامگاه محمود غزنوی را بعنوان آنکه درهای بتخانه سومنات است و از هند بوده برای خوشامد هندوان با خود به هندوستان برد^۱

در جریان مبارزات مسلمانان با انگلیسیها سیکها بیشتر با مسلمانان درگیری داشتند و گاه هندوها با آنها همدست شده و آلت اجرای مقاصد

۱ - تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس نوشته محمود محمود جلد دوم

انگلیسی‌ها می‌شدند. در جریان مبارزات مسلمانان با استعمارگران بارها مسلمانان بجهاد عمومی متوسل گشتند و مجاهدان را بر علیه مهاجمان تجهیز کردند اما انگلیسی‌ها با وسایل گوناگون میان مسلمانان تفرقه می‌افکندند و برخی عالم نمایان را تحریک کردند که علیه عدم لزوم جهاد فتوی دهند تا اثر فتوای عالم بزرگ شاه عبدالعزیز دهلوی را که در سال ۱۸۰۴ میلادی برای جهاد علیه انگلیسی‌ها فتوی داده بود خنثی نمایند برخی از این فتواها بوسیله علمای اسلامی در حجاز و عراق صادر شد و گاه مذاهب شیعی و شافعی و حنفی و مالکی بجهاد فتوی داده‌اند. بار دیگر در سال ۱۸۷۰ میلادی علمای هند فتوای دیگری بجهاد دادند.

انگلیسی‌ها از جهاد مسلمانان بیمناک بودند و برای تفرقه و تشتت میان علمای اسلام در انجام این فرایض وسایل مختلف برانگیختند و از هرگونه تحریک و اغوا و اتهام به وهابی‌گری و تبعید و کشت و کشتار دریغ نورزیدند و حتی در نابودی و تصاحب موقوفات مدارس دینی و دارالعلم‌های مسلمین و قطع وظائف و عواید آنها اقدام کردند.

از آغاز سده نوزدهم تا اواخر سال ۱۸۵۹ انقلابیایی میان سپاهیان هند بر علیه استعمار انگلیس ادامه داشت اما بارها بارسیدن نیروهای کمکی سپاهیان انگلیس تقویت شدند انگلیسی‌ها که اول از راه دریا وارد بمبئی شده بودند در آنجا که نایب السلطنه هند وارد شده در کنار دریا دروازه بزرگی ساخته‌اند که هنوز بیادگار برپاست.

در طی حکومت انگلستان در هند بارها مسلمانان شورش کردند ! يك شورش بزرگ در سال ۱۸۵۷ میلادی بود که راجکان و سپاهیان هند برای بدست آوردن استقلال جنبشی بزرگ کردند در این مبارزات بسیاری از مسلمانان شربت شهادت نوشیدند و بدست انگلیسی‌ها و گاه هندوان از آنها کشتارها شد. بهادر شاه آخرین پادشاه تیموری در دهلی مغلوب شد در این مبارزات حتی

زنان دلاوری مانند بی‌بی سلطان دلاوریها و مبارزات بسیار کردند پس از این واقعه هندوستان رسماً جزو قلمرو انگلستان اعلام شد و ملکه ویکتوریا بعنوان امپراتریس هند نامیده شد.

داستان مبارزه‌های مسلمانان با استعمارگران انگلیس و انجمن‌های سیاسی مسلمانان مانند جستیس امیرعلی که یک سازمان سیاسی مسلمان بود در هند نیازمند کتابی جداگانه است.

برخی از کتابها در این زمینه بزبان‌های اردو و فارسی و عربی و غیره نوشته شده است^۱.

پس از این مقدمات و مقاومتهایی که گفته شد در سال ۱۷۵۷ میلادی سراج الدوله که از نژاد ایرانی بود علیه لرد کلاپود در بنگال جنگید ولی سراج الدوله شکست خورد و شکست او ضربه سختی برای مسلمانان بود و موجب شد انگلیسیها پایگاههایی در بنگال بدست آورند و از آنجا بسراسر هند دست‌درازی کنند.

در سال ۱۷۹۵ هجری حیدرعلی امیرمسلمان دیگر از اختلاف انگلیس و فرانسه بهره برداری کرد و بر علیه استعمار برخاست فرزند او تپو سلطان مرد دلیر نامداری بود که در سال ۱۷۹۹ دلیرانه در برابر انگلیسیها ایستادگی میکرد و در بسیاری از جنگها پیروزی با او بود تا انگلیسیها براه‌های مکارانه دست زدند و در این جریان نظام حیدرآباد هند بیاری انگلیسیها درآمد و سیکها در پنجاب از آنان پشتیبانی کردند و جاتنها و مرهتی‌ها نیز از استعمار جانبداری کرده اعتماد الدوله گرفتار شده او را آتش زدند پس از شکست تپو سلطان آخرین مرد بزرگ و مقاوم و کشته شدن او در سال ۱۷۹۹ جنرال انگلیسی میگوید «تمام هند از آن ماست» پس از این وقایع سیداحمد عرفان بریلوی

۱ - تاریخ الاسلام فی الهند از عبدالمنعم و کتاب المسلمون فی الهند از ابوالحسن الندوی و کفاح المسلمین فی تحریر الهند از عبدالمنعم التحریر دیده شود.

در نزدیك دهلی بجهاد برخاست جنگ آزادی را برپا داشت. در بنگال و پنجاب جنگ با سیکها در گرفت و نهضت آزادی شکست خورد و در سال ۱۸۳۱ با پیروان خود کشته شد.

آخرین جنگ در سال ۱۸۵۷ صد سال بعد از سراج الدوله (دوران غدر) نهضت استقلال طلبی پیش میآید و آخرین فرمانروای بابریان بهادر شاه ظفر که مرد فاضلی بود و بفارسی هم شعر میگفت به پادشاهی گزیده میشود و یاغیگری در سراسر هند آغاز میشود انگلیسیها با کشتار مسلمانان و نیرنگ پیروز میشوند در این جنگ مردم را دسته دسته در شهرها بدار میآویختند و از این زمان مسلمانان رو به فقر و تهیدستی و بی سوادی رفتند زیرا مدارس را که در آن انگلیسی میآموختند مسلمانان تحریم کردند و در نتیجه دامن زدن انگلیسیها باختلافات هندوها و مسلمانان دامنه دشمنی و مخالفت آنان بالا گرفت کینه و عداوت هندوان را نسبت بمسلمانان انگلیسیها حتی در کتابها و نوشتههای خود بر میانگیختند.

مقدمات تشکیل کنگره^۱

گروهی از دانشجویان هندو و مسلمان که برای تحصیل بانگلستان مسافرت کرده بودند احساس کردند که آن آزادی و دموکراسی که انگلیسیها ادعا میکنند برای خود میخواهند نه برای مردم شرق ازینرو برای بدست آوردن و رفع اختناق مطبوعات جنبش دیگری در سراسر هند پدید آمد و جمعیت های آزادیخواه در شهرهای بزرگ بمبئی و کلکته و مدرس تشکیل شد و تظاهرات بزرگی برپاگشت در نتیجه این جنبش برای فرونشاندن طغیان مردم فرماندار کل انگلیسی موافقت کرد جمعیتی از مردم تشکیل گردد و خواسته های آنان را بگوش فرماندار کل برساند ازینرو پس از پایان آخرین جنگ مقدمات تشکیل کنگره ملی هند فراهم شد و کنگره ملی هند در آغاز تشکیل همچون دریچه

اطمینانی بود که باموافقت لرد دوفرین فرماندار کل انگلیسی برای تسکین میلیون‌ها مردم هند درست شده بود و بدولت انگلستان وفاداری کامل داشت .

نخستین بار اعضای کنگره از میان هندوان در سال ۱۸۸۵ میلادی با هفتاد تن در بمبئی تشکیل شد و مسلمانان در آن شرکتی نداشتند ولی بتدریج این اندیشه پیش آمد که برای آنکه کنگره جنبه ملی پیدا کند شرکت مسلمانان در آن لازم است . ولی گروهی با شرکت مسلمانان در کنگره مخالف بودند .

جلسات اولیه کنگره بریاست داداباهایی نوروزجی زرتشتی از پارسیان هند واجمل خان پدر جواهر لال نهرو و سید رحمت الله از مسلمانان و مستر بونارجی انگلیسی تشکیل شد در این زمان بواسطه یأس و نومیدی که از مبارزات پیایی بمسلمانان دست داده بود مسلمانان از شرکت در کنگره امتناع داشتند ولی چون دیدند دولت و فرماندار کل بنظرات اصلاح طلبان کنگره توجه دارند مسلمانان نیز بکنگره پیوستند.

باید گفت داداباهای نوروزجی یکی از پیشقدمان آزادی هند بود که به پدر بزرگ هند معروف شد و پیش از گاندی از مبارزان راه استقلال بود در سال ۱۸۷۵ میلادی او رئیس کنگره بود و خود مختاری هند را در کنگره عنوان کرد و در مجلس عوام انگلیس نیز نماینده بود. سه نفر از پارسیان هند بنماینده گی در مجلس عوام انتخاب شده بودند که هر سه برای آزادی هند اقدام میکردند داداباهایی نوروزجی یکی از آنان بود و دیگران بهاونه گری و سکت والا ایرانی الاصل بودند .

هنگامی که داداباهایی در گذشت کیلومترها مردم هند از جنازه او مشایعت می کردند و جشن صد سالگی او را پس از مرگ سه روز با شکوه تمام بر پا داشتند و کنگره بزرگی برای این کار تشکیل شد که گاندی رئیس آن بود .

پارسیان در هند نفوذ و احترام بسیار داشته و از پیشقدمان آزادی هند

بودند چنانکه محمدعلی جناح پیشوای بزرگ مسلمانان نیز از تربیت یافتگان سر پیروز شاه‌مهتا بود که به‌شاه بی‌تاج بمبئی لقب یافت و او بود که اساس شهرداری بمبئی را نیز گذاشت .

در کنگره هند مردان بزرگی چون سر اندرانات بنرجی ، لاج پترای (تیلک) ، گاندی ، چترنجی داس ، راجاکوپالاجاری ، مولانا محمدعلی ، مولانا شوکت علی ، محمدعلی جناح ، مولانا ابوالکلام آزاد ، موتی لال نهرو و پسر او جواهر لال نهرو ، راچندرا پرشاد شرکت داشتند .

پس از تشکیل کنگره هند مسلمانان نیز به‌تشکیل جمعیت‌هایی اقدام کردند از جمله جستیس امیرعلی (قاضی بزرگ) سازمان سیاسی مسلمانان را تشکیل داد و در برابر انگلیسی‌ها پیوسته هندوان را در برابر مسلمانان تقویت میکردند و مسلمانان از هرچه رنگ انگلیسی داشت پرهیز میکردند حتی از رفتن مدرسه و خواندن زبان انگلیسی. در این زمان سر سید احمدخان که مرد روشنفکری بود و به‌خواه‌های سیاست انگلستان در هند معروف بود مسلمانان را برفتن مدرسه و آموختن زبان انگلیسی تشویق مینمود او دانشگاه معروف علیگر را که در بیداری نهضت مسلمانان اثر بسیار داشت تأسیس کرد و گرچه با وی مخالفت‌ها شد و او را بخیان متهم کردند ولی او همچنان مشوق مسلمانان بود که در فراگرفتن زبان و فرهنگ از هندوان بازماندوران مبارزه را آشنایی با زبان و فرهنگ انگلیسی میدانست .

در سال ۱۹۰۵ میلادی لرد کرزن استان بنگال را بدو بخش مسلمان نشین و هندو تقسیم کرد و گرچه در آغاز با این نظر مسلمانان مخالف بودند ولی از این جدائی آزادی بیشتری یافته و خود مقدمه استقلال و جدائی هندو و مسلمان شد .

در این زمان انجمن خلافت مسلمانان برهبری محمدعلی و شوکت علی در بمبئی تشکیل شد و بنمایندگی مسلمانان با کنگره گفتگو میکردند .

در سال ۱۹۰۶ نایب السلطنه هند موافقت کرد که مسلمانان در انتخابات هند جداگانه شرکت نموده نمایندگان خود را در انتخابات عمومی انتخاب نمایند و این يك مرحله پیروزی برای مسلمانان بود .

در سال ۱۹۰۶ گروهی از مسلمانان در داکا گردآمده بکوشش نواب سلیم پور و قار الملک و محسن الملک و جمع دیگری شالده جمعیت مسلم ليک^۱ را ریخته بزودی این جمعیت رسمی گشت و مصدر خدماتی شد؛ در این زمان بسیاری از مسلمانان از کنگره کناره گیری کرده بجمعیت مسلم ليک پیوستند محمد علی جناح در این زمان از پیروان اتحاد هندو و مسلم بود و ازینرو ویرا پیامبر اتحاد هندو و مسلم نام داده بودند .

هنگامی که جنگ جهانیگیر اول در سال ۱۹۱۴ آغاز شد و مردم هند برهبری دکترانی بزنت^۲ و محمد علی جناح انجمن آزادیخواهان را تشکیل دادند و کشمکش های هند و پاکستان را از طریق داوری اصلاح می کردند گاندی با آنها همکاری نداشت و او در اندیشه نافرمانی بود .

محمد علی جناح که بقائد اعظم معروف شد در سال ۱۹۳۷ میلادی به ریاست سازمان مسلمانان مسلم ليک تعیین شد محمد علی جناح از خوجه ها و شیعی بود .

در نتیجه فعالیت و توسعه نفوذ جمعیت مسلم ليک جمعیت العلمای هند نیز تشکیل شد و هدف اصلی آن مخالفت با مسلم ليک و برانگیختن مسلمانان علیه آن جمعیت بود. جمعیت دیگر بنام کنفرانس شیعه ها طرفدار کنگره بود و جمعیت خاکساران که نفوذ بسیار داشتند و با بیلچه های مجهز بودند بر علیه جمعیت مسلم ليک شدند و جمعیت مجلس احرار نیز هواخواه کنگره بود اما با مخالفت همه جمعیت ها مسلم ليک در میان مردم و مسلمانان هند بقدری نفوذ یافت که رو به پیشرفت میرفت .

جمعیت هندو مها سبایا بزرگترین انجمن هند نیز مخالف جمعیت مسلم لیک بود و انگلیسیها هم بیشتر طرفدار کنگره هند بودند .

در زمان ژرژ پنجم قرار شد ولیعهد انگلیس (پرنس آف ولز) بدعوت فرماندار کل نایب السلطه هند به هندوستان بیاید کنگره مسلمان انجمن خلافت تصمیم گرفتند که از او استقبال نکنند . پارسیان هند روی قوانین دینی خود با این امر مخالف بودند و عقیده داشتند که از پادشاه و خاندان او باید تجلیل کرد جدالی میان هندوان و مسلمانان با پارسیان در گرفت و چند تن از پارسیها را کشتند و خواستند آتشکده های آنان را خراب کنند با و ناگری یکی از پارسیان که در مجلس عوام انگلیس بود پارسیان را بیدفاع خوانده و درخواست کرد بآنها اسلحه بدهند تا از خود دفاع کنند به پارسیان تعدادی اسلحه داده شد و آنها روی بام آتشکده ها سنگر کرده از خراب کردن آتشکده ها و کشتار پارسیان جلوگیری کردند و در نتیجه میان آنان صلح برقرار شد .

مبارزات کنگرس هند وقتی نتیجه بخش شد که گاندی پیشوای بزرگ با آنان همراه شد و پیشوایی و رهبری نهضت ملی استقلال طلبی را بعهدہ گرفت .

گاندی از سال ۱۹۱۵ که از افریقا به هند بازگشت دیگر زندگانی خود را وقف مبارزه با استعمار کرد روش گاندی در مبارزه ملایمت و مدارا بود^۱ که از سال ۱۹۲۱ آغاز کرد و هرچه استعمارگران برفشار خود میافزودند بیشتر مردم بگرد گاندی گرد میآمدند گاندی هندیان را به عدم همکاری با دولت دعوت می کرد چنان که حکومت انگلیس از رفتار گاندی و پیروان آن بستوه آمد .

پس از این واقعه گاندی رهبر بزرگ هندوان در زمان نخست وزیری

۱ - Non Violence عدم شرت .

سهروردی سفری به بنگال رفت در آنجا اختلافهایی میان مسلمانان و هندوان بود و هردو گروه برای استقلال و آزادی میکوشیدند . برای نخستین بار در سال ۱۹۲۲ از جانب گاندی فرمان نافرمانی صادر شد گاندی روزه گرفت در این زمان هندوان و مسلمانان يك پیمان گشتند و نهضت نافرمانی در سراسر هند گسترش یافت گاندی را در این میان گرفته زندانی کردند این مبارزات استقلال طلبانه را مبارزات طلائی گفته اند . اگرچه محمدعلی جناح نخست به نهضت نگر وید و در اینکار سودی نمیدید و تاگور هم در این عقیده با جناح همراه بود ولی در نتیجه درایت گاندی میان هندوان و مسلمانان تفاهم و اتفاق برقرار شد گاندی خطاب به هندوان که با مسلمانان کینه و دشمنی داشتند گفت اینهمه مسلمان که از عربستان به هند نیامده اند اینها همه برادران شما هندو ها هستند که امروز مسلمان شده اند ازینرو میان هندو و مسلمانان تفاهم و برادری و برابری برقرار شد محمد علی جناح نیز به نهضت نافرمانی پیوست سران دیگر مسلمان لیاقت علیخان، سردار عبدالرب نشتر مولانا حسرت موهانی به پیشوائی مسلمانان برخاستند در سال ۱۹۲۷ هیئاتی بنام «کمسیون پادشاهی بریاست سرجان سیمون بهند فرستاده شد تا درباره شایستگی هند برای استقلال تحقیق نماید ولی از طرف مردم هند استقبالی از آنها نشد . در سال ۱۹۲۹ اقبال لاهوری بریاست مسلم لیگ هندوستان برگزیده شد .

در این سال دولت انگلیس حاضر شد بملت هند مانند دیگر کشورهای مشترك المنافع استقلال دهد برای این کار رهبران هند بلندن دعوت شدند تا با دولت انگلیس مقدمات کار را فراهم نمایند در لندن کنفرانس میز گرد اول تشکیل شد اما نتیجه ای بدست نیامد در سال ۱۹۳۵ مقاومت منفی شدت یافت و نافرمانی سراسر هند را فرا گرفت در نتیجه گاندی و سران دیگر انقلاب بزدان افتادند در سال ۱۹۳۱ کنفرانس میز گرد دویم تشکیل شد و در سال ۱۹۳۲ کنفرانس میز گرد سوم در این کنفرانس دولت انگلیس بصراحت آزادی هند را اعلام

نمود در سال ۱۹۳۵ قانون استقلال استان‌های هند از مجلس انگلیس گذشت و در سال ۱۹۳۷ دولت‌های ایالتی و مجلس هراستان تشکیل شد و انتخابات بعمل آمد.

در سال ۱۹۴۰ در مجله مسلم لیک نامی از پاکان و پاکستان برده شد میتوان گفت در پیدایش این کلمه فارسی اقبال لاهوری شاعر بزرگ پاکستان سهم بزرگی داشته است همچنین باید گفت تیلاک رهبر برهمنان هند نیز در تقسیم هند و پاکستان نقش مؤثر داشت او مسلمانان و هندوان را بلزوم تجزیه معتقد میساخت. سر احمدخان هم در بیداری مسلمانان و برابری آنها با هندوان و پیشرفت فرهنگ و آشنائی سیاست کوشش بسیار کرد در سال ۱۹۴۰ میلادی مسلمانان هندوستان در لاهور بتقسیم هندوستان بدو کشور مسلمان و هندونشین عقیده پیدا کردند تا راچند رئیس انجمن نیز در این نهضت و جنبش سهمی داشت. در سال ۱۹۴۲ در هند قیام بزرگی بنام ترک‌هند^۱ برپا شد که بر علیه انگلستان نافرمانی بزرگی سراسر هند را فراگرفت بطوریکه سراسر اتفرد کریس را مجلس انگلیس برای گفتگو با استقلال طلبان بهند فرستاد نهضت ترک‌هند نتیجه‌ای نداد و نماینده انگلیس هم با هواپیما سقوط کرد.

هنگامی که گفتگو از تقسیم هند بمیان آمد جنگ و جدال باسیکها نیز آغاز شد که تفصیل دیگری دارد. در اوت ۱۹۴۶ در کلکته میان مسلمانان و هندوها کشتار بزرگی در گرفت که بیش از چهار هزار مسلمان و هندو کشته شدند. در این زمان بموجب قانون اساسی شورای ایده‌ئولوژی اسلامی نیز تشکیل شد تا قانونی مطابق باموازین دینی اسلام برای پاکستان تهیه نماید. برای اینکار لرد ویول دعوتی از نمایندگان کنگرس و حزب مسلم لیک نمود تا مقدمات استقلال را فراهم سازند جلسه بریاست ابوالکلام آزاد که رئیس کنگره بود برپا شد. پس از هفت سال مجاهدات مسلمانان و هندوان

جنبش استقلال‌خواهی به‌ثمر رسید و قرار شد مسلمانان و هندوان از هم تفکیک شوند تا سرزمینهای آنان مشخص گردد. در این تفکیک بیشتر ارتش و پلیس به‌هندوان پیوستند زیرا انگلیسیها برای انتخاب افراد ارتش به هندیها بیشتر اعتماد داشتند تا به‌مسلمانان و برای انتخاب پلیس به‌سیکها و جاتها بیشتر عقیده داشتند تا به‌مسلمانان ازینرو درشورشها و اغتشاشهایی که در بهار آن سال در کلکته و دهلی و علیگر و بهار پیش‌آمد پلیس و ارتش به‌پشتیبانی هندوان در کشمکشها مداخله کرد و گروهی از مسلمانان کشته شدند در این زمان هند و پاکستان یا هندو و مسلمان برای تشکیل حکومت مستقل از یکدیگر جدا و آماده تشکیل دولتهای جداگانه میشدند در این زمان لرد مونت باتن آخرین نایب السلطنه هند بود.

استقلال پاکستان و هند

باری پس از هفت سال مبارزه و مجامده در ۱۶ مه ۱۹۴۶ اعلامیه‌ای منتشر شد که دولت فدرال هند بوجود خواهد آمد و در ۱۴ اوت ۱۹۴۷ میلادی پس از نود سال طرح قانونی استقلال پاکستان و هند در مجلس انگلستان بتصویب رسید و بحکومت دویست ساله انگلیسی در سرزمین هند پایان داده شد. دولت جمهوری اسلامی پاکستان برهبری محمدعلی جناح قائد اعظم در بخش سند و بلوچستان و بنگال شرقی تشکیل شد و نخست پایتخت آن کراچی و سپس راولپندی شد و اکنون به اسلام آباد منتقل میشود. دولت جمهوری هندوستان نیز روز ۱۵ اوت همان سال اعلام استقلال نمود.

نهضت هندوان برهبری گاندی و جواهر لال نهرو و دکتر راجندر پراساد و ابوالکلام آزاد و پاتل و غیره بود که همه در آن زمان از سران کنگره بودند نام دولت جدید بهارت گذاشته شد^۱.

۱ - چنانکه گفته شد نام هند از قدیم بهارت بوده و نام هند وسیله مسلمانان در سده چهارم باین سرزمین داده شد در متون کتابهای جغرافیای قدیم مانند حدود العالم معجم البلدان یا قوت حموی، آثار البلاد و اخبار المباد زکریای قزوینی و حتی لسترنج در جغرافیای سرزمین‌های خلافت هندوهند راجدا دانسته‌اند و این نظر درست نیست که نام هند از سند ساخته شده باشد.

تعداد مسلمانان در هند و پاکستان و بنگال بیش از یکصد و نود میلیون است .

پیشوایان نهضت مسلمانان مولانا محمدعلی قائد اعظم ، محمدعلی جناح ، و لیاقت علی خان و علامه اقبال لاهوری بودند که مولانا محمدعلی پیش از استقلال پاکستان در سال ۱۹۳۱ درگذشت و دکتر محمد اقبال در سال ۱۹۴۸ بدروء زندگی گفت . باین ترتیب شبه قاهره هند بدو کشور جمهوری هندوستان و کشور جمهوری اسلامی پاکستان تقسیم شد تعیین مرزهای دو کشور نیز بآسانی انجام نشد و پس از تقسیم گروهی از دوسو کوچ کردند و در راه برخوردائی داشتند . در کشور جمهوری هند در حدود شصت میلیون مسلمان است و کشور جمهوری پاکستان از دویخش پاکستان شرقی و غربی تشکیل شد . پاکستان شرقی از بخشی از بنگال درست شد که زبان آنها بنگالی و زبان پاکستان غربی اردو ، بلوچ و پشتواست در سال ۱۹۷۱ پس از انتخابات عمومی نهضتی تجزیه طلب در پاکستان شرقی برهبری شیخ مجیب الرحمن پدید آمد که دولت پاکستان این نهضت را سرکوب کرد در نتیجه نه میلیون ونیم مردم ناراضی از خانه و شهرهای خود بریده به هندوستان پناه بردند وجود همین پناهندگان موجب اختلاف شدید میان هند و پاکستان شد و منجر به جنگ در دوجبهه شرقی و غربی گشت و پس از چهارده روز جنگ و خرابی ارتش پاکستان شرقی بدون قید و شرط تسلیم گشت و مقدمات تشکیل حکومت خودمختار بنگلادش فراهم شده و یک سلسله اختلافهای دیگر مانند استرداد اسیران جنگ و شناسائی بنگلادش و تجزیه پاکستان پدید آمد و پس از مدتی پاکستان بنگلادش را برسمیت شناخت و امروز دولت ایران با پاکستان و هندوستان و بنگلادش رابطه برادرانه ای دارد .

پایان

در سفری که به هند و پاکستان رفتم
 بیاد سخنسرایان بزرگ و نامدار
 آن دیار چندمثنوی و سرایه و قطعه،
 سرودم که در پایان نمونه‌ای از آن
 سخنان یاد میشود :

در صدمین سالگرد غالب بر مزار غالب شیرین سخن در دهلی نو سروده شده

آن غالب شیرین سخن افتاد بیام
 آنکو که ستایشگرش ایرانی و هندو
 در خاک نجف میرد در دهلی نو مرد
 چون او نتوان نغمه سرایی بجهان دید
 مشهور به نبریز و بخارا و به میسور
 او زنده به تهران و صفاهان و بشیراز
 او بلبل خوش نغمه بهر انجمنی بود
 او طوطی شکرشکنی بود به بنگال
 شکرشکن از شعر خوشش طوطی و بلبل
 آری که باقلیم سخن بود شهنشاه
 بس نقش بگفتار دری هشت چوارژنگ
 طرحی دگر افکند ز نو هیکل و قالب

هر دم که بیاد سفر هند فتادم
 آنکو بدری شعر سرودی و باردو
 او خواست صفاهان زید و هند بسربرد
 آنکس که نمر دست و بود زنده جاوید
 زنده است بکشمیر و کراچی و به لاهور
 او شهره بدلی بود و کابل و قفقاز
 او باز پسین شاعر شیرین سختی بود
 او بلبل شیرین سخنی بود بهر حال
 شاداب هم از شعر تراو چمن و گل
 افراشت بگلزار ادب خیمه و خرگاه
 بس رنگ باردوی بر آورد چه خوش رنگ
 یکتا بگلهستان ادب گفته غالب

در عرس امیر خسرو دهلوی در شب هفدهم شوال بر مزارش در دهلی نو در حضور جمع سروده شد :

سخن گو عندلیب خوشنوائی
یکی فرزانه استاد سخن سنج
نظام تازه ای در نظم افکند
بنظم آورد بس درهای شهوار
نظامی را بدیل از سحر گفتار
نظامی را بهین پیرو بگفتار
ز مهتا عارفان نیک رفتار
بگلزار ادب خسرو بدهلای
ز شعرش در طرب لاهور و کشمیر
سخن را بر سخنهای نیازی
به پیش تربتش بر پا ستادم
شبانگه بر مزارش گل فشاندم
بعرشش تا سحرگاه دل بیستم
شدم در محفل ثانی نظامی
همان سجاده بنشین نظامی
شبانگه در سماعش قال کردم
از آن منطق دلم بس حکمت آموخت
سماعش از زمین تا آسمانست
ز ساز محفلش مدهوش گشتم

بگلزار ادب دستا نسرائی
ز مدر منظومه ها آگند چون گنج
سخنهایش بسی شیرین تر از قند
سخنهایش ستایش را سزاوار
سخنهایش چو گوهرهای شهوار
نظام الدین دانا را مددکار
ز شیرین شاعران نغز گفتار
بشعر افکند طرحی نو بدهلای
ز عرفانش معین الدین باجمیر
مرا بر تربتش روی نمازی
بدهلای بر مزارش گل نهادم
به محفل زو ثنای تازه خواندم
ز اندوه و غم جانگاه رستم
که بودی بن حسن چشتی نامی
که خلقی رو بدو دارد تمامی
بشب در بزم یاران حال کردم
نمیرد آن چراغی کو بر افروخت
نوای ساز او در گوش جانست
سخنگو بودم و خاموش گشتم
دهلی نو « یکتا »

فیضی دکنی

فیضی فیاضی آن نیکو سخنور یاد باد
بود فیضی شاعری خوشگوی در بزم سخن
گفته فیضی کتاب فضل را عنوان بود
خانه‌ای بگذاشت درسگری ز سنگ زرنگار
دفتر رنگین و پر نقش ز گفتار دری
فیضی از گوهر چو عمان دفتر آگنده داشت
گفته‌های نغز فیضی فیض بخش خاص و عام

آنکه باشد شاعران نغزگو را اوستاد
روز میدان رزمجویی فاتح و شمشیرزن
کو سپهر شاعری را اختری تابان بود
دفتری بنهاد در نظم دری او یادگار
افسر اکبر شهی را پر بهاتر گوهری
اوسخن را با سخنهای دری پاینده داشت
گر گذشت از این جهان مانده همیشه زنده نام

آگرا - فتحپور سکری ۱۳۴۷

« یکتا »

در باره بازگشت پارسیان هند
به میهن سروده شده است:

به پارسیان هند

همه در آرزوی دیدن میهن در بند
همه ایرانی والاگوهر و نیک نهاد
همه در بمبئی و کلکته و دهلی نو
همه دین آور و در دین بهی نغمه سرای
همه از خانه و کاشانه خود دور شدند
بینی امروز براهش همه بیتاب و پریش
چون تواند که ز دل بسته خود دل بر کند
شده ای زاده آزاده ایرانی دور
بهرت آغوش گشادست همی مام وطن
بلکه در خون و رگ و ریشه و آب و گل ماست
زنک اندوه ز آیین دل بزدايند

« یکتا »

دیدم از مام وطن دور هزاران فرزند
همه خوش گوهر و دهگان و همه پاك نژاد
جمله را دل بهواداری میهن بگرو
ره شناسان همه را مهر وطن راغنمای
شد بسی سال که آنان همه مهجور شدند
یک زمان رنجه شدندی اگر از میهن خویش
گریکی رنجه شد از مادر خود روزی چند
گر ز آسیب زمان چند که از مام صبور
با همه دوری و رنجوری و هجران و محن
مهر هر پارسی آغشته بجان و دل ماست
ای خوش آن دم که چو یکتا بوطن باز آیند

فهرست

نفوذ فرهنگ و تمدن ایران و اسلام در سرزمین هند و پاکستان

صفحه	عنوان
۳	پیشگفتار
۶	موقعیت جغرافیائی هند و پاکستان
۷	آئین هندو
۸	کیش وداها و بیدعا
۸	نام عند
۹	نژادها
۱۰	نفوس هند و پاکستان
۱۰	زبانهای هند
۱۸	دین در سرزمین هند و پاکستان
۲۱	کیش هندو
۲۲	نظام طبقاتی
۲۵	ظهور آئین بودا
۳۱	هند باستان
۳۲	سرزمین آریائیهها
۳۳	تمدن دره سند
۳۶	دیگر تمدنهای هند
۳۶	بستگی تمدن و فرهنگ ایران در هند
۴۳	تاریخ هند باستان
۴۵	سرودهای دینی وداها و مباحث دینی
۵۵	اسلام در سرزمین هند و پاکستان
۵۸	حکومتهای اسلامی در هند

۶۰	خانواده محالیک
۶۰	د خلجیان
۶۰	» تغلقیان
۶۱	د بهمنی
۶۱	د سادات
۶۱	» لودیان
۶۱	قطب شاهیان
۶۲	خانواده بابریان
۷۱	آثار حکومت‌های اسلامی در هند
۸۰	کتابخانه‌های هند و پاکستان
۸۱	در هندوستان
۸۳	زبان و ادبیات فارسی
۸۴	برخی شاعران فارسی‌گوی هند و پاکستان
۸۶	یک نمونه از گفته‌های آتشین اقبال لاهوری
۸۸	تذکره‌های فارسی در هند و پاکستان
۹۱	فرهنگها و کتابهای لغت فارسی در هند و پاکستان
۹۳	رسوم و آداب ایرانی در هند و پاکستان
۹۴	تاریخ در دوران اسلامی
۹۶	تمدن و فرهنگ ایران
۹۹	پرتو ، پارشو ، پارتها ، پهلوها
۱۰۶	دین در هندوستان
۱۰۸	زرتشتیان یا پارسیان
۱۲۵	تصوف و عرفان در هند
۱۲۹	سلسله‌های تصوف در هند
۱۳۱	مشایخ سلسله نقشبندیه مجددیه
۱۳۲	مشایخ سلسله قادریه
۱۳۲	مشایخ سلسله چشتیه صابری
۱۳۵	مقدمات نفوذ اروپائیان در هند
۱۳۷	مبارزات مسلمانان با استعمارگران
۱۴۰	مقدمات تشکیل کنگره
۱۴۸	استقلال هند
۱۵۰	در صدمین سالگرد غالب
۱۵۱	در عرس خسرو دهلوی
۱۵۲	فیضی دکنی
۱۵۳	به پارسیان هند

چند اثر چاپ شده نویسنده : این کتاب

تاریخ‌شناسی - نقدی بر تاریخ و تاریخ‌نگاری - در تاریخ‌شناسی و شناسائی تاریخ ایران
و جهان - از انتشارات کاخ چاپ بها : ۲۰۰ ریال

تاریخ تمدن و فرهنگ پیدایش فرهنگ و تمدن و فرهنگ و تمدن شرق و غرب از
انتشارات گوتنبرگ بها : ۱۲۰ ریال

نوپردازی در تاریخ شعر و نقد شعر و سخن‌سنجی و آفرینش هنری و ساختمان شعر در
اروپا و کشورهای عرب و همجوار از انتشارات وحید بها : ۲۵۰ ریال

تاریخ شطرنج روشهای شطرنج و اصطلاحات آن با ۴۹ گراور از انتشارات ابن‌سینا
بها : ۱۰۰ ریال

تاریخ دارائی ایران شامل تاریخ مالیه و سازمانهای وابسته و بودجه‌های سنواتی
و درآمدهای عمومی چاپ سوم از انتشارات دهخدا بها : ۵۰۰ ریال

کار و زندگی کتابیست اجتماعی در مباحث کار و زندگی چاپ چهارم ناشر کتاب‌فروشی
علی‌اکبر علمی بها : ۱۵۰ ریال

شناسائی راه و روش علم و فلسفه در عرفان و تصوف و شناسائی و تقسیم‌بندی
علوم در ایران و یونان ناشر کتاب‌فروشی گوتنبرگ چاپ دوم بها : ۵۰ ریال

تویانا اثر تحقیقی در باره صبی‌ها و آئین مهر و مانسی و مسیح از انتشارات ابن‌سینا
بها : ۶۰ ریال

دوست و دوستی کتابیست اجتماعی ناشر کتابفروشی مروج

بها : ۶۰ ریال

فانتزینامه دارای بیست فانتزی ناشر کتابفروشی برادران علمی

بها : ۳۰ ریال

تاریخچه نود و اصطلاحات و اقسام آن - نرد در ادبیات از انتشارات ابن سینا

بها : ۵۰ ریال

علم مغناطیس و تاریخچه آن - هیپنوتیسم چاپ سوم ، ناشر کتابفروشی علی اکبر علمی

بها : ۳۰ ریال

فروهنسنگ مصوریکتائی فرانسه بفارسی چاپ دوم ، ناشر انتشارات ابن سینا

بها : ۲۵۰ ریال

حافظ یکتائی با مقدمه تحقیقی و متن انتقادی، ناشر کتابفروشی علی اکبر علمی

بها : ۱۵۰ ریال

برگزیده شاهنامه سخنان برگزیده فردوسی ناشر وزارت آموزش و پرورش سازمان

بها : ۲۰ ریال

کتابهای درسی

فروهنسنگ یکتائی جیبی فرانسه بفارسی از انتشارات امیرکبیر

بها : ۵۰ ریال

میهن و میهن پرستی ترجمه از پل میکِل ناشر کتابفروشی علی اکبر علمی

بها : ۱۰ ریال

نبردهای من با مقدمه مارشال فوش ترجمه از فرانسه ناشر کتابفروشی دانش

بها : ۱۲۰ ریال

درست نامه

صفحه	سطر	فادرست	درست
۴	۳	ببستگی	پیوند و بستگی
۴	۱۸	زباك	زبان
۷	۱۹	خاور شناسان	محققان مذاهب
۸	۹	وكهن	و ازكهن
۸	۱۰	آن با	با
۸	۱۹	يعنى	و اری ورت یعنی
۹	۲	دیش	دش
۹	۱۱	روشنتر	روشن
۹	۱۵	نژاد	نژاد شبه
۹	۲۰	رنگ	رنگ هستند
۹	زیر صفحه		Pradesha
۱۰	۵	پنج	هفت
۱۰	زیر صفحه		Greerson
۱۵	۲		سجزی ، فیضی فیاضی
۱۶	۱۰	پنده گان	پندگان
۱۶	۱۸	پپردازند	پپردازد
۱۷	۳	تحمیل	تحمیلی
۱۷	۵	شد،	شد
۱۸	۸	پس	پیش
۱۸	۱۲	اوستاد	اوستا
۱۹	۱۱	وداها	ودا
۱۹	۱۲ زیر صفحه	اشلوك	شلوك
۱۹	۱۳	ها	هر
۲۰	۲۱	اندرا	اینندرا
۲۱	۷	اینندرا	اینندرا را

صفحه	سطر	نادرست	درست
۲۱	۱۰	اندرا	ایندرا
۲۱	۱۳	در اوستا	اوستا
۲۱	۱۶	هندر	هندو
۲۲	زیر صفحه		Valyshas
۲۳	۱۷	شاخه‌هایی	شاخه‌ها
۲۳	۱۸	براهمن	برهمن
۲۴	۹	انبیتکا	امبدکار
۲۴	۱۶	ودانگ	ویدانت
۲۴	زیر صفحه		Vedant
۲۵	سطر ۱۸ و ۱۹ زائد است		Bouddha
۲۵	زیر صفحه		
۲۸	۱۰	یولکسنی	پولی کسین
۲۸	زیر صفحه		Polikesin
۲۹	۵	کروگرنته	کروگرنه
۲۹	۱۵		از کشتن و خوردن گوشت
۲۹	۱۹	شده	شده‌اند
۳۱	۷	تاریخی همیشه	تاریخ
۳۳	۱۵	شمال	در شمال
۳۳	۲۱	هند	سند
۳۴	۶ زیر صفحه		Valley
۳۴	» »		John
۳۴	» ۱۱	وهیلر	ویلر
۳۵	۴	آخر سطر اضافه شود	و آنها را بخط سندی دانسته‌اند
۳۵	۱۲	کاشها	کاشها
۳۸	زیر صفحه		The Early History of
۴۱	۱	کاهست	کاست
۴۸	۱۹		رگهو و مسه
۴۸	زیر صفحه		Vamse
۴۹	۲	بهوشمیه	بهوشیه
۴۹	۸	مدارا	مدرا
۴۹	زیر صفحه		Mudra Rakshasha
۵۳	۴ زیر صفحه		Ajanta
۵۸	زیر صفحه		Culture
۶۰	۹	التمس	التمش

صفحه	سازمان اسناد و کتابخانه ملی	نام درست	درس
۶۵	۱۴	ون. سی	ون. سی
۶۶	۶ زیر صفحه	astola	as told
۷۱	۱۲	الشمس	الشمس
۷۳	۹	۱۹۷۴	۱۸۷۴
۷۸	۲۹	سنجری	سنجری
۸۱	۱۲	دو هزار	یک هزار
۸۱	۱۹	برزنامه و نسخه اصلی دینکرد به پهلوی	برزنامه و نسخه اصلی دینکرد به پهلوی
۸۱	۲۰	(اصلی دینکرد به پهلوی و) زائد است	(اصلی دینکرد به پهلوی و) زائد است
۸۴	۲۳	ابوعبد الله	ابوعبد الله
۸۹	زیر صفحه	Gupamovy	Gupamovy
۹۶	۱	ایران در	ایران و
۹۸	۱۳	وهاز دنگهاوه	وازه دنگهاوه
۹۸	۱۶	جیسول	جیسوال
۹۸	۳ زیر صفحه	Danavas	Danavas
۹۸	۴ زیر صفحه	Jaysval	Jaysval
۱۰۰	۷	پهره	پهره
۱۰۲	۴	پیکلی	پایکولی
۱۰۲	۶ زیر صفحه	Quitities	Quitities
۱۰۴	۲۱	کچ	کچ
۱۰۸	۷	انگلیس	انگلیس
۱۱۳	۱	یزدانان	یزدانیان
۱۱۶	۵	بازرگان	تجار ب
۱۱۷	۱۳	الیمجی	لیمجی
۱۲۰	۸	شد	شد
۱۲۶	۱	متمولیان	متمولیان
۱۲۷	۳	سهرورده	سهرورده
۱۲۷	۱۶	دربندی	سرهندی
۱۲۸	۳	که از پیروان معین الدین چشتی بود	زائد است
۱۳۰	۶	اشرافیه	اشراقیه
۱۳۱	۱۳	فانی - شیخ	فانی شیخ
۱۳۲	۸	پالی یتی	پانی یتی
۱۳۲	۱۱	دو	پنج
۱۳۳	۷	سری	بصری
۱۳۳	۹	سری و روحی یا	بصری و
۱۳۳	۱۴	درست	تقویت
۱۳۳	زیر صفحه	Guru	Guru
۱۳۳	۱۹	جمعیت	جمعیت و تجزیه هند
۱۳۴	زیر صفحه	شرت	شدت